



نظرات مردم افغانستان در مورد حل سیاسی جنگ  
و نظم سیاسی پس از منازعه

یعقوب ابراهیمی

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان



نظرات مردم افغانستان در مورد حل سیاسی جنگ  
و نظم سیاسی پس از منازعه



مطالعات صلح ۶

## ۱۳۹۸ © انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان یک نهاد تحقیقاتی مستقل است که در میزان ۱۳۹۱ به هدف فراهم‌سازی زمینه علمی و آکادمیک برای ارزیابی موضوعات راهبردی افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، تأسیس شده است. انستیتوت تلاش دارد از طریق انجام پژوهش‌های مستقل، ترجمه و انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی، به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح و حکومت‌داری خوب در جامعه کمک کند.

### رفع مسئولیت

تحلیل ارائه‌شده در این پژوهش، صرفاً نظر نویسنده است و دیدگاه انستیتوت را بازتاب نمی‌دهد.



---

### نظرات مردم افغانستان در مورد حل سیاسی جنگ و نظم سیاسی

#### پس از منازعه

نویسنده: دکتر یعقوب ابراهیمی

تحلیل‌گر داده: محمد هادی ایوبی

مترجم: فردوس کاوش

شماره نشر: AISS-P-027-2020

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸ کابل

نشانی: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

شماره‌های تماس: ۰۰۹۳۲۰۲۲۳۲۸۸۰

ISBN 978-9936-655-00-3



9 789936 655003

## فهرست مطالب

سپاس‌گزاری.....	ذ.....
یافته‌های کلیدی تحقیق.....	ر.....
مقدمه.....	۱.....
سوالات تحقیق.....	۳.....
روش تحقیق.....	۴.....
مشخصات جمعیت‌شناختی.....	۵.....
سن و جنس:.....	۵.....
محل زندگی:.....	۶.....
تحصیلات:.....	۷.....
شغل:.....	۸.....
هویت قومی:.....	۸.....
گرایش سیاسی:.....	۱۰.....
چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق.....	۱۱.....
مفاهیم کلیدی.....	۱۳.....
۱) حل سیاسی.....	۱۳.....
۲) نظام سیاسی.....	۱۷.....
۳) مشروعیت سیاسی.....	۱۹.....
نظرات مردم در جنگ و الگوی حل سیاسی آن.....	۲۴.....
میزان آگاهی پاسخ‌دهندگان.....	۲۴.....
نظرات مردم در مورد موانع فراراه صلح.....	۲۵.....
نظرات مردم در مورد کشتار غیرنظامیان بعد از ۲۰۰۱.....	۲۸.....
نظرات مردم در مورد الگوهای حل سیاسی جنگ.....	۲۹.....
نظرات مردم در مورد نظام سیاسی.....	۳۸.....
نظرات مردم در مورد نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با امارت طالبان.....	۳۸.....
دیدگاه‌های مردم در مورد روش انتخاب حکومت‌کنندگان.....	۵۲.....
نظرات مردم در مورد حقوق و آزادی‌های سیاسی، مدنی و فردی.....	۵۹.....
نظرات مردم در مورد مشروعیت سیاسی.....	۶۹.....

۷۸.....	نتیجه گیری
۸۱.....	ضمیمه الف: جداول
۱۰۲.....	ضمیمه ب: شکل ها
۱۱۷.....	ضمیمه ج: پرسش نامه

## فهرست جداول

- جدول ۱: جامعه آماری ..... ۴
- جدول ۲: جامعه آماری با تفکیک ولایات ..... ۶
- جدول ۳: میزان آگاهی شرکت‌کنندگان از مذاکره میان امریکا و طالبان ..... ۲۴
- جدول ۴: مانع اصلی صلح از نظر شرکت‌کنندگان ..... ۲۶
- جدول ۵: مانع عمده صلح با تفکیک گرایش سیاسی (درصدی) ..... ۲۷
- جدول ۶: کی‌ها مسئول کشتار غیرنظامیان بعد از ۲۰۰۱ هستند؟ ..... ۲۸
- جدول ۷: الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ ..... ۳۰
- جدول ۸: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان ..... ۳۹
- جدول ۹: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان به تفکیک ولایات ..... ۴۶
- جدول ۱۰: میزان رضایت از تأمین امنیت توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ ..... ۴۷
- جدول ۱۱: میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ ..... ۴۸
- جدول ۱۲: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی برای افغانستان ..... ۵۰
- جدول ۱۳: کی رییس‌جمهور مشروع است؟ ..... ۵۳
- جدول ۱۴: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک گرایش سیاسی ..... ۵۶
- جدول ۱۵: میزان مخالفت و موافقت با وجود پولیس مذهبی/ شبیه امر به معروف و نهی از منکر طالبان ..... ۶۰
- جدول ۱۶: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند؟ ..... ۶۲
- جدول ۱۷: ویژگی بارز یک حزب سیاسی ..... ۶۵
- جدول ۱۸: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت ..... ۶۶
- جدول ۱۹: میزان موافقت یا مخالفت با آموزش زنان ..... ۶۸
- جدول ۲۰: آیا انتخابات حکومت مشروع سر کار می‌آورد؟ ..... ۶۹
- جدول ۲۱: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک گرایش سیاسی ..... ۷۴
- جدول ۲۲: آیا حکومتی که مقام‌های کلیدی آن جنایت‌کاران جنگی باشند، مشروعیت دارد؟ ..... ۷۷
- جدول ۲۳: میزان معلومات شرکت‌کنندگان از مذاکره امریکا و طالبان ..... ۸۱
- جدول ۲۴: منابعی که شرکت‌کنندگان از آن در مورد مذاکره امریکا و طالبان معلومات به دست آورده‌اند ..... ۸۱
- جدول ۲۵: مانع عمده فراراه صلح/ حل سیاسی جنگ از نظر شرکت‌کنندگان ..... ۸۲
- جدول ۲۶: الگوهای حل سیاسی ..... ۸۲
- جدول ۲۷: اگر حل سیاسی جنگ منجر به برگزاری انتخابات عمومی و شرکت طالبان در آن شود، به کی رأی می‌دهید؟ ..... ۸۳

- جدول ۲۸: اگر حل سیاسی جنگ منجر به تشکیل اداره موقت شود، چه کسی باید آن را رهبری کنند؟ ..... ۸۳
- جدول ۲۹: اگر حل سیاسی جنگ منجر به حکومت اشتراکی با طالبان شود، چگونه باید قدرت تقسیم شود؟ ..... ۸۴
- جدول ۳۰: اگر حل سیاسی جنگ منجر به تمرکززدایی از قدرت شود، چگونه باید آن را عملی کرد؟ ..... ۸۴
- جدول ۳۱: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسئول کشتار غیرنظامیان است؟ ..... ۸۵
- جدول ۳۲: با آن‌هایی که غیرنظامیان را کشته‌اند، چه شود؟ ..... ۸۵
- جدول ۳۳: در مورد برگشت طالبان به قدرت چه نظر دارید؟ ..... ۸۵
- جدول ۳۴: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان ..... ۸۶
- جدول ۳۵: میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ ..... ۸۶
- جدول ۳۶: میزان رضایت از تأمین امنیت توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ ..... ۸۶
- جدول ۳۷: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی/ نظام سیاسی مدنظر طالبان برای افغانستان ..... ۸۷
- جدول ۳۸: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ ..... ۸۷
- جدول ۳۹: میزان مخالفت یا موافقت با کنترل دولت بر فعالیت‌های روزانه شهروندان ..... ۸۷
- جدول ۴۰: میزان مخالفت یا موافقت با حضور پولیس مذهبی در فضای عمومی ..... ۸۸
- جدول ۴۱: میزان حمایت یا مخالفت با حساب‌دهی حکومت به شهروندان ..... ۸۸
- جدول ۴۲: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ ..... ۸۸
- جدول ۴۳: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که از طریق نمایندگان منتخب خود آن را اعمال می‌کند. ... ۸۹
- جدول ۴۴: تمام شهروندان بدون درنظرداشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند؟ ..... ۸۹
- جدول ۴۵: ویژگی بارز یک حزب سیاسی ..... ۸۹
- جدول ۴۶: چند حزب سیاسی در نظام سیاسی مطلوب شما باید وجود داشته باشد؟ ..... ۹۰
- جدول ۴۷: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت ..... ۹۰
- جدول ۴۸: میزان حمایت یا مخالفت با حضور زنان در رسانه‌ها ..... ۹۰
- جدول ۴۹: میزان موافقت یا مخالفت با آموزش زنان ..... ۹۱
- جدول ۵۰: میزان موافقت یا مخالفت با کار زنان در دستگاه حکومت ..... ۹۱
- جدول ۵۱: حکومتی که مقام‌های کلیدی آن جنایت‌کاران جنگی باشند، مشروعیت دارد؟ ..... ۹۱
- جدول ۵۲: میزان آگاهی از گفتگوهای طالبان و امریکا به تفکیک جنسیت ..... ۹۲
- جدول ۵۳: میزان آگاهی در مورد گفتگوهای صلح امریکا با طالبان به تفکیک قومیت ..... ۹۲
- جدول ۵۴: میزان آگاهی در مورد گفتگوهای صلح امریکا با طالبان به تفکیک تحصیلات ..... ۹۳
- جدول ۵۵: میزان معلومات گفتگوهای طالبان و امریکا به تفکیک شغل ..... ۹۳
- جدول ۵۶: میزان آگاهی از گفتگوهای طالبان و امریکا به تفکیک گرایش سیاسی ..... ۹۴
- جدول ۵۷: مانع عمده صلح به تفکیک گرایش سیاسی ..... ۹۴
- جدول ۵۸: مانع عمده صلح به تفکیک هویت قومی ..... ۹۵

- جدول ۵۹: مانع عمده‌ی صلح با تفکیک تحصیلات ..... ۹۵
- جدول ۶۰: مانع عمده‌ی صلح با تفکیک گرایش سیاسی ..... ۹۶
- جدول ۶۱: مانع عمده‌ی صلح با تفکیک ولایت ..... ۹۷
- جدول ۶۲: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان به تفکیک ولایات ..... ۹۹
- جدول ۶۳: چه کسی می‌تواند رئیس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک گرایش سیاسی ..... ۱۰۱



## فهرست شکل‌ها

- شکل ۱: سن ..... ۵
- شکل ۲: درجهٔ تحصیل ..... ۷
- شکل ۳: شغل ..... ۸
- شکل ۴: هویت قومی ..... ۹
- شکل ۵: گرایش سیاسی ..... ۱۰
- شکل ۶: تیپ‌شناسی نظام‌های سیاسی و افغانستان ..... ۱۹
- شکل ۷: مکانیسم حل‌وفصل سیاسی با تفکیک هویت قومی ..... ۳۴
- شکل ۸: مکانیسم حل‌وفصل سیاسی با تفکیک گرایش سیاسی ..... ۳۵
- شکل ۹: مکانیسم حل‌وفصل سیاسی با تفکیک ولایات ..... ۳۷
- شکل ۱۰: مکانیسم حل‌وفصل سیاسی با تفکیک ولایات ..... ۳۷
- شکل ۱۱: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان با تفکیک سن ..... ۴۰
- شکل ۱۲: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان با تفکیک قومیت ..... ۴۴
- شکل ۱۳: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی برای افغانستان ..... ۵۱
- شکل ۱۴: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک قومیت ..... ۵۴
- شکل ۱۵: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد، با تفکیک ولایات ..... ۵۷
- شکل ۱۶: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد، با تفکیک ولایات ..... ۵۸
- شکل ۱۷: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند، با تفکیک تحصیلات ..... ۶۳
- شکل ۱۸: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت ..... ۶۷
- شکل ۱۹: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک قومیت ..... ۷۱
- شکل ۲۰: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک سطح تحصیل ..... ۷۲
- شکل ۲۱: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با گرایش سیاسی ..... ۷۳
- شکل ۲۲: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک سن ..... ۱۰۲

- شکل ۲۳: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک جنسیت..... ۱۰۲
- شکل ۲۴: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک قومیت ..... ۱۰۳
- شکل ۲۵: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک تحصیلات..... ۱۰۳
- شکل ۲۶: میکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۰۴
- شکل ۲۷: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک ولایات..... ۱۰۴
- شکل ۲۸: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک ولایات..... ۱۰۵
- شکل ۲۹: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت ..... ۱۰۵
- شکل ۳۰: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت ..... ۱۰۶
- شکل ۳۱: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک سن ..... ۱۰۶
- شکل ۳۲: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت ..... ۱۰۷
- شکل ۳۳: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۰۷
- شکل ۳۴: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک شغل ..... ۱۰۸
- شکل ۳۵: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۰۸
- شکل ۳۶: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۰۹
- شکل ۳۷: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک سن ..... ۱۰۹
- شکل ۳۸: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک جنسیت ..... ۱۱۰
- شکل ۳۹: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک قومیت ..... ۱۱۰
- شکل ۴۰: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۱۱
- شکل ۴۱: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک شغل ..... ۱۱۱
- شکل ۴۲: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۱۲
- شکل ۴۳: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک ولایت..... ۱۱۲
- شکل ۴۴: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک ولایت..... ۱۱۳
- شکل ۴۵: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی با تفکیک جنسیت..... ۱۱۳
- شکل ۴۶: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی با تفکیک قومیت ..... ۱۱۴
- شکل ۴۷: چه کسی می‌تواند رییس جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک جنسیت ..... ۱۱۴

- شکل ۴۸: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک قومیت..... ۱۱۵
- شکل ۴۹: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایت..... ۱۱۵
- شکل ۵۰: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایت:..... ۱۱۶
- شکل ۵۱: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۱۶
- شکل ۵۲: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک جنسیت..... ۱۱۷
- شکل ۵۳: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک قومیت..... ۱۱۷
- شکل ۵۴: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۱۸
- شکل ۵۵: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک شغل..... ۱۱۸
- شکل ۵۶: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۱۹
- شکل ۵۷: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک ولایات..... ۱۲۰
- شکل ۵۸: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک جنسیت..... ۱۲۱
- شکل ۵۹: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۲۱
- شکل ۶۰: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۲۲
- شکل ۶۱: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک جنسیت..... ۱۲۲
- شکل ۶۲: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک سطح تحصیل..... ۱۲۳
- شکل ۶۳: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک قومیت..... ۱۲۳
- شکل ۶۴: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک گرایش سیاسی..... ۱۲۴

## سیاس‌گزاری

پژوهش کنونی در ادامهٔ مجموعهٔ مطالعات صلح‌انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان می‌باشد. کارهای پیشین انستیتوت پیرامون مطالعات صلح عبارت‌اند از: *فرآیند صلح افغانستان: دیدگاه‌های مردم (۱۳۹۷)*، *الگوهای حل منازعه در افغانستان: سناریوی پایان بخشیدن به منازعه از طریق مذاکره (۱۳۹۷)*، *بررسی گفتگوهای صلح افغانستان در چهار دههٔ گذشته (۱۳۹۵)*، *نگرش و برداشت مردم از گفتگوهای صلح دولت با طالبان (۱۳۹۴)* و *حل سیاسی منازعهٔ افغانستان: الگوهای مختلف (۱۳۹۸)*. نوشتن این پژوهش دشوارتر از آن بود که می‌پنداشتم. بنابراین، معاونت و یاری همکاران گرامی در تکمیل این گزارش قابل قدر است. از تمام آن‌هایی که در تکمیل کردن این پژوهش سهم داشتند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنم. می‌خواهم مراتب امتنان خود را از انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان ابراز کنم که فرصت و تسهیلات لازم برای تحقیق این موضوع تازه و نیاز زمان فراهم کرد. هم‌چنین از آقای هادی ایوبی پژوهش‌گر انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان نیز سپاس‌گزارم که در مراحل گردآوری اطلاعات و تحلیل داده‌ها همکاری فراوان کردند. این نظرسنجی بدون کار و تلاش پژوهش‌گران میدانی انستیتوت تکمیل نمی‌شد. آن‌ها به‌رغم تهدیدات امنیتی و چالش‌های دیگر به‌ساحه رفته، پرسش‌نامه‌ها را توزیع کردند و مواد خام این تحقیق را فراهم ساختند؛ از زحمات و پشت‌کار آن‌ها نیز سپاس‌گزاری می‌کنم. هم‌چنان، این پژوهش از نظرات و دیدگاه‌های هر یک:

- پروفیسور محمد نظیف شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا
- مگنوس مرسدن، رییس بخش مطالعات آسیایی دانشگاه ساسکس
- دکتر نعمت‌الله ابراهیمی، پژوهش‌گر دانشگاه دکین
- نافع چودری، پژوهش‌گر مکتب حقوقی هاروارد
- سعید مددی، رییس روابط خارجی وزارت صلح

سود برده است. نسخهٔ نخستین این پژوهش و نیز نسخه‌های اولیهٔ پرسشنامهٔ با پیشنهادات این بزرگواران غنای بیش‌تر یافت. از تک‌تک ایشان سپاس‌گزارم. آرزومندم یافته‌های این تحقیق به تأمین صلح پایدار در افغانستان کمک کند.

یعقوب ابراهیمی

در این تحقیق، نظرات مردم افغانستان در مورد حل سیاسی منازعه و نظم سیاسی پس از منازعه در کشور تحلیل و بررسی شده است. حل سیاسی منازعه با پرسش‌های دربارهٔ انتخابات، حکومت موقت، نظام مشارکتی و نامتمرکزسازی قدرت بررسی شده است. نظم سیاسی نیز با تمرکز بر گونه‌های نظام سیاسی و مکانیزم‌های مشروعیت سیاسی مطالعه شده است. در این نظرسنجی ۱۵۰۰ تن از شهروندان افغانستان از مرکز ۳۴ ولایت اشتراک کرده‌اند.

### یافته‌های کلیدی تحقیق

اکثریت قابل ملاحظهٔ پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی، برگزاری انتخابات سراسری را بهترین سناریوی حل سیاسی جنگ بین طالبان و دولت افغانستان می‌دانند. از نظر آن‌ها شرکت شورشیان در انتخابات، الگوی معقول حل سیاسی جنگ است. بیشتر پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی با الگوهای دیگر حل منازعه مثل: دادن خودمختاری به طالبان در مناطق زیر سلطهٔ شان و به اشتراک‌گذاری قدرت سیاسی میان طالبان و حکومت کنونی مخالفت کردند. بیشتر از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان، برگزاری انتخابات عمومی را مکانیسم قابل قبول برای حل سیاسی جنگ می‌دانند و از آن حمایت می‌کنند. آن‌ها از نامتمرکزسازی قدرت و ایجاد نظام مشارکتی به عنوان الگوهای بدیل حل سیاسی منازعه، استقبال نکردند؛ ولی نظرات آن‌ها در مورد تشکیل ادارهٔ موقت به عنوان الگوی حل سیاسی جنگ یک‌دست نبود.

بیشتر پاسخ‌دهندگانی که شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مؤثر حل سیاسی جنگ می‌دانند، خودشان را هوادار دولت معرفی کردند. به دنبال آن شرکت کننده‌هایی که خودشان چپی، ناسیونالیست، قوم‌گرا، مجاهد و بی‌طرف معرفی کردند طرفدار انتخابات به عنوان میکانیسم مؤثر حل منازعه هستند. اما بیشتر پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرفدار طالبان معرفی می‌کنند، انتخابات را قبول ندارند. صرف ۶,۳ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرفدار طالبان می‌خوانند، انتخابات

عمومی را الگوی مؤثر حل سیاسی جنگ می‌دانند؛ اما ۴۱ درصد این پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان، ایجاد حکومت مشارکتی را یگانه الگوی مؤثر حل سیاسی جنگ خواندند. برخلاف تصور عمومی که بر اساس آن طالبان طرفدار ایجاد اداره موقت برای حل سیاسی جنگ‌اند، صرف ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان در این نظرسنجی، اداره موقت را بهترین سناریوی ممکن می‌دانند. اکثر شرکت‌کنندگان با مشخصات جمعیت‌شناختی گوناگون، با دادن خودمختاری به طالبان مخالفت کرده‌اند. کمتر از ۱۰ درصد از مجموع پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی، تمرکززدایی از قدرت را الگوی مورد قبول برای حل سیاسی جنگ می‌دانند؛ ولی این رقم در میان پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان ۲۰ درصد است.

بیشتر پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی با آن که حکومت را در تأمین امنیت ناکام می‌دانند، اما نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ را نسبت به امارت طالبان ترجیح می‌دهند و از آن حمایت می‌کنند. ۶۸ درصد مجموع پاسخ‌دهندگان نظرسنجی، از نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان حمایت می‌کنند. ۶۷ درصد این شرکت‌کنندگان با امارت اسلامی طالبان مخالف‌اند. همچنین ۷۰ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که با حکومت طالبانی مخالف‌اند و نمی‌خواهند طالبان به قدرت برسند و پولیس مذهبی بر زندگی روزمره آن‌ها نظارت داشته باشد.

اکثریت پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی طرفدار یک دموکراسی انتخاباتی برای افغانستان هستند. ۸۰ درصد مجموع پاسخ‌دهندگان نظرسنجی به این باورند که باید رییس دولت در یک انتخابات سراسری و مستقیم و توسط شهروندان برگزیده شود و در مقابل تمام شهروندان پاسخ‌گو باشد. اما پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان و شرکت‌کنندگانی که در مدرسه‌های دینی تحصیل کرده‌اند، به این باورند که دموکراسی انتخاباتی که در آن رییس دولت با رأی مستقیم شهروندان برگزیده می‌شود، برای افغانستان مناسب نیستند.

اکثریت پاسخ‌دهندگان به این باورند که دولت باید تنوع اجتماعی - فرهنگی را به رسمیت بشناسد و از حقوق و آزادی‌های سیاسی و فردی شهروندان حراست کند. بیشتر از ۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی، به این باورند که حکومت باید تنوع اجتماعی - فرهنگی و برابری حقوقی شهروندان افغانستان را صرف‌نظر از تعلقات قومی، زبانی، سیاسی و جنسیتی آن‌ها به رسمیت بشناسد و احترام کند. ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که حکومت نباید فعالیت‌های رسانه‌های آزاد و غیردولتی را محدود کند. ۸۰ درصد از مجموع پاسخ‌دهندگان هم گفتند که آن‌ها طرفدار تعلیم و تحصیل زنان و

حضور آن‌ها در رسانه‌ها و فضای عمومی هستند.

بیشتر شرکت‌کنندگان این نظرسنجی می‌گویند تنها حکومتی که از طریق انتخابات آزاد و عادلانه روی کار آید از نظر آن‌ها مشروع است. ۷۵ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که مشروعیت حکومت بستگی به انتخابات دارد. این شرکت‌کنندگان می‌گویند که از نظر آنها مکانیزم‌های سنتی مشروعیت مانند لویه جرگه و اتکا به متوذهای قومی و مذهبی نمیتوانند دولت مشروع بوجود آورند.

از نظر بیشتر شرکت‌کنندگان این نظرسنجی، بدون برقراری عدالت و کشاندن مجرمان جنگی به دادگاه، نمی‌توان صلح پایدار و حکومت مشروع به میان آورد. بیش از ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که حکومتی که بلندپایگان آن جنایت‌کار جنگی و دخیل در کشتار غیرنظامیان باشد، مشروعیت ندارد. ۷۰ درصد مجموع شرکت‌کنندگان نظرسنجی، طرفدار محاکمه جنایت‌کاران جنگی هستند.

یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که نگاه مردم افغانستان به قدرت و سیاست اکثراً متأثر از متغیرهای ولایتی است. برداشت عمومی در گذشته این بود که ساکنان هر زون جغرافیایی افغانستان در مورد موضوعات مرتبط با قدرت و سیاست دیدگاه واحدی دارند، اما این نظرسنجی نشان می‌دهد که این برداشت اشتباه است.

## مقدمه

مذاکرات ایالات متحده با طالبان که از سپتامبر سال ۲۰۱۸ آغاز شده، موضوع حل سیاسی جنگ را به گفتمان اصلی سیاست افغانستان ارتقا داده است. این گفتمان دو بخش مهم دارد: سناریوهای احتمالی حل سیاسی جنگ و الگوهای نظام سیاسی پس از منازعه. مواضع متضاد طالبان و دولت افغانستان این بحث را بسیار پیچیده ساخته و بر آن اثر گذاشته است. دولت افغانستان و نخبگان طرفدار حکومت به این باورند که شرکت شورشیان در انتخابات عمومی معقول‌ترین مکانیزم حل سیاسی جنگ و یک دموکراسی انتخاباتی، الگوی مطلوب نظم سیاسی پس از مصالحه با طالبان است. سناریوی شرکت شورشیان در انتخابات مستلزم موافقت گروه طالبان با نظم سیاسی دموکراتیک است که بر اساس آن مشارکت سیاسی و انتخابات عمومی منبع مشروعیت‌بخش حکومت پنداشته میشود. بر مبنای این دیدگاه، طالبان باید از طریق انتخابات عمومی در جمهوری اسلامی افغانستان ادغام شوند و خودشان را با نظم سیاسی مبتنی بر قانون اساسی و ارزش‌های دموکراسی انتخاباتی عیار سازند. اما حل سیاسی منازعه و نظم سیاسی پسامنازعه از دید طالبان متفاوت است. طالبان به مکانیزم حل سیاسی جنگ از طریق شرکت در انتخابات عمومی و نظم سیاسی مبتنی بر دموکراسی انتخاباتی در افغانستان پسامنازعه علاقه نشان نمی‌دهند. موضع طالبان در مورد شرکت در انتخابات عمومی و قبول دموکراسی انتخاباتی همیشه در نوسان بوده است و در شرایط مختلف تغییر کرده است. با آنکه موضع طالبان در این مورد به درستی روشن نیست؛ این گروه در تبلیغات خویش از دولت افغانستان مشروعیت‌زدایی می‌کند و حکومت را در مبارزه با فساد و حل مشکلات افغانستان ناکام می‌خواند. طالبان همیشه تأکید می‌کنند که برای حل مشکلات افغانستان، راه‌حل دینی دارند و در تبلیغات خود، «امارت اسلامی» را حلال مشکلات معرفی می‌کنند. تلاش طالبان برای مذاکرات مسقیم با ایالات متحده و سایر گروه‌های سیاسی افغان که دولت افغانستان را به بازیگر حاشیه‌ای تقلیل داده است، ریشه در چنین روشی دارد.

رویکرد طالبان به موضوعاتی مثل جنگ و صلح که در تناقض با دیدگاه دولت افغانستان در این موارد است، به چالش اصلی سر راه حل سیاسی منازعه و نظم سیاسی پس از جنگ تبدیل شده است. ایالات متحده امریکا که از حل این معما عاجز آمده، آن را صرفاً یک موضوع محلی می‌خواند.



روی هم‌رفته، تمام مباحث روی حل سیاسی منازعه و نظم سیاسی پس از جنگ به بیانات رسمی و مباحث نخبگان از طریق رسانه‌ها و سایر مجراهای اطلاع‌رسانی همگانی محدود مانده است. چیزیکه سبب شده صدای مردم درباره این مسایل حیاتی ناشنیده و از گفتمان حاکم غایب بماند. این پژوهش قصد دارد با اتکا به داده‌های یک سروی سراسری در افغانستان صدا و دیدگاه مردم را از حاشیه به متن مباحث سیاسی پیرامون حل منازعه و نظم سیاسی پسا منازعه بکشد.

## پرسش‌های اصلی تحقیق

در این تحقیق نظرات ۱۵۰۰ تن از شهروندان افغانستان از ۳۴ ولایت این کشور در مورد حل سیاسی جنگ، نظام سیاسی و مشروعیت سیاسی تحلیل و بررسی شده است. حل سیاسی جنگ با تمرکز به برگزاری انتخابات عمومی، تشکیل حکومت موقت، راه اندازی نظام مشارکتی، و تمرکززدایی از قدرت مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص بررسی نظام سیاسی در این تحقیق نظام اقتدارگرا و نظام دموکراتیک است.<sup>۱</sup> همچنان مکانیسم های مشروعیت سیاسی با اتکا به شاخص های وبری به شمول مشروعیت عقلانی - قانونی و مشروعیت سنتی ارزیابی شده است.<sup>۲</sup>

مرتبط با سه موضوع فوق، این پژوهش در پاسخ به سه پرسش ذیل انجام شده است:

- (۱) الگوی مدنظر مردم برای حل سیاسی جنگ چیست؟
- (۲) مردم چه نوع نظام سیاسی را پس از حل منازعه ترجیح میدهند؟
- (۳) مردم چه نوع حکومتی را در افغانستان مشروع می‌دانند؟ معیار مشروعیت از دید مردم چیست؟

از آن جایی که الگوی حل سیاسی جنگ، نظم سیاسی پسامنازه و معیارهای مشروعیت سیاسی با همدیگر مرتبط هستند، در این تحقیق در کنار هم مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تلاش‌های ناکام دو دهه اخیر که هدف اصلی آن صرفاً پایان بخشیدن به منازعه بود، نشان می‌دهد طرف‌های جنگ در مورد الگوی حل سیاسی جنگ، نظم سیاسی پسامنازه و معیارهای مشروعیت سیاسی بطور همزمان با هم اختلاف نظر دارند و همین اختلاف سبب دوام منازعه شده است. پایان جنگ افغانستان از راه مسالمت‌آمیز وابسته به آن است که تمام طرف‌ها در مورد حل سیاسی جنگ، نظم سیاسی پسامنازه و معیارهای مشروعیت سیاسی به وحدت نظر برسند.

---

1. For regime types see Cheibub et.al. Democracy and dictatorship Revisited; Dahl, Polyarchy; Dahl, On Democracy; Geddes, Wright. & Frantz, "Authoritarian Regimes Code Book;" Luhmann, et al., "Regimes of the World (RoW);" Wahman et al., "Authoritarian Regime Types Revisited."

2. Weber, the Vocation Lectures, p. 34; Weber, the Three Types of Legitimate Rule, pp. 1-11.

## روش تحقیق

برای انجام نظرسنجی با ۱۵۰۰ شهروند در ۳۴ ولایت افغانستان گفتگوی رودررو صورت گرفته و نظرات آن‌ها در مورد الگوهای حل سیاسی جنگ، نظام سیاسی پس از منازعه و معیارهای مشروعیت سیاسی پرسیده شده است. پاسخ‌دهندگان این سروی شهروندانی اند که در مراکز ولایات زندگی می‌کنند. بنابراین، این نظرسنجی نظرات مردمی که در دهکده‌های دوردست و ساحات زیر سطله طالبان زندگی می‌کنند را بازتاب نمی‌دهد. در این تحقیق، نمونه‌گیری با هدف تعمیم‌بخشی یافته‌ها، بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی انجام شده است. با اتکا به آمار تخمینی اداره احصائیه و معلومات افغانستان در سال ۱۳۹۸، از میان ۱۸,۶ میلیون جمعیت کشور که بالای ۱۸ سال سن دارند، ۱۵۰۰ تن بر اساس اصل نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شد. این نمونه‌گیری بر بنای محدوده اطمینان ۹۹ درصدی با در نظر داشت مرز خطای ۳,۵ درصدی انجام شده است. ۴ شمار پرسش‌شوندگان هر ولایت بر اساس جمعیت تخمینی آن ولایت مشخص شده است.

بر اساس اطلاعات اداره احصائیه و معلومات، ولایات را بر اساس تخمین جمعیت‌شان به چهار دسته تقسیم کردیم: ولایاتی که زیر ۱ میلیون جمعیت دارند؛ ولایاتی که ۱ تا ۲ میلیون جمعیت دارند؛ ولایاتی که ۲ تا ۳ جمعیت دارند؛ و ولایاتی که ۵ میلیون یا بالاتر از آن جمعیت دارند. در این نظرسنجی طبق معیارهای علمی از هر یک میلیون نفر شهروند افغانستان با سی شهروند گفتگوی رودررو صورت گرفته است (جدول ۱).

جدول ۱: جامعه آماری

ولایات بر اساس جمعیت	شمار ولایات	شمار شرکت‌کنندگان	مجموع
کمتر از ۱ میلیون	۲۲	هر ولایت ۳۰	۶۶۰
بین ۱ تا ۲ میلیون	۱۰	هر ولایت ۶۰	۶۰۰
بین ۲ تا ۳ میلیون	۱ (هرات)	۹۰	۹۰
۵ میلیون یا بالاتر	۱ (کابل)	۱۵۰	۱۵۰
مجموع شرکت‌کنندگان			۱۵۰۰

3. Afghanistan Population Estimates for the Year 2019-2020, pp. 2-3.

<sup>4</sup> Boyd, "By the Numbers"; World Population Prospects 2017, pp. 92, 240, 281.

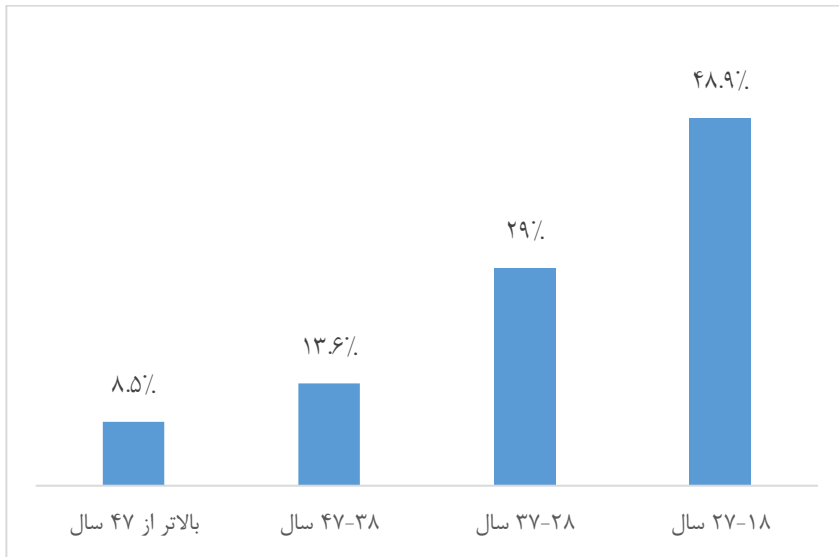
## مشخصات جمعیت شناختی

جمعیت آماری این پژوهش بر اساس مشخصات سن، جنس، محل زندگی، میزان تحصیلات، شغل، هویت قومی و گرایش سیاسی دسته بندی شده است.

### سن و جنس:

۷۸ درصد از مصاحبه شونده‌گان نظرسنجی بین ۱۸ تا ۳۷ سال سن دارند. حدود ۱۳,۵ درصد آن‌ها بین ۳۸ تا ۴۷ سال سن دارند. صرف ۸,۵ درصد شرکت کننده بالای ۴۷ سال سن دارند. ۵۵,۰۷ درصد شرکت کنندگان مرد و ۴۴,۳۹ درصد آن‌ها زن هستند. (شکل ۱، ضمیمه ب).

شکل ۱: سن



## محل زندگی:

در این نظرسنجی هر ۳۴ ولایت افغانستان تحت پوشش بوده که مشخصات آن در جدول ۲ درج است:

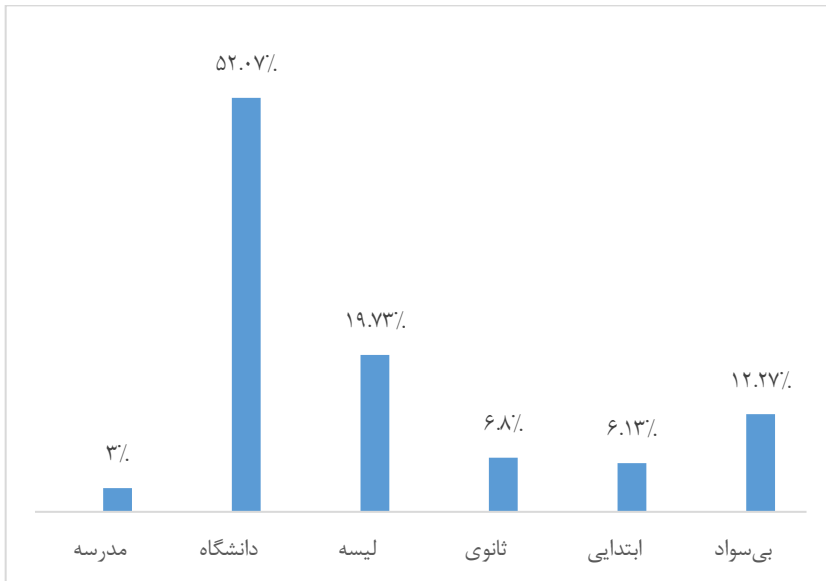
جدول ۲: جامعه آماری با تفکیک ولایات

ولایت	درصد پاسخ‌دهندگان	ولایت	درصد پاسخ‌دهندگان
کابل	۱۰	خوست	۲
هرات	۶	کندهار	۲
بلخ	۴	کنر	۲
کندهار	۴	لغمان	۲
ننګرهار	۴	لوګر	۲
بدخشان	۴	میدان وردک	۲
فاریاب	۴	نیمروز	۲
غزنی	۴	نورستان	۲
هلمند	۴	پکتیا	۲
بادغیس	۲	پکتیکا	۲
بغلان	۴	پنجشیر	۲
بامیان	۲	پروان	۲
دایکندی	۲	سمنگان	۲
فراه	۲	سرپل	۲
غور	۲	تخار	۴
جوزجان	۲	ارزگان	۲
کاپیسا	۲	زابل	۲
مجموع		۱۰۰ فیصد	

## تحصیلات:

بیشتر شرکت کنندگان این نظرسنجی تحصیل کرده‌اند. بیش از ۷۰ درصد شرکت کنندگان، تحصیلات دانشگاهی و یا تا سطح لیسه دارند. بیشتر از ۱۳ درصد دیگر شرکت کنندگان این نظرسنجی فارغ دوره‌های ابتداییه و ثانوی مکاتب هستند. ۱۲,۷ درصد شرکت کنندگان هیچ نوع تعلیم رسمی ندیده‌اند و کمتر از ۳ درصد شرکت کنندگان هم در مدرسه‌های دینی درس خوانده‌اند. بر مبنای آماری که در دست ماست، تنها ۴۳ درصد از جمعیت افغانستان باسوادند. بنا، این نمونه‌گیری عمدتاً دربرگیرنده جمعیت باسوادیست که اکثراً در شهرها زندگی می‌کنند.<sup>۵</sup>

شکل ۲: درجه تحصیلی

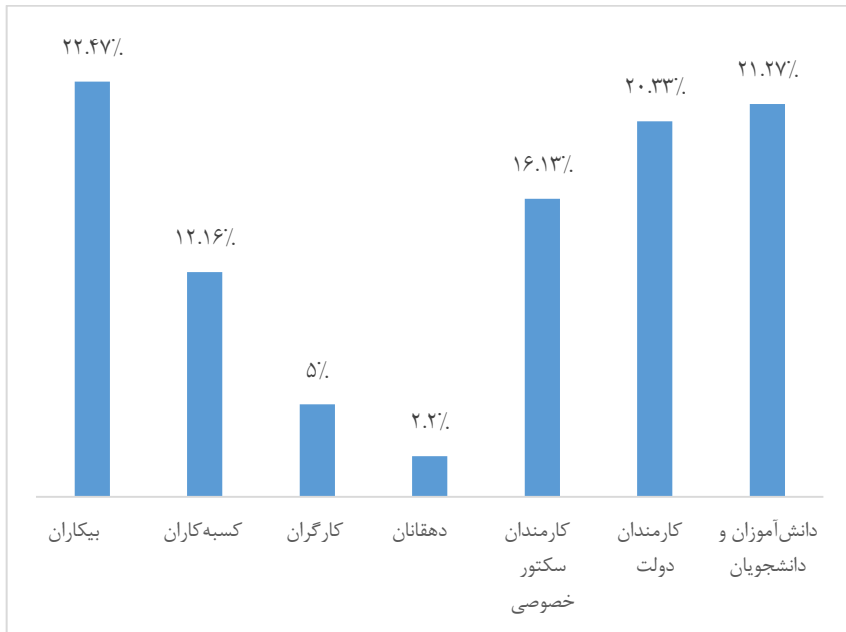


5. For Afghanistan's literacy rate see, The World Bank, "Literacy Rate – Afghanistan" 2018.

### شغل:

بیشتر شرکت کنندگان این نظرسنجی یا مأمور حکومت‌اند و یا در بخش خصوصی کار می‌کنند. بخش دیگر شرکت کنندگان این نظرسنجی شاگردان مکتب هستند. ۲۲,۴۷ درصد شرکت کنندگان هم بی‌کارند (شکل ۳).

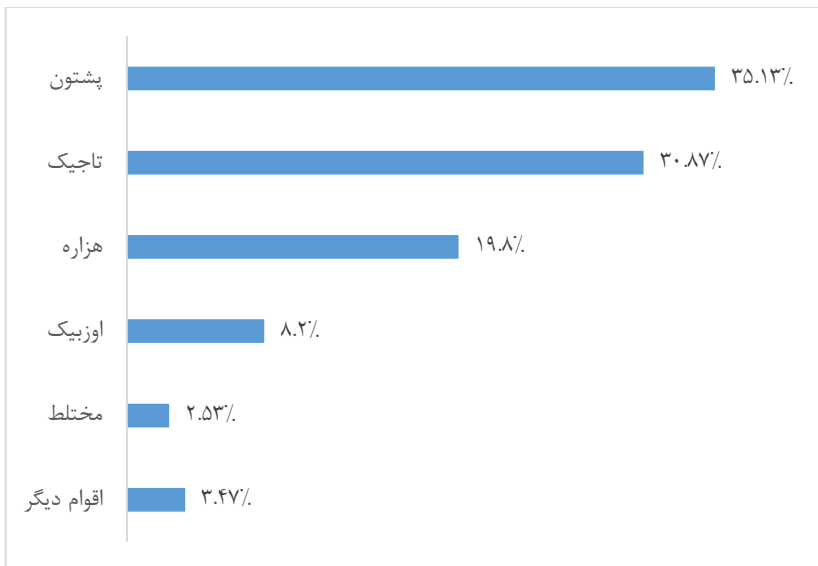
شکل ۳: شغل



### هویت قومی:

شرکت‌کنندگان این نظرسنجی به شش گروه قومی تعلق دارند که در کل ۳۵ درصد آن‌ها را پشتون، ۳۱ درصد تاجیک، ۲۰ درصد هزاره، ۸ درصد اوزبیک و ۲٫۵ درصد را شهروندانی تشکیل می‌دهند که هویت قومی ترکیبی دارند یا چندفرهنگی هستند. ۳٫۵ درصد دیگر از شرکت‌کنندگان این نظرسنجی خودشان را متعلق به اقوام دیگر می‌دانند. نمونه‌گیری این تحقیق به شکل تصادفی و در تناسب به جمعیت هر ولایت صورت گرفته است. بنابراین، در فقدان سرشماری معتبر درباره بافت قومی افغانستان، ترکیب قومی شرکت‌کنندگان این تحقیق لزوماً بازتاب‌دهنده ترکیب قومی کل جمعیت افغانستان نیست (شکل ۴).

شکل ۴: هویت قومی

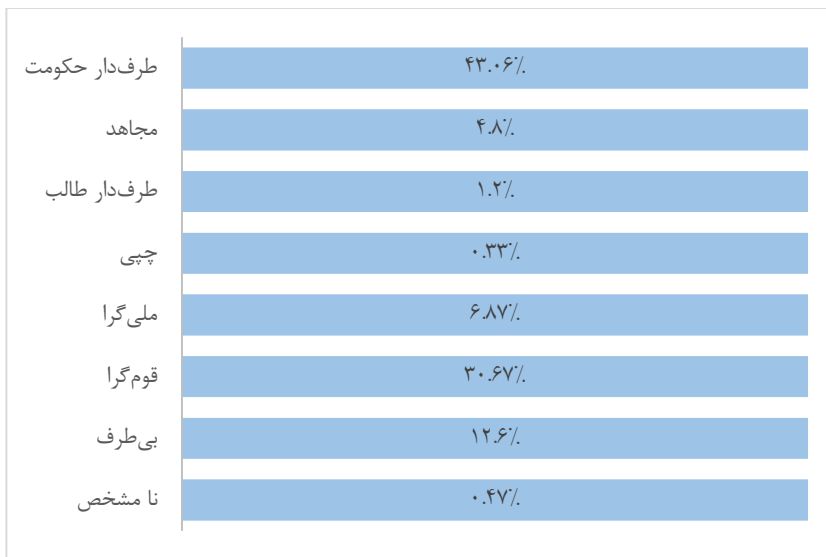




## گرایش سیاسی:

شرکت‌کنندگان این نظرسنجی در قالب هشت گرایش سیاسی دسته‌بندی شده‌اند. بیشتر شرکت‌کنندگان خود را طرفدار حکومت معرفی کرده‌اند. پس از آن شمار کسانی بالاست که خودشان را قوم‌گرا خوانده‌اند. بی‌طرف‌ها، ناسیونالیست‌ها/ ملی‌گراها و مجاهدین، ۲۴ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی را تشکیل می‌دهند. ۱،۲ درصد شرکت‌کنندگان هم خود را طرفدار طالبان و ۰،۳۳ درصد دیگر دارای گرایش چپی معرفی کرده‌اند. شرکت‌کنندگان خودشان گرایش سیاسی را در پرسش‌نامه‌ها درج کرده‌اند که در بخش چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق، در مورد گرایش سیاسی شرکت‌کنندگان نیز توضیح داده شده است (شکل ۵).

شکل ۵: گرایش سیاسی



## چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق

یکی از چالش‌ها و محدودیت‌های قابل توجه این تحقیق این است که اکثر شرکت‌کنندگان در مراکز ولایات زندگی می‌کنند. نظرات این شرکت‌کنندگان لزوماً بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های مردمان روستایی، اهالی ساکن در مناطق جنگی و ساحات زیر سلطه طالبان نیست. چالش دیگر این است که بیشتر پاسخ‌دهندگان تحصیل کرده‌اند. از آن جایی که نظرسنجی در شهرهای بزرگ و مراکز ولایات انجام شده است، ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیلات دانشگاهی دارند. در کل ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی آموزش دیده‌اند و باسواد هستند. بانک جهانی در گزارش سال ۲۰۱۸، نرخ سواد در افغانستان را ۴۳ درصد اعلام کرده است. بنابراین، یافته‌های این تحقیق بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های جمعیت بی‌سواد و دارای تحصیلات مدرسه‌ای که اثر در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، نیست.

مشکل دیگر این بود که در برخی از ولایات مثل پکتیا، پکتیکا، خوست، ارزگان و نورستان، شمار شرکت‌کنندگان زن بسیار کم بود. در زابل هیچ زنی حاضر به مصاحبه نشد. برای جلوگیری از مشکل بیشتر در این زمینه، کوشیدیم در ولایاتی که زنان با علاقمندی در سروی اشتراک میکردند شمار آنها لاقلاً مساوی به مردان باشد.

در تشخیص گرایش سیاسی شرکت‌کنندگان هم با چالش‌های مهمی مواجه شدیم. چالش مهم در این زمینه تعداد کم شرکت‌کنندگانی است که خودشان را طرفدار طالبان معرفی کرده‌اند. این نظرسنجی به گونه‌ای طراحی شده بود که شرکت‌کنندگان بطور داوطلبانه گرایش سیاسی خود را ابراز کنند. کمیت لقیل شرکت‌کنندگانی که خود را طرفدار طالبان معرفی کردند، می‌تواند دو علت داشته باشد: اول این که به دلیل تمرکز نظرسنجی شهرها بود، شمار کم شرکت‌کننده گان پیرو طالبان شاید نشان دهنده آن باشد که این گروه تقریباً هیچ هواخواهی در شهرهای بزرگ ندارد. دیگر این که شاید طرفداران طالبان به دلایل امنیتی نخواستند گرایش واقعی سیاسی‌شان را ابراز کنند. شاید هم میزان کم شرکت‌کنندگان طرفدار طالبان در این تحقیق معلول هر دو علت باشد. صرف ۱،۲ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی که در مجموع ۱۸ نفر می‌شود، خود را طرفدار طالبان معرفی کرده‌اند. روی هم‌رفته، بخش‌های این رساله تحقیقی قرار ذیل ترتیب شده است. نخست، سه مفهوم کلیدی این پژوهش به شمول حل سیاسی منازعه، نظام سیاسی و معیارهای مشروعیت سیاسی با توجه به شرایط افغانستان بررسی شده است. به تعقیب آن یافته‌های نظرسنجی در سه فصل جداگانه توضیح و تشریح شده است. در فصل اول؛ نظریات اشتراک‌کننده گان درباره الگوهای حل سیاسی جنگ که

مشمول انتخابات، تشکیل ادارهٔ موقت، نظام مشارکتی، و تمرکززدایی از قدرت است گزارش و بررسی شده است. در فصل دوم؛ نظام‌های سیاسی استبدادی و دموکراتیک به عنوان الگوهای نظم سیاسی پسمانزعه به تفصیل تشریح شده و سپس دیدگاه‌های شرکت‌کنندگان در مورد آن نقل و بررسی شده است. فصل سوم به دیدگاه‌های مردم دربارهٔ معیارهای مشروعیت سیاسی اختصاص دارد. در این فصل نظرات مردم در مورد انواع مشروعیت سیاسی در افغانستان گزارش و بحث شده است. در بخش جمع بندی یافته‌های تحقیق و اهمیت آن بررسی شده است.

## مفاهیم کلیدی

### (۱) حل سیاسی

به مجموعه‌ای از عملکردها، روندها و توافقاتی که به اختلاف نظرها، تضاد منافع و منازعه قدرت پایان می‌دهد و آن را به صورت مسالمت‌آمیز حل می‌کند، گفته می‌شود.<sup>۶</sup> حل سیاسی منازعه هم به معنای پایان مسالمت‌آمیز درگیری از طریق توزیع و توازن قدرت میان طرف‌های درگیر می‌باشد.<sup>۷</sup> روش‌ها و الگوهای زیادی برای پایان مسالمت‌آمیز درگیری از طریق تغییر روابط قدرت و توزیع و توازن آن وجود دارد. در این رساله چهار الگوی حل سیاسی را که برای پایان مسالمت‌آمیز جنگ میان دولت افغانستان و طالبان مطرح است، معرفی کرده و مورد بحث قرار می‌دهیم. همچنین این رساله نظرات مردم در مورد این چهار الگو را به تفصیل شرح داده است. این چهار الگو عبارت‌اند از: برگزاری انتخابات سراسری و شرکت شورشیان در انتخابات؛ به نظام مشارکتی / تقسیم وزارت‌خانه و دیگر منابع قدرت؛ تمرکززدایی از قدرت / تقسیم قدرت میان مرکز و اداره‌های محلی؛ و تشکیل اداره موقت.<sup>۸</sup>

شرکت شورشیان در انتخابات سراسری، سری و رقابتی الگوی پرتطرف‌دار حل منازعه است. شرکت شورشیان در یک انتخابات رقابتی، سراسری و سری مستلزم آن است تا نیروی شورشی، مشارکت سیاسی را اساس توزیع و توازن قدرت قبول کند. هنگامیکه انتخابات سراسری به عنوان مکانیسم حل منازعه قبول شود، همه طرف‌ها مکلف‌اند که رأی شهروندان را اساس انتقال قدرت و توزیع آن بدانند. در سیاست افغانستان معنای این حرف این است که طالبان حداقل در تیوری، انتخابات را به عنوان قاعده بازی بپذیرند و به نتیجه آن احترام بگذارند؛ ولی واقعیت مسلم این است که تقلب‌های سازمان یافته در چندین انتخابات از جمله در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۹، به مشروعیت انتخابات در افغانستان صدمه وارد کرده است. متأسفانه در دو دهه اخیر تقلب در هر انتخابات تکرار شده و تا حال جلو آن گرفته نشده است. کاهش مشروعیت انتخابات به دلیل تقلب در افغانستان طالبان را در مخالفت با انتخابات جدی‌تر کرده است و به آن‌ها بهانه داده تا بر روش‌های دیگر کسب قدرت تأکید کنند.

برخی از طرف‌ها به نظام مشارکتی و شمار دیگر تمرکززدایی از قدرت به گروه‌های شورشی در

6. Kelsall, "Thinking and Working with Political Settlement," Laws, Political Settlements, p. 1

7. Di John & Putzel, Political Settlements, p. 4.

8. Sadr, Political Settlement of the Afghanistan Conflict, pp. 43-90

ولایات را هم به عنوان الگوهای حل سیاسی جنگ افغانستان پیشنهاد کرده‌اند. بر مبنای الگوی نخست، فرض بر این است طالبان در حکومت مرکزی افغانستان شریک شوند و برخی از وزارت‌خانه‌ها و نهادها را به دست می‌آورند. اما بر مبنای الگوی تمرکززدایی از قدرت، طالبان حداقل به طور موقت در مناطق زیر سلطه‌شان اختیار سیاسی به دست می‌آورند و قدرت بین حکومت مرکزی و ادارات خودمختار آن‌ها تقسیم می‌شود. در کنار این‌ها، الگوی تشکیل اداره موقت به عنوان مکانیسم حل سیاسی جنگ نیز مطرح است. اداره موقت می‌تواند توسط شخصیت‌های داخلی یا بین‌المللی رهبری شود. اداره موقت تا زمانی که یک حکومت انتقالی یا حکومت مبتنی بر قانون، بر اساس مکانیزم مورد قبول همه طرف‌ها روی کار آید، کشور را اداره می‌کند. مکانیسم عبور از اداره موقت به حکومت انتقالی یا شکل دیگر حکومت، عمدتاً انتخابات سراسری است.<sup>۹</sup> برگزیدن هر یک از چهار الگوی حل سیاسی مسلتزم توافق طرف‌های عمده منازعه روی مکانیزم تطبیق و نتایج احتمالی آن است.

گزینش هر یک از این الگوها به توافق و اجماع طرف‌های مهم منازعه بستگی دارد. هر الگویی که برای حل سیاسی برگزیده می‌شود، باید روی آن اجماع کامل وجود داشته باشد و پیامدهای احتمالی آن سنجیده شود. به نظر می‌رسد که در حال حاضر روی هیچ یک از این الگوها در افغانستان توافق نظر وجود ندارد. طرف‌های منازعه در افغانستان در مورد حل سیاسی جنگ و مکانیسم رسیدن به آن، دیدگاه‌های متضاد دارند.

از فبروری سال ۲۰۱۸ به این طرف، پیشنهاد ثابت و همیشگی حکومت وحدت ملی افغانستان این بوده است که حل سیاسی جنگ باید مبتنی بر قانون اساسی افغانستان باشد. در کنفرانس دوم روند کابل در سال ۲۰۱۸ محمد اشرف غنی رییس‌جمهور این پیشنهاد را مطرح کرد. ۱۰ بر مبنای این پیش نهاد طالبان باید به عنوان یک حزب سیاسی در انتخابات سراسری و دموکراتیک شرکت میکردند و به این ترتیب حل سیاسی جنگ تحقق می‌افتد. دولت افغانستان همواره از طالبان دعوت کرده است که به نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ بپیوندند و به جای میدان جنگ، در میدان انتخابات با نیروهای سیاسی دیگر رقابت کنند. این پیش‌نهاد همواره از سوی طالبان رد شده است. طالبان همیشه تلاش کرده‌اند که با استفاده از روش‌های نظامی و سیاسی، انتخابات را تخریب کنند. در مذاکرات طالبان با

---

9. Carcano, End of the Occupation in 2004; Khalilzad, Prospects for the Afghan Interim Government; Sadr, Political Settlement of the Afghanistan Conflict, pp. 43-90; Shain & Linz, The Role of Interim Government.

10. For example, The Afghan Government's Peace Offer during the Second Kabul Process Conference (February 2018); The Roadmap for Achieving Peace (November 2018); The Peace Jirga Declaration, (May 2019); Ghani's 7-Point Peace Plan (October 2019).

امریکایی‌ها و افغان‌ها، در مسکو، دوحه و اسلام‌آباد، نمایندگان طالبان نه برای شرکت در انتخابات اعلام آمادگی کرده‌اند و نه در مورد انتخابات بحث کرده‌اند. شرکت در انتخابات و بحث در مورد آن در آجندای طالبان نیست.

طالبان همواره به مراکز رأی‌گیری حمله و رأی‌دهندگان را شکنجه کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> به دلیل خراب‌کاری‌ها و تهدیدات طالبان و بی‌اعتمادی مردم به روند انتخابات به خاطر تقلب‌های گذشته، میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری سپتامبر سال ۲۰۱۹ افغانستان به ۲۰ درصد رسید. انتخابات سال ۲۰۱۹ از نظر کاهش میزان مشارکت در دو دههٔ اخیر بی‌سابقه است.<sup>۱۲</sup> تهدید رأی‌دهندگان از سوی طالبان، نشان‌دهندهٔ آن است که این گروه انتخابات را به عنوان مکانیزم حل سیاسی جنگ نمی‌پذیرند. چند انتخابات جنجالی و آلوده به تقلب که نه نامزدها از آن راضی‌اند نه مردم، طالبان را در موضعی قرار داده است که با اصرار بیشتر بر نفی انتخابات تأکید کنند.

به‌رغم اختلاف نظر جدی دولت افغانستان و طالبان در مورد انتخابات، هیچ یک از طرفین، سه الگوی دیگر حل سیاسی جنگ را به عنوان طرح جایگزین، به صورت علنی مطرح نکرده است. صرف در سال ۲۰۱۳ برای اولین بار طالبان تشکیل ادارهٔ موقت را پیشنهاد کردند. برخی از طرف‌های دیگر هم این پیشنهاد را مطرح کردند، اما حکومت افغانستان به آن پاسخ رد داد.<sup>۱۳</sup> حتی پس از آغاز مذاکرات امریکا و گروه طالبان، این گروه هیچ یک از چهار الگویی را که در بالا شرح داده شد، به عنوان مکانیسم حل سیاسی جنگ مطرح نکرده است. طالبان در مذاکرات‌شان با امریکا اصلاً مسئله حل سیاسی جنگ را مورد بحث قرار نداده‌اند. این گروه می‌گوید که الگوی حل سیاسی جنگ باید در مذاکرات میان افغانی مورد بحث قرار گیرد. با وجود این، حتی اگر نمایندگان سیاسی طالبان در قطر روی یکی از این الگوها در آینده توافق کنند، روشن نیست که شاخهٔ نظامی و مذهبی این گروه‌ها آن را می‌پذیرد یا نه. تاکنون هیچ نشانه‌ای به چشم نمی‌خورد که بر اساس آن بتوانیم قضاوت کنیم که شورای رهبری طالبان که در کوئتهٔ پاکستان مستقر است، فکر تسخیر قدرت از راه زور را کنار گذاشته باشد.

---

11. Safi, Afghanistan Election; Glinski, Risking Life and Limb to Vote; Sediqi, the Taliban Cut off his Fingers for Voting.

12. Safi. Ibid.

13. Sadr, Political Settlement of the Afghanistan Conflict, 64.

طالبان همیشه ادعا کرده‌اند که از انسجام سازمانی برخوردارند، رهبر واحد دارند و از پالیسی‌های وضع‌شده توسط او پیروی می‌کنند. ولی واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌های شاخه‌های سیاسی و نظامی این گروه متفاوت و در مواردی متضاد است.<sup>۱۴</sup> به عنوان مثال در وضعیتی که شاخه سیاسی طالبان به رهبری ملابرادر مصروف مذاکره با امریکایی‌هاست، شاخه نظامی این گروه به رهبری ملاهبت‌الله آخوندزاده، حتی برای حسن‌نیت هم که شده، اقدام به کاهش خشونت و توقف عملیات‌های نظامی نکرده است. توقف مذاکرات قطر از سوی رییس‌جمهور ترامپ در سپتامبر سال ۲۰۱۹ به این دلیل صورت گرفت که شاخه نظامی طالبان اقدام به کاهش خشونت‌ها نکرد و بنابراین امریکایی‌ها نتوانستند به تعهد شاخه سیاسی طالبان مبنی بر کاهش خشونت‌ها باور کنند. از طرف دیگر به‌رغم تأکید شاخه سیاسی طالبان برای یافتن یک راه‌حل مسالمت‌آمیز، شورای رهبری این گروه همواره به راه‌حل نظامی و کاربرد زور تأکید کرده است. به طور مثال، آخرین اعلامیه رسمی رهبر گروه طالبان که در ماه جون سال ۲۰۱۹ منتشر شد، نشان‌دهنده ستایش او از دستاوردهای جهادی این گروه و تأکید بر غلبه از طریق جنگ است. در آن اعلامیه آمده بود که دستاوردهای جنگی طالبان، به این گروه در میدان جنگ و سیاست دست بالا داده است.<sup>۱۵</sup>

اختلاف نظر بین دولت و طالبان نشان می‌دهد، در وضعیتی که حکومت به برگزاری انتخابات سراسری به عنوان راه حل سیاسی منازعه تأکید دارد، شاخه رهبری و نظامی طالبان به اتکا به قوه قهریه متمایل است و موقف شاخه سیاسی این گروه در مورد مکانیسم حل سیاسی مشخص نیست. حل سیاسی جنگ افغانستان به موضوع بحث و مناظره میان احزاب و فعالان سیاسی نیز بدل شده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک در یکی از تحقیقاتش نظرات نخبگان افغانستان را در مورد حل سیاسی جنگ پرسیده بود که بیشتر آن‌ها به برگزاری انتخابات به عنوان راه حل سیاسی تأکید کرده بودند.<sup>۱۶</sup> اما نظرات مردم عام در مورد حل سیاسی جنگ و سناریوی مدنظر آن‌ها تا حال مورد بحث قرار نگرفته است. در این رساله نظرات مردم در مورد چهار الگوی حل سیاسی جنگ تحلیل و ارزیابی شده است. پایداری یک توافق صلح و رسیدن به حل سیاسی در کنار عوامل دیگر به حمایت عمومی نیز نیاز دارد. این امر اهمیت نظرات مردم را در رسیدن به حل سیاسی برجسته می‌سازد. تحقیق حاضر به منظور یافتن نظرات مردم و بررسی آن صورت گرفته است.

---

14. Akhundzada, Message of Felicitation.

15. Akhundzada, Message of Felicitation.

16. Sadr, Political Settlement of the Afghanistan Conflict, pp. 48-49.

## ۲) نظام سیاسی

نظام سیاسی به مجموعه‌ای از قواعد نوشته و نانوشته‌ای اطلاق می‌شود که تعیین می‌کند چه کسانی و با چه روشی یک کشور را اداره می‌کنند؛ حکومت‌کنندگان با چه مکانیزم به قدرت می‌رسند و چگونه برای اداره و پیش‌برد امور دولت برنامه می‌سازند.<sup>۱۷</sup> به طور مثال در نظام‌های سیاسی دیکتاتوری چه دیکتاتوری نظامی و چه دیکتاتوری مذهبی، افسران بلندپایه نظامی و رهبران مذهبی، شایسته اداره کشور شناخته می‌شوند.<sup>۱۸</sup> اما در نظام‌های دموکراتیک، رهبران و کادرهای مربوط به احزاب سیاسی که حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های فردی را احترام می‌کنند، برای رهبری کشور برگزیده می‌شوند.<sup>۱۹</sup>

نظم‌های سیاسی در کل دو نوع است: دموکراتیک و استبدادی. در نظام‌های دموکراتیک حکومت‌کنندگان از طریق انتخابات سَری، آزاد و رقابتی برگزیده می‌شوند. آن‌ها حقوق و آزادی‌های شهروندان را احترام می‌کنند و در پالیسی‌سازی، رضایت شهروندان را مدنظر می‌گیرند. در نظام‌های دموکراتیک مبنای قانون‌گذاری، اراده شهروندان و نمایندگان آن‌هاست. در این قوانین، حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی شهروندان تضمین می‌شود و حکومت‌کنندگان که با رأی مردم به قدرت می‌رسند، به آن احترام می‌گذارند. اما در دیکتاتوری‌ها حکومت‌کنندگان نه با رأی شهروندان که بر اساس یک‌سری قواعد نوشته و نانوشته غیردموکراتیک برگزیده می‌شوند. در برخی از دیکتاتوری‌ها هم حکومت‌کنندگان در انتخابات‌های غیررقابتی و فرمایشی برگزیده می‌شوند. در این نوع نظام، حکومت‌کنندگان اراده خود را به جبر روی شهروندان اعمال می‌کنند.

بر مبنای این تعریف، در دموکراسی‌ها حکومت‌کنندگان با رأی شهروندان برگزیده شده و حقوق و آزادی‌های شهروندان را رعایت می‌کنند. در چنین نظام انتخابات رقابتی، سَری، آزاد و عادلانه است. اما در نظام‌های سیاسی استبدادی، حکومت‌کنندگان از راه غلبه نظامی و سایر روش‌های غیردموکراتیک به قدرت می‌رسند و با اجبار حکومت می‌کنند. البته با توجه به رشد اقتصادی، فرهنگ سیاسی، سنت‌های اجتماعی و عوامل دیگر، میزان آزادی‌های فردی و رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و برعکس آن، در هر نظام سیاسی دموکراتیک و استبدادی از یک کشور تا کشور دیگر فرق

---

17. Geddes, Wright. & Frantz, "Authoritarian Regimes Code Book" & Geddes, Wright. & Frantz, "Autocratic Breakdown."

18. Dahl, On Democracy, p. 85; Dahl, Polyarchy, p. 8; Geddes, Wright. & Frantz, "Authoritarian Regimes Code Book;" Luhrmann, et al., "Regimes of the World (RoW)."

19. Ibid.



می‌کند.

در افغانستان خوانش افراطی از باورهای دینی، ناسیونالیسم قومی، کشمکش‌های نظامی و تمرکز قدرت در دست حکومت‌کنندگان از موانع جدی فراراه قوام یک نظام دموکراتیک همه‌شمول است. پس از سال ۲۰۰۱ سه دیدگاه در مورد نظم سیاسی در افغانستان شکل گرفته است: نخست، دیدگاهی که حکومت و نیروهای سیاسی نوپا از آن دفاع می‌کنند، قوام یک نظام دموکراتیک اکثریتی است. دیدگاه دیگر که مجاهدین سابق و شماری از قوم‌گرایان از آن دفاع می‌کنند، ایجاد یک نظام مشارکتی است که بر اساس تقسیم قدرت به تناسب گروه‌های سیاسی شکل می‌گیرد. دیدگاه سوم که مربوط به طالبان و هم‌فکران آن‌هاست، ایجاد یک حکومت تیوکراتیک دینی می‌باشد. هرچند دیدگاه‌های دسته اول و دوم روی جزییات توزیع قدرت متفاوت است؛ اما هر دو گروه از انتخابات به عنوان مکانیسم انتقال قدرت دفاع می‌کنند. بنابراین گفته می‌توانیم که دو نظر در مورد نظام‌سازی در افغانستان مطرح است: یکی دیدگاه طرفداران دموکراسی و دیگری طرفداران نظام اقتدارگرا.

با وجود این، باید خاطرنشان ساخت که طالبان ماهیت و نوع نظامی را که به آن اعتقاد دارند، به تفصیل تشریح نکرده‌اند. آن‌هایی هم که در مورد نظام سیاسی مدنظر طالبان تحقیق کرده‌اند، تصویر واحد از شکل نظام سیاسی مطلوب آن‌ها به دست نداده‌اند.<sup>۲۰</sup> با این حال، اعلامیه‌های رسمی رهبری طالبان، این گروه را «امارت اسلامی» می‌خواند و بر اسلامیزه کردن قوانین افغانستان و نهاد دولت در آینده تأکید دارد.<sup>۲۱</sup> در کنار این، طالبان هیچ علاقه‌ای به انتخابات به عنوان مکانیسم‌گزینش رهبران دولت نشان نداده‌اند و موضع‌شان در مورد حقوق و آزادی‌های سیاسی و فردی شهروندان، حقوق زنان، حقوق بشر، کثرت‌گرایی سیاسی و تنوع فرهنگی گنگ است.<sup>۲۲</sup> از آنجایی که دیدگاه‌ها در مورد نظام سیاسی مطلوب طالبان یکسان نیست و خودشان در این مورد موضع روشن ندارند، در این تحقیق فرض را بر این می‌گیریم که نظام سیاسی مطلوب طالبان همان «امارت اسلامی» است که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ در افغانستان حاکم بود. در این تحقیق امارت اسلامی طالبان با نظام سیاسی پس از نشست بُن سال ۲۰۰۱ مقایسه شده است.

---

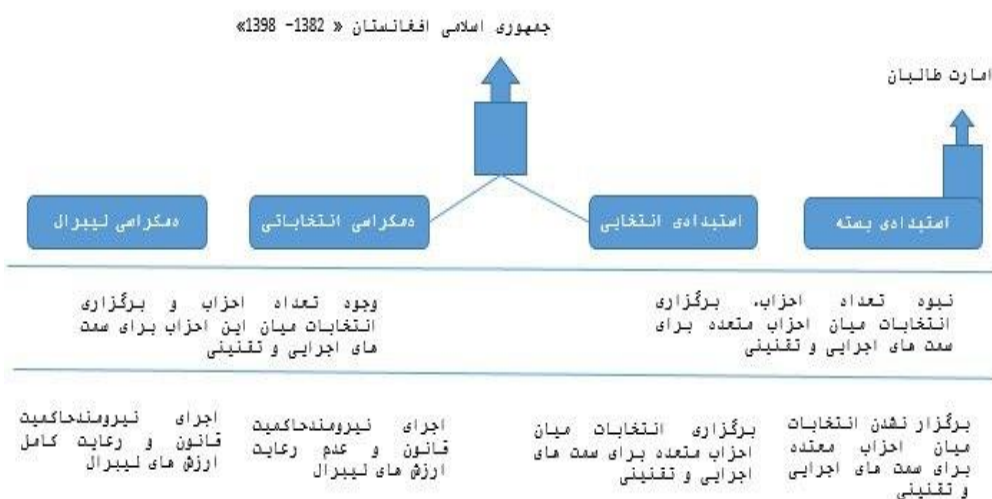
20. For example, Mashal, "What Do the Taliban Want in Afghanistan?" & Osman and Gopal, "Taliban Views on a Future State."

21. For example, Akhundzada, "Message of Felicitatation."

22. Mashal, "What Do the Taliban Want in Afghanistan?"

باید یادآوری کنم که دولت افغانستان و متحدان آن هم که نظام سیاسی مطلوب خود را دموکراسی انتخاباتی می‌خوانند، در ایجاد یک نظام انتخاباتی همه‌پذیر و کارا موفق نبوده‌اند. دولت افغانستان در ایجاد دموکراسی انتخاباتی کارا، تطبیق حاکمیت قانون، پیروی از اصول دموکراتیک و ایجاد زمینه‌های نهادینه کردن دموکراسی موفق نبوده است. با توجه به این واقعیت‌ها از نظر گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی، «امارت اسلامی» طالبان در دسته نظام‌های «استبدادی بسته» و جمهوری اسلامی افغانستان در جایی بین نظام دموکراسی انتخاباتی و نظام «استبدادی انتخابی» قرار می‌گیرد (شکل ۶).<sup>۲۳</sup>

شکل ۶: تیپ‌شناسی نظام‌های سیاسی و افغانستان



گونه‌شناسی نظام‌های مطلوب طالبان و دولت افغانستان را از نظر معیار پیوستگی و گسست هم می‌توان شرح داد. بر مبنای این معیار، نظام‌های سیاسی استبدادی و دموکراتیک نه تنها از نظر شکل متفاوت‌اند، بلکه محتوای این نوع نظام و نهادهای شکل‌دهنده آن‌ها هم فرق می‌کند. درجه باز و بسته بودن این نظام‌ها هم در گونه‌شناسی حایز اهمیت است.<sup>۲۴</sup> بر مبنای این معیار، حکومت طالبان/ امارت اسلامی از نظر گونه‌شناسی یک نظم استبدادی مطلق است که در آن انتخابات، آزادی‌های فردی و سیاسی، و

23. Luhrmann, et al., "Regimes of the World (RoW)."

24. Colier & Adcock, "Democracy and Dichotomies;" Elkins, "Gradations of Democracy?" Munk & Verkuilen, "Conceptualizing and Measuring Democracy;" Wahman, Teorell, & Hadenius, "Authoritarian Regime Types Revisited."

کسب رضایت شهروندان وجود ندارد؛ کثرت‌گرایی و مشارکت تحمل نمی‌شود و اجبار، عنصر اصلی حکومت‌داری است.<sup>۲۵</sup>

از نظر گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی، یک نظام دموکراتیک دارای شش معیار ذیل است: گزینش رهبران دولت از طریق انتخابات سراسری؛ انتخابات آزاد، سری، عادلانه و رقابتی؛ آزادی بیان؛ کثرت منابع اطلاع‌رسانی؛ نهادهای جامعه مدنی؛ و برابری حقوقی شهروندان.<sup>۲۶</sup> به دلیل اینکه هیچ یک از این معیارها در امارت اسلامی طالبان رعایت نشده، این حکومت در زمره نظام‌های «استبدادی بسته» دسته بندی شده است. همچنان، در نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ که خودش را یک دموکراسی انتخابی می‌خواند نیز این معیارهای دموکراسی به تمام و کمال رعایت نشده اند. این نظام هم عناصری از دموکراسی انتخاباتی و هم عناصری از نظام «استبدادی انتخابی» را در خودش جا داده است. در دموکراسی‌های انتخاباتی، انتخابات آزاد، رقابتی و شفاف برگزار می‌شود و در آن، شش معیاری که در بالا ذکر شد به صورت حداقلی رعایت می‌شوند. اما دموکراسی‌های انتخاباتی در تطبیق حاکمیت قانون و رعایت آزادی‌ها و اصول لیبرال مشکل دارند. در مقایسه، در دموکراسی‌های لیبرال تمام شش معیاری که در بالا آمد، بطور تمام و کمال رعایت می‌شوند.

امارت طالبان به این دلیل در دسته نظام‌های استبدادی بسته قرار می‌گیرد که نه انتخابات را به عنوان مکانیسم انتقال قدرت می‌پذیرد و نه اصول شش‌گانه دموکراسی انتخاباتی در آن رعایت می‌شود.<sup>۲۷</sup> اما نظم سیاسی پس از بُن که عناصری از نظام «استبدادی انتخابی» و «دموکراسی انتخاباتی» را در خود دارد، ظرفیت آن را دارد که به یک دموکراسی انتخاباتی کامل و یا یک نظام استبدادی گذار کند. بنابراین نظام سیاسی پس از بُن، یک نظام در حال گذار است که احتمال گذار آن به دموکراسی و نظام استبدادی بطور همزمان وجود دارد. شاخص‌هایی مثل انتخابات شفاف، آزاد و عادلانه؛ میزان احترام به حقوق و آزادی‌های فردی و مدنی؛ حساب‌ده‌بودن حکومت به شهروندان؛ و رعایت حاکمیت قانون در نظام سیاسی پس از بُن تعیین می‌کنند که این نظام ظرفیت گذار به کدام جهت را بیشتر دارد: دموکراسی انتخاباتی یا نظام استبدادی؟

---

25. For measurements of statehood, see Carment et al., Security, Development, and the Fragile State; Tikuisis & Carment, "Categorization of States beyond Strong and Weak."

26. Dahl, On Democracy, p. 85; Dahl, Polyarchy, p. 8; Luhrmann, et al., "Regimes of the World (RoW)."

27. Dahl, Ibid.; "Portents of Pluralism," & Diamond, "Thinking About Hybrid Regimes"

در چندین انتخاباتی که در دو دهه گذشته برای انتخاب رییس جمهور، اعضای پارلمان، و شوراهای ولایتی در افغانستان برگزار شده است، اصل شفاف و عادلانه بودن انتخابات و اعتبار نتایج آن به دلیل تقلب‌های سیستماتیک، بی‌نظمی‌های مدیریتی، ضعف نهادهای برگزارکننده، سیاست حامی‌پروری و نفوذهای مخرب سیاسی، همیشه زیر سؤال بوده است.<sup>۲۸</sup> اما حکومت افغانستان در دو دهه گذشته تلاش کرده است که آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها، آزادی تشکیل انجمن‌ها و احزاب را رعایت کند؛ ولی در تطبیق حاکمیت قانون و رعایت سایر معیارهای دموکراتیک موفق نبوده است. صرف در سال ۲۰۰۸ در یک گزارش «خانه آزادی»، افغانستان یک کشور نسبتاً آزاد لقب گرفت؛ ولی پس از آن در گزارش‌های این نهاد، همیشه افغانستان یک کشور غیرآزاد خوانده شده است. گزارش سال ۲۰۱۹ خانه آزادی، افغانستان را در رعایت آزادی‌های سیاسی و مدنی ناکام خوانده است.<sup>۲۹</sup> با آن که نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در عرصه آزادی بیان، رسانه‌های غیردولتی، به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و سیاسی در قانون اساسی و موارد دیگر دستاوردهایی داشته است، اما تا بدل شدن این نظام به یک دموکراسی انتخاباتی کامل راه درازی در پیش است.<sup>۳۰</sup> در این پژوهش، نظام سیاسی پس از بن (۲۰۰۱-۲۰۱۹) به عنوان نظامی که عناصری از یک دموکراسی انتخاباتی را در خودش دارد (نظام در حال گذار) با نظام سیاسی بسته و غیردموکراتیک طالبان مقایسه شده است.

### ۳) مشروعیت سیاسی

مشروعیت سیاسی به منابع و شیوه‌های شکل‌گیری و اصلاح یک نظام سیاسی که مسبب تقویت نظم سیاسی و اجتماعی اند، اطلاق می‌شود.<sup>۳۱</sup> عناصر و هنجارهای مشروعیت‌بخش حکومت در ساختار اجتماعی و سیاسی یا قبلاً در جامعه وجود دارند یا تحت شرایط جدید در آن شکل می‌گیرند.<sup>۳۲</sup> حاکمیت سیاسی‌ای که بتواند مشروعیت خودش را تثبیت کند، به قول ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، قادر است نظم و قانون را تطبیق کند و قوه قهریه را در انحصار خویش داشته باشد.<sup>۳۳</sup> به باور این جامعه‌شناس آلمانی، نظام‌های سیاسی سه نوع منبع مشروعیت دارند: مشروعیت سنتی، مشروعیت کارزماتیک و مشروعیت عقلانی - قانونی. هر یک از این انواع مشروعیت در متن و زمینه

28. Freedom in the World 2019.

29. Afghanistan, Freedom in the World (2001-2019).

30. Afghanistan, Freedom in the World 2019.

31. Lottholz & Lemay-Hebert, "Re-Reading Weber."

32. Thornhill, "Political Legitimacy."

33. Weber, the Vocation Lectures, p. 34; Weber, the Three Types of Legitimate Rule, pp. 1-11.

تاریخی و اجتماعی خاص شکل می‌گیرد.<sup>۳۴</sup> مشروعیت سنتی و کاریزماتیک، از عرف، مذهب، رسم و رواج و توانایی‌های فردی مایه می‌گیرد. اما مشروعیت عقلانی - قانونی از طریق مشارکت سیاسی، برگزاری انتخابات عمومی دوره‌ای و شکل‌گیری اکثریت و اقلیت انتخاباتی و بالأخره حاکمیت قانون به وجود می‌آید.<sup>۳۵</sup> مبنای مشروعیت عقلانی، انتخابات و مشارکت شهروندان در آن است. حکومتی که مشروعیت عقلانی و انتخاباتی دارد، تلاش می‌کند در حکومت‌داری، عنصر رضایت عمومی را جایگزین اجبار کند.

منبع منازعه کنونی افغانستان را می‌توان عدم توافق طرفین روی شیوه‌های مشروعیت سنتی و کاریزماتیک با مشروعیت عقلانی - قانونی خواند. شورشیان با اتکا به زور و اسلام‌گرایی، تلاش می‌کنند نظام مبتنی بر مشروعیت سنتی و کاریزماتیک بوجود آورند، درحالیکه دولت افغانستان تلاش کرده است مبنای مشروعیت حکومت را انتخابات و رضایت عمومی قرار دهد. حکومت افغانستان، لا اقل در تیوری، در پی تقویت یک دموکراسی انتخاباتی در افغانستان است، اما تلاش‌های حکومت به دلیل کاستی‌های درونی و شورش طالبان با چالش‌های جدی مواجه است.

هرچند در نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان کوشیده شد تا مبنای مشروعیت نظام مشارکت سیاسی از طریق انتخابات تعریف شود، اما این تلاش‌ها نتوانستند نتایج دموکراتیک بار آورند. پس از سقوط طالبان جامعه جهانی و نیروهای سیاسی افغانستان توافق کردند نظام سیاسی‌ای در افغانستان به وجود بیاورند که مشروعیت آن را قوانین مدرن و مشارکت شهروندان تعیین کند، نه توانایی‌های یک رهبر کاریزماتیک در بسیج مردم یا یک سنت جاافتاده. بر اساس این قاعده، مشروعیت سیاسی باید از طریق گسترش مشارکت سیاسی شهروندان، ظهور اقلیت و اکثریت انتخاباتی، برگزاری انتخابات عمومی و دوره‌ای و حساب‌دهی حکومت به شهروندان به دست می‌آید.<sup>۳۶</sup> هرچند برای یک چنین نظام سیاسی، حقوق اساسی و مبنای حقوقی هم ایجاد شد؛ اما تحکیم نظام سیاسی دارای مشروعیت عقلانی - قانونی از داخل و بیرون با تهدید جدی مواجه شد. فساد مالی و اداری، تسلط سیاست‌های حمایتی و خویشاوندسالاری، ناتوانی حکومت در عرضه خدمات اساسی مانند تأمین امنیت و تطبیق عدالت، برگزاری چندین انتخابات ناقص و پر از تقلب، مشروعیت نظام سیاسی پس از بُن را از درون دچار مشکل کرد. در کنار آن، شورش طالبان از بیرون، فشار بر نظام سیاسی پس از بُن را

34. Ibid. Thornhill, "Political Legitimacy," pp. 143-159.

35. Weatherford, "Measuring Political Legitimacy," 150; Rothstein, "Creating Political Legitimacy."

36. Ibid.

بیشتر ساخت. تهدیدات جدی بیرونی و کاستی‌های درونی به مشروعیت این نظام سیاسی و اعتماد عمومی به آن صدمه زده است. ناکارآمدی و ناتوانی حکومت در مهار فساد و شورش طالبان این فرضیه را تقویت کرده است که دموکراسی انتخاباتی در افغانستان جواب نمی‌دهد و باید بار دیگر برای دریافت مشروعیت به نهادهای سنتی مثل لویه‌جرگه و تشکیل حکومت مشارکتی چندقومی تکیه کرد. فراخواندن لویه‌جرگه از طرف محمداشرف غنی (رئیس‌جمهور کنونی) و حامد کرزی (رئیس‌جمهور پیشین) نشان‌دهنده تمایل فزاینده برای احیای مکانیسم‌های سنتی مشروعیت‌بخش بودند. برخی از نیروهای سیاسی هم همواره بر ضرورت تشکیل حکومت مشارکتی قومی تأکید کرده‌اند. در این تحقیق نظرات مردم درباره منابع مشروعیت حکومت و شیوه‌های مشروعیت‌بخشی نظام سیاسی بررسی شده است.

## نظرات مردم در باره جنگ و الگوی حل سیاسی آن

در این فصل نظرات مردم در مورد چهار الگوی حل سیاسی که بررسی شده است: انتخابات، نظام مشارکتی، نامتمرکزسازی قدرت و تشکیل اداره موقت. از شرکت کنندگان نظرسنجی پرسیده شده است که کدام یک از این چهار شیوه را بهترین شیوه حل سیاسی جنگ افغانستان می‌دانند. به بیان دیگر از مردم پرسیده شده است که با استفاده از کدام یک از این چهار الگو، می‌توان به جنگ افغانستان خاتمه داد. همچنان در این فصل علاوه بر نظرات مردم در مورد الگوی حل سیاسی جنگ، از آن‌ها پرسیده‌ایم: تا چه حد از تلاش‌هایی که برای صلح و ختم جنگ در افغانستان صورت می‌گیرد اطلاع دارند؛ کدام طرف‌ها مانع صلح‌اند؛ کی‌ها مسئول کشتار غیرنظامیان در افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ می‌باشند؛ و چگونه باید با کسانی که در کشتار غیرنظامیان دست داشته‌اند برخورد شود؟

### میزان آگاهی پاسخ‌دهندگان

در آغاز از پاسخ‌دهندگان در مورد میزان آگاهی‌شان از گفتگوهای طالبان و امریکایی‌ها پرسیده شد. هدف این بود که میزان آگاهی و اطلاعات پاسخ‌دهندگان ارزیابی شود. اکثریت قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان گفتند که از گفتگوهای طالبان و امریکا معلومات «بسیار زیاد» دارند. شماری از آن‌ها هم گفتند که از این گفتگوها معلومات «قسمی» دارند نه کامل. ۳۵,۲۱ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که از گفتگوهای طالبان و امریکا هیچ اطلاعی ندارند. آن‌هایی که گفتند از این گفتگوها معلومات «بسیار زیاد» یا «قسمی» دارند، به ۶۱,۸۶ درصد می‌رسید (جدول ۳).

جدول ۳: میزان آگاهی شرکت‌کنندگان از مذاکره میان امریکا و طالبان

درصدی	
۱۶,۳۳	معلومات زیاد
۴۵,۵۳	معلومات کم
۲۱,۷۳	معلومات بسیار کم
۱۳,۴۸	هیچ معلومات ندارد
۲,۹۳	پاسخ نداده است

ارزیابی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مورد میزان آگاهی‌شان از گفتگوهای امریکا و طالبان نشان می‌دهد که میزان آگاهی مردان از این گفتگوها نسبت به زنان تا حدودی بیشتر است (جدول ۵۲). با این حال، پاسخ‌دهندگان با هویت‌های قومی گوناگون آگاهی یک‌سانی از گفتگوهای امریکا و طالبان داشتند (جدول ۵۳)؛ اما پاسخ‌دهندگان دارای درجات تحصیلی بالاتر ادعا کردند که آگاهی بیشتر در مورد این گفتگوها دارند (جدول ۵۴). کارمندان حکومت و سازمان‌های امدادی غیردولتی نیز مدعی‌اند که اطلاعات بیشتری در مورد گفتگوهای طالبان و دولت امریکا دارند. شمار بیشتری از پاسخ‌دهندگان بی‌سواد، کم‌سواد و بی‌کار گفته‌اند که اطلاعات کمی در مورد گفتگوهای امریکا و طالبان دارند (جدول ۵۵).

نظر به گرایش سیاسی، بالاترین میزان ادعای آگاهی را آن‌هایی داشتند که خودشان را ناسیونالیست می‌خوانند. حدود ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را ناسیونالیست می‌خوانند، گفته‌اند که از گفتگوهای امریکا و طالبان قسماً یا زیاد معلومات دارند. پس از آن، آن‌هایی که خودشان را طرف‌دار حکومت می‌دانند، گفته‌اند که در مورد گفتگوهای طالبان و امریکایی‌ها معلومات دارند که میزان آن به ۶۷ درصد می‌رسد. ۶۶٫۵ درصد آن‌هایی که خودشان را مجاهد می‌خوانند نیز پاسخ داده‌اند که در مورد گفتگوهای امریکا و طالبان معلومات دارند. ۵۵ درصد آن‌هایی که خودشان را باورمند به ناسیونالیسم قومی می‌خوانند نیز گفته‌اند که در مورد گفتگوهای امریکا و طالبان معلومات دارند. پاسخ‌دهندگانی که خودشان را از نظر گرایش سیاسی بی‌طرف یا مایل به جریان چپ می‌دانند، مدعی‌اند که از گفتگوهای ایالات متحده و طالبان معلومات بسیار کم دارند. ۴۱ درصد پاسخ‌دهندگان بی‌طرف و ۳۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای گرایش چپ گفته‌اند که معلومات خیلی کم در مورد گفتگوهای امریکا و طالبان دارند (جدول ۵۶).

### نظرات مردم در مورد موانع فراه صلح

از شرکت‌کنندگان در کنار نظرشان در مورد الگوهای حل سیاسی، پرسیده شده بود که از نظر آن‌ها مانع عمده رسیدن به صلح کیست؟ شش گزینه به شرکت‌کنندگان داده شده بود که از آن‌ها یکی را انتخاب کنند. این گزینه‌ها عبارت بود از: طالبان، پاکستان، ایالات متحده، حکومت، اپوزیسیون سیاسی حکومت و طرف‌های دیگر.<sup>۳۷</sup> بیشتر پاسخ‌دهندگان به ترتیب پاکستان، طالبان و امریکا را مانع رسیدن



به صلح می‌دانند. شمار بسیار کمی از پاسخ‌دهندگان: محمداشرف غنی و شماری دیگر: مخالفان سیاسی حکومت را مانع عمده صلح خوانده‌اند. در کل ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان: پاکستان را مانع عمده صلح در افغانستان خوانده‌اند. ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان: امریکا و ۲۰ درصد دیگر: طالبان را مانع صلح خوانده‌اند. تنها ۵ درصد پاسخ‌دهندگان: محمداشرف غنی و ۵ درصد دیگر: مخالفان سیاسی حکومت را مانع صلح خوانده‌اند. ۳,۲۷ درصد پاسخ‌دهندگان هم گزینه طرف‌های دیگر را به عنوان مانع صلح انتخاب کرده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴: مانع اصلی صلح از نظر شرکت‌کنندگان

درصدی	
۲۰,۱۳	طالبان
۳۴,۸	پاکستان
۲۴,۶۷	امریکا
۵,۲	محمداشرف غنی
۵,۰۷	اپوزیسیون سیاسی حکومت
۳,۲۷	دیگر
۶,۸۷	پاسخ نداده‌اند

پاسخ‌های شرکت‌کنندگان با در نظر داشت تحصیلات، جنسیت و هویتی قومی آن‌ها در مورد موانع فراراه صلح از همدیگر زیاد متفاوت نیست؛ ولی پاسخ‌های آن‌ها با در نظر داشت ولایت و گرایش سیاسی متفاوت است. بیشتر پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرف‌دار طالبان یا مجاهدین عنوان می‌کنند، به این باورند که امریکا مانع اصلی صلح در افغانستان است. ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان طرف‌دار طالبان و ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند، گفته‌اند که امریکا مانع صلح است. هیچ یک از پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرف‌دار طالبان می‌خوانند، پاکستان و طالبان را مانع صلح نگفته‌اند. اما بیشتر پاسخ‌دهندگان دیگر، پاکستان و طالبان را مانع صلح عنوان کرده‌اند. ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان با گرایش چپ، ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان طرف‌دار طالب و ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگانی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند، محمداشرف غنی رییس‌جمهور کنونی را مانع صلح می‌دانند (جدول ۵).

طرف‌های دیگر	اپوزیسیون	محمد اشرف	آمریکا	پاکستان	طالبان	
۳,۴۱	۴,۹۵	۳,۸۷	۲۳,۶۸	۳۴,۹۸	۲۲,۹۱	طرف‌دار حکومت
۰	۰	۱۶,۶۷	۴۰,۲۸	۲۵	۱۲,۵	مجاهد
۳,۵۶	۱۱,۱۱	۲۹,۷۸	۵۵,۵۶	۰	۰	طرف‌دار طالب
۰	۰	۴۰	۲۰	۴۰	۰	چپی
۵,۸۳	۵,۸۳	۶,۸	۱۹,۴۲	۳۶,۸۹	۲۰,۳۹	ملی‌گرا
۲,۶۲	۵,۵۷	۴,۱	۲۳,۴۴	۳۶,۵۶	۱۹,۸۴	قوم‌گرا
۱۰,۲۶	۵,۱۳	۵,۱۳	۳۳,۳۳	۳۰,۷۷	۲,۵۶	بی‌طرف
۱۴,۲۹	۰	۰	۱۴,۲۹	۴۲,۸۶	۱۴,۲۹	بدون گرایش مشخص
						سیاسی

**Pearson chi2 (42) =118. 9193 Sig.=0.000**

پاسخ‌دهندگان با در نظر داشت محل زندگی‌شان هم پاسخ‌های متفاوتی به پرسش درباره مانع عمده صلح در افغانستان داده‌اند. در ۱۴ ولایت از جمله قندهار، ننگرهار، لوگر، نیمروز، بادغیس، کندز، بدخشان، فاریاب، جوزجان، وردک، نورستان، پکتیا، سرپل و ارزگان بیشتر پاسخ‌دهندگان پاکستان را مانع اصلی صلح در افغانستان گفته‌اند. در ۷ ولایت دیگر به شمول کابل، بلخ، هرات، پنجشیر، بامیان، دایکندی و سمنگان بیشتر پاسخ‌دهندگان گروه طالبان را مانع عمده صلح خوانده‌اند. در ۹ ولایت دیگر از جمله هلمند، غزنی، تخار، بغلان، کاپیسا، کنر، لغمان و زابل، بیشتر پاسخ‌دهندگان ایالات متحده آمریکا را مانع صلح خوانده‌اند (جدول ۶۱).

## نظرات مردم در مورد کشتار غیرنظامیان بعد از ۲۰۰۱

گزارش‌های سالانه سازمان‌های بین‌المللی از افزایش کشتار غیرنظامیان در جنگ افغانستان مکرر پرده‌برداری کرده‌اند. در یک گزارش سازمان ملل متحد که در ماه اکتوبر سال جاری میلادی نشر شد، آمده است که از ماه جنوری تا ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۱۹، ۸۲۳۹ غیرنظامی در افغانستان کشته شده‌اند.<sup>۳۸</sup> بیشتر شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفتند که در قدم اول گروه طالبان و بعد نیروهای خارجی مسئول کشتار غیرنظامیان‌اند. ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان هم گفتند آن‌هایی که مرتکب کشتار غیرنظامیان شده‌اند، باید محاکمه شوند. ۳۵،۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان، طالبان را مسئول درجه اول کشتار غیرنظامیان خواندند. ۲۲،۵۳ نیروهای خارجی و ۱۶،۶ درصد دیگر، پاکستان را مسئول درجه اول کشتار غیرنظامیان می‌دانند. همچنان، ۱۴،۳ درصد پاسخ‌دهندگان سازمان‌های تروریستی جهانی و ۳ درصد دیگر نیروهای دولتی را مسئول کشتار غیرنظامیان می‌دانند. در ضمن، ۶ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه طرف‌های دیگر را مسئول کشتار غیرنظامیان عنوان کرده‌اند (جدول ۶).

جدول ۶: کی‌ها مسئول کشتار غیرنظامیان بعد از ۲۰۰۱ هستند؟

درصدی	
۳۵،۴۷	طالبان
۳،۲	حکومت
۲۲،۵۳	نیروهای خارجی
۱۴،۳۳	گروه‌های تروریستی جهانی / بین‌المللی
۱۶،۶۷	پاکستان
۶،۴	طرف‌های دیگر
۱،۴	پاسخ نداده‌اند

زنان و مردان پاسخ‌دهنده، نگاهی متفاوت به کشتار غیرنظامیان دارند. بیشتر زنان پاسخ‌دهنده، گروه طالبان را مسئول کشتار غیرنظامیان می‌دانند. ۳۰،۵ درصد زنان و ۲۱،۳ درصد مردان پاسخ‌دهنده، گروه طالبان را مسئول کشتار غیرنظامیان می‌دانند. اما آن‌هایی که نیروهای خارجی و پاکستان را مسئول کشتار غیرنظامیان می‌دانند، بیشتر مرد‌اند. ۹ درصد پاسخ‌دهندگان از هر دو جنس،

38. Record – High Number of Civilian Casualties in Afghanistan.

گفته‌اند که سازمان‌های تروریستی جهانی مسئول بیشتر کشتار غیرنظامیان‌اند. در کنار آن ۸ درصد زنان و ۲ درصد مردان پاسخ‌دهنده، نیروهای دولتی را مسئول کشتار غیرنظامیان خوانده‌اند (شکل ۸). ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان به این نظرند که آن‌هایی که مسئول کشتار غیرنظامیان‌اند متعلق به هر کشور، گرایش سیاسی و حزبی که باشند، باید محاکمه شوند. اما ۱۶ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان راه‌های دیگر را پیشنهاد کرده‌اند. ۵۲ درصد آن‌هایی که به محاکمه مرتکبین کشتار غیرنظامیان معتقدند، خواستار برگزاری محاکمه در دادگاه‌های افغانستان هستند؛ اما ۲۸ درصد دیگر آن‌ها خواستار برگزاری محاکمه در دادگاه‌های بین‌المللی‌اند. ۹ درصد کل پاسخ‌دهندگان خواستار عفو مرتکبین کشتار غیرنظامیان در جنگ و ۷ درصد دیگر خواستار پوزش‌خواهی آن‌ها در ملأ عام شده‌اند (جدول ۳۲).

### نظرات مردم در مورد الگوهای حل سیاسی جنگ

برای پاسخ‌دهندگان گفته شده بود که از میان چهار گزینه یکی را به عنوان الگوی مورد نظرشان برای حل سیاسی جنگ افغانستان انتخاب کنند. این گزینه‌ها عبارت‌اند از: برگزاری انتخابات، نظام مشارکتی، تمرکززدایی، و حکومت موقت. بیشتر پاسخ‌دهندگان گزینه شرکت در انتخابات را انتخاب کردند. به بیان دیگر بیشتر شرکت‌کنندگان این نظرسنجی، الگوی شرکت شورشیان در انتخابات را به عنوان راه‌حل سیاسی جنگ افغانستان انتخاب کردند. حکومت افغانستان هم بر ادغام گروه طالبان در نظم سیاسی کنونی افغانستان تأکید دارد. یافته‌های این نظرسنجی نیز نشان می‌دهد که بیشتر مردم افغانستان با همین گزینه موافق‌اند و خواستار حل منازعه از طریق شرکت شورشیان طالب در انتخابات می‌باشند.

از نظر اکثریت پاسخ‌دهندگان نظرسنجی، شورشیان طالب باید از طریق شرکت در انتخابات در نظام سیاسی پس از بُن مدغم شوند. شمار بسیاری کمی از پاسخ‌دهندگان با گزینه‌های اداره موقت، به نظام مشارکتی و تمرکززدایی از قدرت موافقه کرده‌اند. شمار زیادی از پاسخ‌دهندگانی که به اداره موقت رضایت داده‌اند، گفته‌اند که این اداره باید توسط حکومت کنونی (حکومت برحال) رهبری شود. ترجیح گزینه شرکت شورشیان در انتخابات از سوی مردم نشان‌دهنده حمایت مردم افغانستان از نظم سیاسی پس از بُن است. ترجیح این گزینه به احتمال زیاد معلول آگاهی مردم از برگزاری انتخابات و اهداف و مقاصد آن است. مردم از طریق رسانه‌ها و شرکت در انتخابات آگاهی لازم را در مورد انتخابات، اهداف و مقاصد آن به دست آورده‌اند. از طرف دیگر، ترجیح گزینه شرکت در انتخابات از سوی مردم نشان می‌دهد که آن‌ها از بی‌ثباتی بیشتر و سقوط نهاد دولت در نتیجه آزمایش سایر شیوه‌های انتقال

قدرت ترس دارند. از نظر مردم، گزینه‌های بدیل مثل اداره موقت و دادن خودمختاری به شورشیان، احتمال بی‌ثباتی بیشتر و سقوط دولت را زیاد می‌کند.

در کل ۷۵,۳ درصد پاسخ‌دهندگان، شرکت شورشیان طالب در انتخابات را الگوی مطلوب برای رسیدن به صلح و حل سیاسی جنگ خواندند. تنها ۹ درصد شرکت‌کنندگان تقسیم قدرت در حکومت مرکزی با طالبان را گزینه مطلوب دانسته‌اند. ۷,۷۳ درصد دیگر اداره موقت را ترجیح داده‌اند. ۱,۸ درصد دیگر هم دادن خودمختاری سیاسی و اداری به طالبان در مناطق زیر سلطه این گروه را ترجیح داده‌اند. ۱۰ درصد شرکت‌کنندگان هم در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند (جدول ۷).

جدول ۷: الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ

درصدی	
۷۱,۵۳	انتخابات
۷,۷۳	اداره موقت
۹,۱۳	به اشتراک‌گذاری قدرت/ تقسیم وزارت‌خانه‌ها و سمت‌های دولتی در حکومت مرکزی
۱,۸	دادن خودمختاری به مناطق زیر سلطه طالبان/ تمرکززدایی از قدرت
۹,۸	پاسخ‌نداده‌اند

از شرکت‌کنندگان پرسیده شده بود که اگر روند صلح منجر به شرکت شورشیان طالب در یک انتخابات عمومی، سراسری، سرّی و رقابتی شود، به کدام مجموعه رأی می‌دهند؟ برای شرکت‌کنندگان گفته شده بود از میان گزینه‌های: طالبان، حکومت برحال، یک حزب جهادی، یک حزب دموکرات، یک حزب بی‌طرف، امتناع از رأی‌دهی و یک طرف دیگر، یکی را انتخاب کنند. ۴۲ درصد پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی گفتند که در صورتی روند صلح راه بیفتد و منجر به شرکت شورشیان طالب در انتخابات شود، آن‌ها به حکومت برحال/ حکومت کنونی رأی می‌دهند. ۱,۷۳ درصد دیگر گفتند در صورتی که روند صلح به شرکت طالبان در انتخابات بیانجامد، آن‌ها به گروه طالبان رأی می‌دهند. ۲۳ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها می‌خواهند به یک حزب بی‌طرف رأی دهند. ۵ درصد دیگر گفته‌اند که به یک حزب جهادی رأی می‌دهند و حدود ۷ درصد دیگر هم گفته‌اند به یک حزب دموکرات رأی خواهند داد. ۱۲ درصد دیگر با گزینه امتناع از رأی‌دهی و یا رأی به یک طرف دیگر غیر از طالبان،

حکومت برحال، حزب جهادی و حزب دموکرات را انتخاب کرده‌اند. ۸ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند (جدول ۲۷).

از شرکت‌کنندگان پرسیده شده بود: اگر روند صلح منجر به تشکیل حکومت موقت شود، کدام طرف‌ها باید آن را اداره کنند؟ ۳۷,۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که اگر روند صلح منجر به تشکیل اداره موقت شود، باید حکومت کنونی آن را رهبری کند. ۱,۷۳ درصد دیگر گفته‌اند که طالبان رهبری اداره موقت را به دست داشته باشند. ۵,۸۷ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که اداره موقت باید متشکل از نمایندگان طالبان و حکومت کنونی باشد و شکل ائتلافی داشته باشد. ۲۳ درصد پاسخ‌دهندگان هم گفته‌اند که اداره موقت را باید یک گروه بی‌طرف داخلی تشکیل دهد. حدود ۴,۷۳ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از نظر آن‌ها بهتر است که اداره موقت را یک گروه بی‌طرف بین‌المللی رهبری کند. ۶ درصد پاسخ‌دهندگان در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند. ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که اداره موقت را باید طرفی غیر از طرف‌هایی که در پرسش‌نامه آمده است، رهبری کند. حدود ۱۵ درصد پاسخ‌دهندگان به کلی با تشکیل اداره موقت مخالفت کرده‌اند و گفته‌اند که روند صلح اصلاً نباید منجر به تشکیل اداره موقت شود (جدول ۲۸).

همان طوری که در بالا آمد بسیاری از پاسخ‌دهندگان گزینه‌های به اشتراک‌گذاری قدرت / تقسیم قدرت میان طالبان و حکومت کنونی و دادن خودمختاری سیاسی و اداری به مناطق زیر سلطه طالبان را رد کرده‌اند. مخالفت مردم با این گزینه‌ها به‌رغم سال‌ها تبلیغات و سرمایه‌گذاری طرف‌های مختلف بیرون و درون حکومت از جمله طالبان، روی الگوی به اشتراک‌گذاری قدرت / تقسیم قدرت و دادن خودمختاری به طالبان، شگفت‌انگیز است. طرف‌های گوناگون در بیرون و درون حکومت به شمول طالب‌گرایان، سال‌ها تلاش کردند نشان دهند که تقسیم قدرت با طالبان و یا دادن خودمختاری سیاسی و اداری به مناطق زیر سلطه این گروه، گزینه‌ای عملی و مشروع برای حل سیاسی جنگ است؛ اما یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که مردم افغانستان با آن الگوها مخالف‌اند. مخالفت مردم با این الگوها به احتمال زیاد در ناآگاهی مردم از این الگوها و تأثیر تبلیغات حکومت به نفع الگوی شرکت در انتخابات ریشه دارد.

از شرکت‌کنندگان پرسیده شده بود که اگر روند صلحی شکل بگیرد و منجر به اشتراک‌گذاری قدرت/ تقسیم قدرت میان حکومت و طالبان شود، سهم هر کدام باید چگونه باید تقسیم شود؟ ۵۴ درصد شرکت‌کنندگان پاسخ دادند که از نظر آن‌ها روند صلح اصلاً نباید منجر به حکومت‌سهمی و به اشتراک‌گذاری قدرت شود. آن‌ها گفتند که به اشتراک‌گذاری قدرت الگوی مشروع و مؤثر برای حل سیاسی جنگ نیست. ۱۹ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که اگر روند صلح منجر به تشکیل حکومت اشتراکی با طالبان شود، هر طرفی باید در پارلمان و حکومت سهم عادلانه داشته باشد. ۹ درصد دیگر گفته‌اند که برخی از وزارت‌خانه‌های حکومت باید به طالبان داده شود. صرف ۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند طالبان یک نیروی خودمختار در چارچوب دولت باشند. ۱۶ درصد دیگر در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند (جدول ۲۹).

از شرکت‌کنندگان پرسیده شد: اگر روند صلحی شکل گرفت و منجر به تمرکززدایی از قدرت شد، این امر چگونه تحقق یابد؟ ۵۴٫۴ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که از نظر آن‌ها دادن خودمختاری به طالبان در مناطق زیر سلطه آن‌ها الگوی مشروع و مؤثری برای حل سیاسی جنگ نیست. ۹ درصد دیگر گفتند که به طالبان باید خودمختاری سیاسی و اداری موقتی داده شود تا زمانی که آن‌ها برای شرکت در انتخابات تصمیم بگیرند. ۷٫۵ درصد دیگر گفتند که دولت باید شکل فدرالی به خود بگیرد و مناطق زیر سلطه طالبان در چارچوب نظام فدرال خودمختاری داشته باشند. ۷ درصد پاسخ‌دهندگان هم گفته‌اند که تا به میان آمدن صلح دایمی باید به گروه طالبان خودمختاری موقتی در برخی از مناطق و ولسوالی‌ها داده شود تا زمانی که صلح دایمی به وجود می‌آید. یک درصد پاسخ‌دهندگان هم گفته‌اند که باید راه‌های دیگری جستجو شود. ۲۱ درصد دیگر گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند (جدول ۳۰).

البته نظرات پاسخ‌دهندگان در مورد الگوی مطلوب آن‌ها برای حل سیاسی جنگ افغانستان نظر به سن، جنس، محل زندگی (ولایت)، درجه تحصیل، شغل، هویت قومی، گرایش سیاسی و میزان اطلاعات‌شان فرق می‌کند. با تشریح آن درک کاملی از نظرات مردم در مورد الگوهای حل سیاسی جنگ به دست می‌آید.

یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که جوانان بیشتر از میان‌سالان و کهن‌سالان گزینه شرکت شورشیان در انتخابات را به عنوان الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ، ترجیح داده‌اند. ۷۰ درصد آن‌هایی که شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب گفته‌اند، بین ۱۸ تا ۳۷ سال سن دارند. ۶۸ درصد

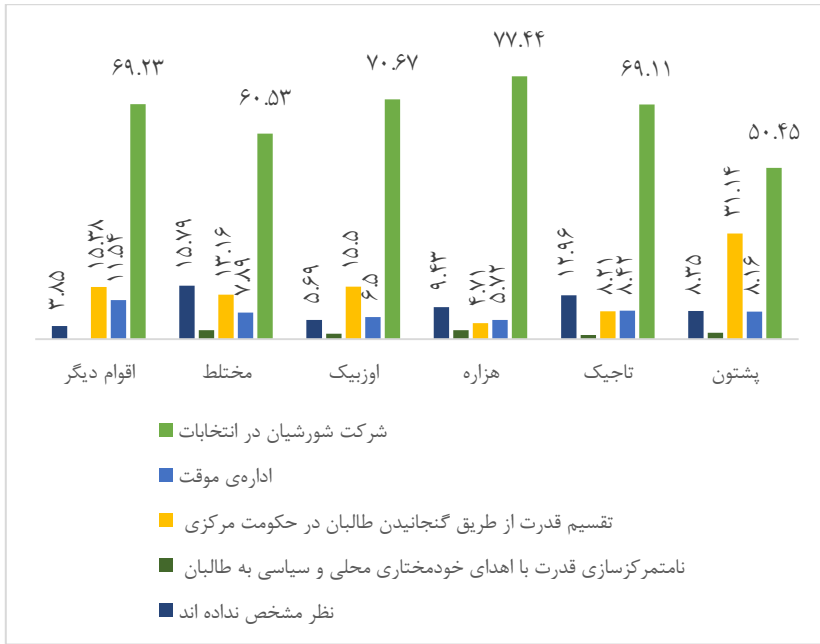
پاسخ‌دهندگانی که ۳۸ سال و بالاتر از آن سن دارند نیز شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ خوانده‌اند. آن‌هایی که از دادن خودمختاری به طالبان/ تمرکززدایی از قدرت حمایت کرده‌اند نیز بیشتر جوان هستند. اما پاسخ‌دهندگان بزرگ‌سال بیشتر از به اشتراک‌گذاری قدرت/ تقسیم قدرت میان دولت و طالبان حمایت کرده‌اند. ۱۱ درصد آن‌هایی که از تمرکززدایی از قدرت حمایت کرده‌اند، بین ۱۸ تا ۲۷ سال سن دارند. ۱۹ درصد پاسخ‌دهندگانی که خود را ۴۸ ساله یا بالاتر از آن گفته‌اند، به گزینهٔ تشکیل حکومت اشتراکی با طالبان، رأی مثبت داده‌اند. میزان حمایت از به اشتراک‌گذاری قدرت با طالبان و دادن خودمختاری به آن‌ها بین گروه‌های سنی دیگر بین ۷ تا ۱۰ درصد است. تمام گروه‌های سنی در مورد الگوی ادارهٔ موقت، نظر یک‌سان داشتند (شکل ۲۲).

ترجیح پاسخ‌دهندگان زن و مرد در مورد الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ نیز اندکی متفاوت است. زنان بیشتر از مردان به شرکت شورشیان در انتخابات به عنوان الگوی مطلوب حل سیاسی رأی داده‌اند. ۷۴ درصد مجموع پاسخ‌دهندگانی که شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب گفته‌اند، زن هستند و ۷۰ درصد مرد. ۱۳ درصد آن‌هایی که از دادن خودمختاری به طالبان حمایت کرده‌اند نیز زن هستند. ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان حامی به اشتراک‌گذاری قدرت با طالبان نیز زن هستند (شکل ۲۳).

شرکت‌کنندگان با هویت‌های قومی مختلف پاسخ‌های متفاوتی در مورد الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ داده‌اند. ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان مربوط به تمام اقوام گفته‌اند که شرکت شورشیان در انتخابات الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ است. ولی با آن هم، شرکت شورشیان در انتخابات بیشتر حمایت را بین هزاره‌ها (۷۷ درصد) و کمترین حمایت را بین پشتون‌ها (۵۰،۴۵ درصد) داشته است. دادن خودمختاری به طالبان کمترین حمایت را در میان تمام اقوام دارد؛ اما مشارکت طالبان در حکومت مرکزی ۱۳ درصد در میان پاسخ‌دهندگان پشتون، ۱۵،۵ درصد در میان پاسخ‌دهندگان اوزبیک، ۱۳ درصد در میان پاسخ‌دهندگانی با هویت قومی متنوع/ چندفرهنگی، ۸ درصد در میان تاجیک‌ها، ۵ درصد در میان هزاره‌ها و ۱۵ درصد در میان اقوام دیگر طرفدار دارد (شکل ۲۷).



شکل ۷: مکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک هویت قومی

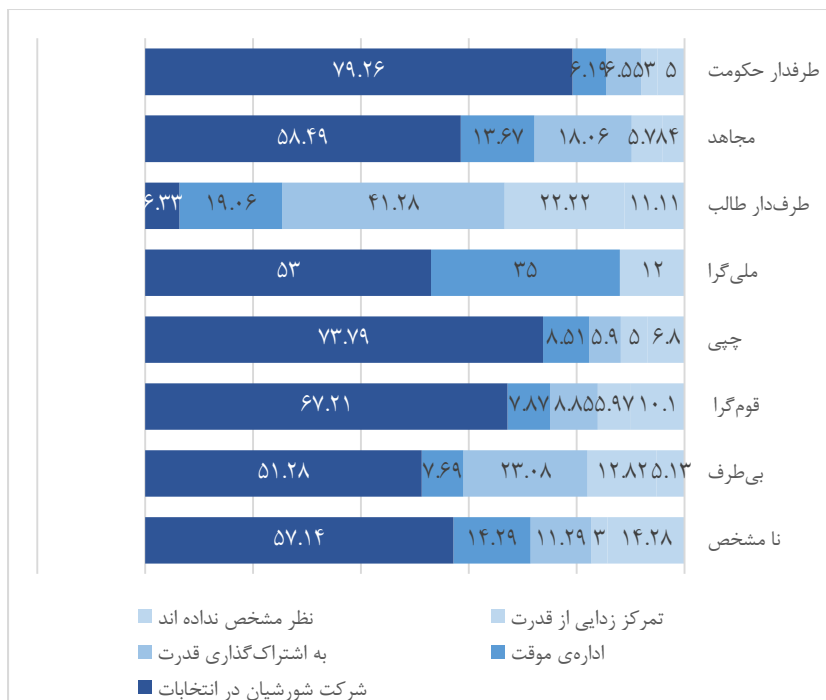


حمایت از شرکت شورشیان در انتخابات به صورت مستقیم با میزان تحصیلات پاسخ‌دهندگان متناسب است. هر قدر که میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، میزان حمایت از انتخابات به عنوان بهترین راه حل منازعه هم بلند می‌رود. به طور مثال ۵۹ درصد پاسخ‌دهندگان بی‌سواد و ۷۲ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات عالی، از شرکت شورشیان در انتخابات به عنوان گزینه مطلوب حل سیاسی حمایت کرده‌اند. پاسخ‌دهندگانی که تحصیلات مدرسه‌ای دارند، به میزان کمتر از شرکت شورشیان در انتخابات سراسری حمایت کرده‌اند. صرف ۵۰ درصد آن‌هایی که تحصیلات مدرسه‌ای دارند، از شرکت شورشیان در انتخابات حمایت می‌کنند. ۳۱ درصد شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای از تقسیم قدرت با طالبان حمایت می‌کنند. باز هم حمایت از شرکت شورشیان در انتخابات در میان پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای نسبت به الگوهای دیگر بالا است (شکل ۲۵).

۷۹ درصد کل پاسخ‌دهندگانی که شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب حل سیاسی گفته‌اند، خودشان را طرفدار دولت می‌خوانند. ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را چپی می‌دانند نیز از الگوی شرکت شورشیان طالب در انتخابات حمایت کرده‌اند. ناسیونالیست‌ها، ناسیونالیست‌های قومی و اکثریت آن‌هایی که خودشان را مجاهد گفته‌اند نیز الگوی شرکت شورشیان در انتخابات را

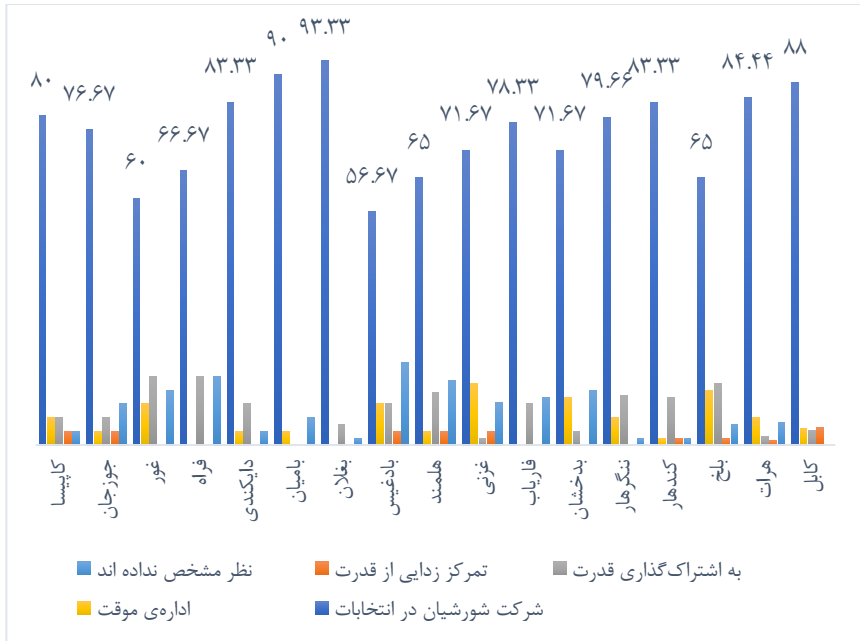
ترجیح داده‌اند. شرکت شورشیان در انتخابات به عنوان الگوی مطلوب، کمترین میزان حمایت را در میان پاسخ‌دهندگانی دارد که خود را حامی طالبان می‌نامند. ۶,۳۳ درصد این پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که شرکت طالبان در انتخابات الگوی مطلوب است. ۴۱ درصد آن‌ها تقسیم قدرت با طالبان را الگوی مناسب حل سیاسی جنگ گفته‌اند. ۲۳ درصد شرکت‌کنندگان بی‌طرف و ۱۹ درصد شرکت‌کنندگانی که خودشان را مجاهد گفته‌اند، به اشتراک‌گذاری قدرت را الگوی مطلوب‌شان برای حل سیاسی جنگ گفته‌اند. ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را ناسیونالیست گفته‌اند، تشکیل اداره موقت را الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ خوانده‌اند. ۱۹ درصد پاسخ‌دهندگان دیگری که این گزینه را ترجیح داده‌اند، طرفدار گروه طالبان هستند. ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرفدار طالبان می‌دانند، تمرکززدایی از قدرت را الگوی مطلوب حل سیاسی گفته‌اند. این گزینه در میان دیگر گرایش‌های سیاسی کمترین حامی را دارد (شکل ۸).

شکل ۸: مکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک گرایش سیاسی

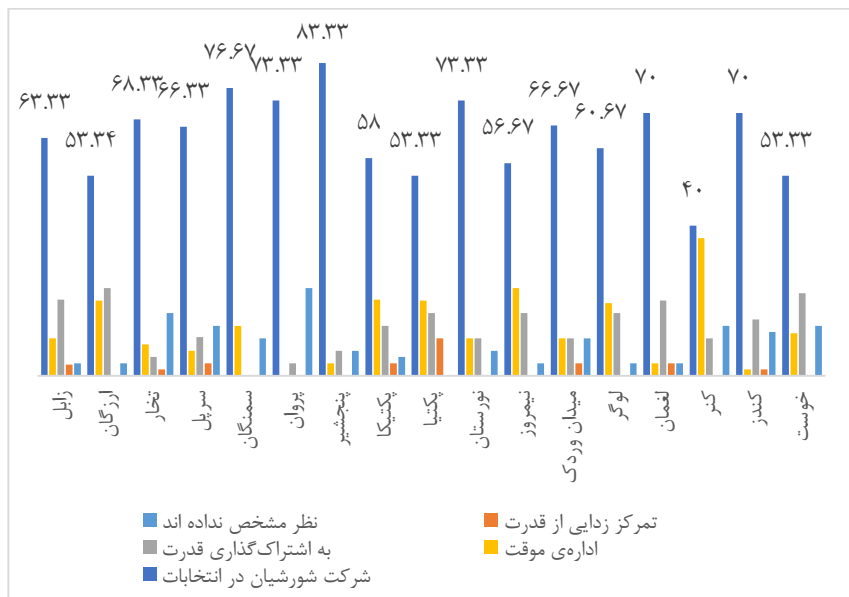


الگوی مطلوب حل سیاسی نظر به موقعیت جغرافیایی هم تفاوت دارد. نخست، بیشترین پاسخ‌دهندگان تمام ۳۴ ولایت افغانستان، شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ گفته‌اند. اما بیشترین میزان حمایت از انتخابات به عنوان راه حل سیاسی در ولایت‌های بغلان و بامیان ابراز شده است. در این دو ولایت ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب گفته‌اند. در ولایت‌های کابل، قندهار، هرات، پنجشیر و دایکندی، بین ۸۰ تا ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان الگوی مطلوب حل سیاسی را شرکت شورشیان در انتخابات خوانده‌اند. در تمام ولایات دیگر به استثنای کنر، میزان حمایت از انتخابات به عنوان الگوی مطلوب حل سیاسی منازعه جاری، بالاتر از ۵۰ درصد است. در ولایت کنر ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب گفته‌اند، در حالی که ۳۵ درصد دیگر تشکیل اداره موقت را ترجیح داده‌اند. تشکیل اداره موقت در کنر بیشتر از هر ولایت دیگر طرفدار دارد. پس از آن ولایات نیمروز، پکتیکا، پکتیا، لوگر، غزنی، ارزگان، سمنگان، بلخ و بدخشان در حمایت از اداره موقت قرار می‌گیرند. در این ولایات بین ۵ تا ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان از تشکیل اداره موقت طرفداری کرده‌اند. در ولایت‌های کابل، بلخ، بغلان، بامیان، فراه، جوزجان و پنجشیر، طرفداری از تشکیل اداره موقت ناچیز است (شکل‌های ۹ و ۱۰).

شکل ۹: مکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک ولایات



شکل ۱۰: مکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک ولایات



دیدگاه‌های ساکنان مختلف در مورد موضوعاتی که در بالا مطرح شد، ریشه در توسعه اقتصادی و میزان شهرنشینی در ولایات، روابط این ولایات با مرکز، درجه‌بندی ولایت و میزان شدت جنگ در آن دارد. این تحقیق نشان می‌دهد که دیدگاه‌های مردم در مورد مسایل مختلف از یک ولایت به ولایت دیگر متفاوت است. در گذشته تصور عموم این بود که مردم ساکن در یک زون جغرافیایی دیدگاه‌های نسبتاً یکسانی در مورد مسایل سیاسی دارند. تحقیق حاضر، چنین تصویری را تایید نمی‌کند.

### نظرات مردم در مورد نظام سیاسی

در این فصل ابتدا نظرات مردم در مورد نظم سیاسی پس از بُن درمقایسه با امارت طالبان شرح داده شده است. به دنبال آن نظرات مردم در مورد عناصر تشکیل‌دهنده نظام سیاسی مطلوب در افغانستان پسمانزعه به تفصیل توضیح و بررسی شده است. در این بخش، از شرکت‌کنندگان این نظرسنجی سؤالاتی در مورد نظام سیاسی پس از بُن درمقایسه با امارت طالبان، انتخابات در مقایسه با شیوه‌های سنتی تقسیم و توازن قدرت، نقش احزاب سیاسی، حقوق و آزادی سیاسی و مدنی پرسیده شده و پاسخ‌های آن‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.<sup>۳۹</sup>

### نظرات مردم در مورد نظم سیاسی پس از بُن درمقایسه با امارت طالبان

سقوط امارت اسلامی طالبان در سال ۲۰۰۱ و جایگزینی آن با یک نظم سیاسی دارای دستور کار دموکراتیک، مورد استقبال گسترده مردم افغانستان قرار گرفت. اما این نظم سیاسی به دلیل ضعف‌های درونی حکومت و شورش طالبان دچار مشکلات جدی شد. ضعف‌های درونی و ناتوانی نهادهای حکومتی در مهار شورش طالبان، موجب سرخوردگی عمومی شد. ناتوانی حکومت در دو دهه اخیر در تأمین امنیت، اجرای عدالت و عرضه خدمات اساسی نارضایتی مردم از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ را افزایش داد. علاوه بر این، مشروعیت حکومت به دلیل آلودگی چندین انتخابات گذشته به تقلب، فساد اداری و خویشاوندسالاری در نظر مردم تضعیف شد. با توجه به این واقعیت‌ها، آیا مردم باز هم نظم سیاسی پس از بُن را به امارت اسلامی طالبان ترجیح می‌دهند؟ (جدول‌های ۳۵ و ۳۶).

یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهند که مردم درمقایسه با امارت اسلامی طالبان، نظم سیاسی پس از بُن را ترجیح می‌دهند؛ اما این به معنای حمایت عمومی از حکومت نیست. مردم به دلیل نبود

---

39. Appendix C.

امنیت، عدم اجرای عدالت و فساد گسترده مالی و اداری از حکومت به شدت ناراضی‌اند. یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که کمیت قابل ملاحظه و بزرگی از مردم افغانستان از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با امارت اسلامی طالبان حمایت می‌کنند. از پاسخ‌دهندگان سؤال شد: «شما چقدر از نظام سیاسی بعد از ۲۰۰۱ در مقایسه با امارت طالبان حمایت می‌کنید؟»<sup>۴۰</sup> حدود 70 درصد مجموع پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با امارت طالبان پشتیبانی می‌کنند. ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند به نحوی از نظم سیاسی پس از بُن ناراضی‌اند و حدود ۹ درصد دیگر گفته‌اند بسیار جدی مخالف نظم سیاسی پس از بُن هستند (جدول ۸).

جدول ۸: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان

درصدی	
۴۰,۳۴	حمایت کامل از نظم سیاسی پس از بن
۲۷,۶	حمایت نسبی از نظم سیاسی پس از بن
۲۰,۵۳	مخالف نسبی نظم سیاسی پس از بن
۹	مخالف کامل با نظم سیاسی پس از بن
۲,۵۳	نظر مشخص نداده‌اند

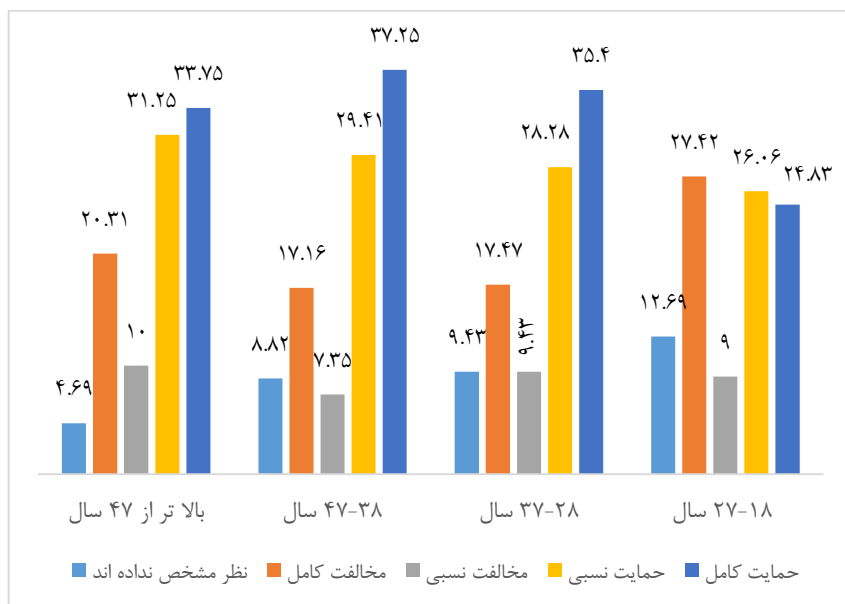
علاوه بر این، وقتی از پاسخ‌دهندگان سؤال شد: «شما درباره قدرت رسیدن طالبان چه احساسی دارید؟»<sup>۴۱</sup> ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که آن‌ها از برگشت طالبان به قدرت سیاسی رضایت ندارند؛ ۱۰ درصد دیگر گفته‌اند که با برگشت آن‌ها به صورت جدی مخالف نیستند و صرف ۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از برگشت طالبان به قدرت به صورت کامل رضایت دارند (جدول ۳۳). به‌رغم حمایت گسترده مردم از نظم سیاسی پس از بُن و مخالفت جدی آن‌ها با برگشت امارت طالبان، پاسخ‌های آن‌ها نظر به خصوصیات جمعیت‌شناختی متفاوت است. سن یکی از مواردی است که پاسخ بر اساس آن متفاوت است. بزرگ‌سالانی که از حاکمیت طالبان تجربه زیسته دارند، بیشتر از

40. Appendix C.

41. Ibid.

جوانانی که در امارت طالبان یا تولد نشده بودند یا کودک بودند، از نظم سیاسی پس از بُن حمایت می‌کنند. بیشتر پاسخ‌دهندگانی که با نظم سیاسی پس از بُن مخالفت کرده‌اند، بین گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال قرار دارند که تجربهٔ زیسته از حکومت طالبان ندارند. حمایت از نظم سیاسی پس از بُن در میان دیگر گروه‌های سنی بیشتر است. ۵۱ درصد از گروه سنی ۱۸ تا ۲۷ سال از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان حمایت می‌کنند و ۴۰ درصد با آن مخالف‌اند. حمایت از نظم سیاسی پس از بُن با بالا رفتن سن بیشتر می‌شود. حمایت از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان در میان گروه سنی بالاتر از ۲۰ سال بیشتر از ۶۰ درصد است. اغلب پاسخ‌دهندگان این گروه سنی در زمان حکومت طالبان در افغانستان زندگی می‌کردند و شماری از آن‌ها در سالی که طالبان سقوط کردند، ۹ سال داشتند (شکل ۱۱).

شکل ۱۱: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان با تفکیک سن



مردان بیشتر از زنان حامی نظام سیاسی پس از بُن هستند. ۶۱ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۵۴ درصد پاسخ‌دهندگان زن از نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ افغانستان در مقایسه با حکومت طالبان حمایت کرده‌اند (شکل ۳۲). از آن جایی که زنان بیشتر از دیگر اقشار جامعه در زمان حکومت طالبان

مورد ستم بودند، میزان کمتر حمایت آن‌ها از نظام سیاسی پس از بُن در نظرسنجی مایهٔ شگفتی است. این امر میتواند عوامل گوناگونی داشته باشد. یکی از این عوامل میتواند نارضایتی بیشتر پاسخ‌دهندگان زن از نظام سیاسی پس از بُن، ناشی از ناتوانی حکومت در مهار خشونت، ختم جنگ و تأمین امنیت است. یافته‌های گزارش‌ها و پژوهش‌ها از مناطق جنگ‌زده نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان قربانی جنگ‌اند.<sup>۴۲</sup> به همین دلیل زنان بیشتر از مردان منتقد طرف‌های درگیر در منازعه هستند. اگر این واقعیت را در نظر بگیریم، نارضایتی پاسخ‌دهندگان زن از نظام سیاسی پس از بُن، معلول ناتوانی حکومت در ختم جنگ و مهار آن است تا هم‌سویی آن‌ها با گروه طالبان.

با آن که تمام پاسخ‌دهندگان با درجات تحصیلی مختلف حمایت‌شان را از نظام سیاسی پس از بُن ابراز کرده‌اند، ۳۴ درصد شرکت‌کنندگانی که با نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان مخالفت کرده‌اند، تحصیلات دانشگاهی دارند و همچنان ۳۸ درصد پاسخ‌دهندگانی که با نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان مخالفت کرده‌اند، تحصیلات مدرسه‌ای دارند. ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان حمایت کرده‌اند، درجات تحصیلی مختلف دارند. مخالفت ۳۴ درصدی تحصیل‌کردگان با نظام سیاسی پس از بُن، بازتاب نارضایتی قشر تحصیل‌کردهٔ جامعه از ناتوانی دولت و ناکامی حکومت در آرایه حکومت‌داری خوب و تأمین امنیت است. این امر همچنین نشان‌دهندهٔ آگاهی بیشتر تحصیل‌کردگان از ناتوانی حکومت و نهادهای دولتی در مقایسه با پاسخ‌دهندگان تحصیل‌نکرده میباشد (شکل ۳۳).

پاسخ‌دهندگان با شغل‌های گوناگون هم جواب‌های متفاوتی به پرسش درباره نظام سیاسی داده‌اند. بیشتر کارگران و کسبه‌کاران، از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان، حمایت کرده‌اند. ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان کارگر و ۵۶ درصد پاسخ‌دهندگان کسبه‌کار گفته‌اند از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان حمایت می‌کنند. بالای ۵۰ درصد دارندگان هر نوع شغل و حرفه گفته‌اند که از نظام سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان حمایت می‌کنند. جالب این است که کمترین میزان حمایت از نظام سیاسی پس از ۲۰۰۱ را شاگردان مکتب/دانشجویان و طرفداران حکومت ابراز کرده‌اند (حدود ۵۲ درصد). همین‌طور، ۳۴ درصد از پاسخ‌دهندگانی که خودشان را شاگرد مکتب/دانشجو و طرفدار حکومت خوانده‌اند، با نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان مخالفت کرده‌اند. جالب‌تر اینکه نظام سیاسی پس از بُن حتی در میان بی‌کاران

---

42. Gardam & Jarvis, "Women and Armed Conflict."



بیشتر از دانشجویان طرفداران مکتب هوادار دارد. تنها ۳۲ درصد پاسخ‌دهندگان بی‌کارند، گفته‌اند که امارت طالبان را به نظام کنونی ترجیح می‌دهند. (شکل ۳۴).

میزان بلند نارضایتی از نظام سیاسی پس از بُن در میان دانشجویان و حتی گروه‌های طرفدار دولت ممکن معلول مرادۀ روزمرۀ آن‌ها با نهادهای حکومتی و سرخوردگی‌شان از ناتوانی حکومت در عرضهٔ خدمات اساسی باشد. این دو قشر، ناکارآمدی حکومت را هر روز در مواجهه با نهادها تجربه می‌کنند. درمقایسه، حمایت بالای کارگران و کسبه‌کاران از نظام سیاسی پس از بُن به احتمال زیاد ناشی از فرصت‌های شغلی است که در دو دهۀ اخیر به میان آمده است. افغانستان زیر سلطۀ طالبان، شاهد فروپاشی اقتصادی بود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در زمان حاکمیت طالبان اقتصاد بسیار ضعیف بود شهرها که بازار کار این دو طبقه اند، قدرت جذب نیروی کار را از دست داده بود.<sup>۴۳</sup> اما با سقوط حکومت طالبان و سرازیر شدن کمک‌های مالی بین‌المللی، فرصت‌های بیشتری در شهرها به وجود آمد.

بالای ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان متعلق به هر گرایش سیاسی به استثنای طرفداران طالب، بی‌طرف‌ها و آن‌هایی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند، از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان حمایت کرده‌اند. ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان که خودشان را چپی می‌خوانند نیز از نظام سیاسی پس از بُن حمایت کرده‌اند. درمقایسه، ۴۴ درصد بی‌طرف‌ها گفته‌اند که از نظم سیاسی پس از بُن حمایت می‌کنند. بی‌طرف‌ها کمترین میزان حمایت از نظام سیاسی پس از بُن را دارند. طبق این یافته‌ها، چپی‌ها بیش‌ترین و بی‌طرف‌ها کمترین میزان حمایت از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان را دارند. ۷۱ درصد پاسخ‌دهندگان که نظام سیاسی پس از بُن را به حکومت طالبان ترجیح نداده‌اند، از افشای هویت‌شان خودداری کرده‌اند. ۴۴ درصد آن‌هایی که گفته‌اند نظام سیاسی پس از بُن را به حکومت طالبان ترجیح نمی‌دهند، خودشان را مجاهد خوانده‌اند. بالای ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان که خودشان را طرفدار طالبان می‌گویند، اظهار داشته‌اند که حکومت طالبان را به نظام سیاسی پس از بُن ترجیح می‌دهند؛ ولی ۴۴ درصد آن‌هایی که خودشان را طرفدار طالبان خوانده‌اند، از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان طرفداری کرده‌اند (شکل ۳۵).

حمایت درصدی قابل توجهی از طرفداران طالبان از حکومت طالبان در مقایسه با نظام سیاسی پس از بُن، عجیب نیست؛ اما مخالفت ۴۸ درصدی مجاهدین با سیستم شگفت‌آور است. در

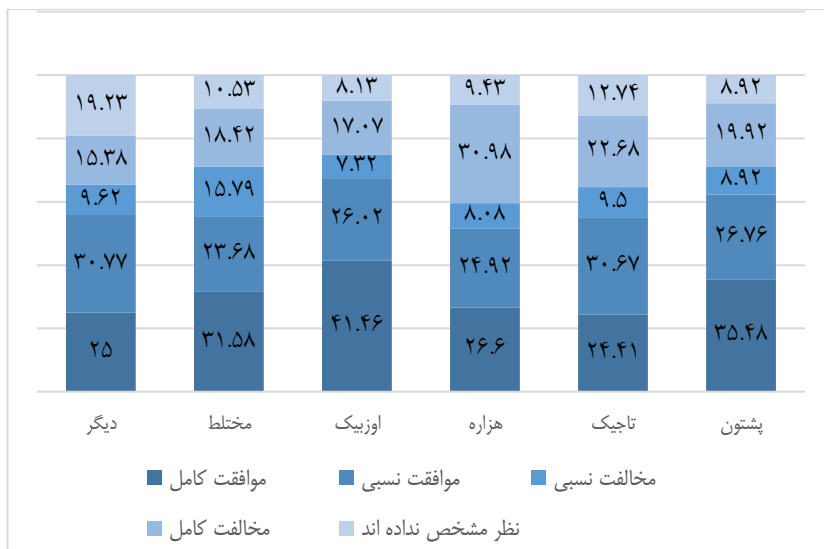
---

43. Ibrahimi, "The Taliban's Islamic Emirate."

حکومت‌های پس از بُن، بیشترین سهم را تنظیم‌های جهادی و رهبران این تنظیم‌ها داشتند. بنابراین، میزان پایان حمایت پاسخ دهندگان مجاهد شاید بازتاب نارضایتی اعضا و طرفداران عادی تنظیم‌های جهادی از رهبران این تنظیم‌ها باشد. اعضای عادی تنظیم‌های جهادی در گفتگو با رسانه‌ها هم رهبران تنظیم‌های جهادی را به انحصار قدرت و منابع کمیاب دیگر و نادیده گرفتن هم‌سنگران سابق‌شان متهم می‌کنند. این نارضایتی می‌تواند نشان‌دهنده سرخوردگی و ناامیدی اعضای عادی تنظیم‌های جهادی از رهبران این تنظیم‌ها باشد.

میزان حمایت از نظام سیاسی پس از بُن با توجه به هویت قومی پاسخ‌دهندگان هم متفاوت است. به طور مثال ۶۷ درصد اوزبیک‌ها و ۶۲ درصد پشتون‌ها گفته‌اند که از نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان، حمایت می‌کنند. بنابراین حمایت از نظام سیاسی پس از بُن در میان اوزبیک‌ها و پشتون‌ها بسیار بالاست. ۵۶ درصد پاسخ‌دهندگان هزاره، ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان تاجیک، ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان دارای هویت قومی ترکیبی و ۵۶ درصد از پاسخ‌دهندگان متعلق به گروه‌های قومی دیگر، از نظام سیاسی بُن در مقایسه با نظام سیاسی طالبان حمایت کرده‌اند. برعکس باورهای رایج، میزان حمایت از امارت طالبان در مقایسه با نظام سیاسی پس از بُن، در میان پشتون‌ها نسبت به اقوام دیگر کم‌رنگ‌تر است. ۲۹ درصد پاسخ‌دهندگان پشتون، ۳۴ درصد پاسخ‌دهندگان هزاره و ۳۲ درصد پاسخ‌دهندگان تاجیک گفته‌اند که نظام سیاسی پس از بُن را به حکومت طالبان ترجیح نمی‌دهند (شکل ۱۲).

شکل ۱۲: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان با تفکیک قومیت



پس از پشتون‌ها، اوزبیک‌ها با ۲۴ درصد و پاسخ‌دهندگان متعلق به گروه‌های قومی دیگر ۲۵ درصد، مخالفت‌شان را با نظام سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان اعلام کرده‌اند. یافته‌های این نظرسنجی برخلاف تصور عمومی است که بر مبنای آن طالبان پایگاه حمایت گسترده در ولایت‌های پشتون‌نشین دارند و دارای کمترین میزان حمایت مردمی در میان غیرپشتون‌ها هستند. همین‌طور، درصدی بالای مخالفت هزاره‌ها با نظام سیاسی پس از بُن به احتمال زیاد ناشی از تصور آن‌ها در مورد برجسته‌بودن عنصر تبعیض در پالیسی‌سازی حکومت و نارضایتی آن‌ها از برخی از تصمیم‌رییس‌جمهور برحال (محمدآشرف غنی) است.<sup>۴۴</sup> به طور مثال تصمیم رییس‌جمهور غنی در سال ۲۰۱۶ برای تغییر مسیر برق وارداتی از ترکمنستان که بر مبنای برنامه‌ریزی قبلی باید از مناطق هزاره‌نشین می‌گذشت، موجب نارضایتی گسترده جامعه هزاره از او شد. بنابراین، درصدی بالای مخالفت هزاره‌ها با نظام سیاسی پس از بُن، می‌تواند بازتاب همین نارضایتی گسترده باشد.<sup>۴۵</sup> از این رو، این مورد نمی‌تواند به معنای هم‌سویی درصدی بالای هزاره‌ها با امارت طالبان تعبیر شود.

44. Saeedi, "Ghani's Missed Opportunity;" Chiovena, "The Illumination of Marginality."

45. Ibid. & "Hazara People March on Kabul."

نظرات شرکت‌کنندگان با توجه به محل زندگی آن‌ها متفاوت است. بیشتر از ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان ۲۰ ولایت افغانستان گفته‌اند که از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با حکومت طالبان حمایت می‌کنند. بالای ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان کابل، هرات، سرپل، پروان و کنر گفته‌اند که از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان حمایت می‌کنند. نظم سیاسی پس از بُن در این ولایات بیشترین حامی را دارد. ۵۰ تا ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایات لوگر، وردک و پکتیکا از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با امارت طالبان ابراز حمایت کرده‌اند. اما در ولایات خوست، ارزگان، فراه و جوزجان میزان حمایت از نظم سیاسی پس از بُن در مقایسه با امارت طالبان به زیر پنجاه ۵۰ درصد تقلیل یافته است. بین ۳۰ تا ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان این ولایات نظم سیاسی پس از بُن را به حکومت طالبان ترجیح نداده‌اند. ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت بغلان و ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت زابل، مخالف نظم سیاسی پس از بن هستند (جدول ۹).

به‌رغم مخالفت گسترده با نظام سیاسی پس از بُن در چند ولایت محدود، میزان حمایت از این شیوه حکومتداری در تمام گوشه و کنار کشور، قابل ملاحظه است. همچنان، یافته‌های این نظرسنجی برخلاف تصور عمومی است که بر مبنای آن نظام سیاسی پس از بُن کمترین حامی را در جنوب و شرق افغانستان دارد. بر مبنای همین تصور در شرق و جنوب، طالبان بیشترین میزان حمایت مردمی را دارند و در مناطق دیگر کمترین حمایت را. یافته‌های نظرسنجی این تصور عمومی را زیر سؤال می‌برد. بر مبنای این نظرسنجی بالاتر از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان در ولایت شرقی کنر از نظام سیاسی پس از بُن حمایت می‌کنند؛ ولی میزان حمایت از نظام سیاسی پس از بُن در ولایت شمالی جوزجان زیر ۵۰ درصد است. حمایت از نظام سیاسی پس از بُن در ولایت کنر به احتمال زیاد ریشه در موشک‌باران بخش‌هایی از این ولایت توسط ارتش پاکستان دارد. طالبان متحد پاکستان شناخته می‌شوند و شاید به همین دلیل است که در این ولایت امارت طالبان از کمترین میزان حمایت برخوردار است. اما مخالفت با نظام سیاسی پس از بُن در ولایت جوزجان شاید ریشه در انزوای سیاسی جنرال عبدالرشید دوستم داشته باشد. رییس‌جمهور غنی انزوای سیاسی را به جنرال دوستم رهبر جنبش ملی (معاون اول رییس‌جمهور) تحمیل کرد. جوزجان زادگاه و ساحهٔ نفوذ جنرال دوستم است (جدول ۹).

جدول ۹: میزان حمایت یا مخالفت با نظم سیاسی پس از ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان به تفکیک ولایت

ولایت	حمایت کامل	حمایت نسبی	مخالفت نسبی	مخالفت کامل	نظر مشخص نداده‌اند
کابل	۶۸,۶۷	۱۶	۸	۵	۲,۳۳
هرات	۶۷,۷۸	۱۸,۸۹	۱۰,۲۲	۲	۱,۱۱
بلخ	۶۰	۱۳,۳۳	۶,۶۷	۱۵	۵
کندهار	۴۰	۱۱,۶	۱۰	۳۶,۷	۱,۷
ننګرهار	۵۶,۳۳	۲۱,۶	۱,۶۷	۵,۶۶	۱۴,۶۷
بدخشان	۵۲,۳۳	۲۳,۳۳	۸,۶۷	۸	۷,۶۷
فاریاب	۷۵	۱۰	۷	۳,۵	۴,۵
غزنی	۵۷,۶۷	۱۵	۶,۹۸	۱۶,۶۵	۳,۷
هلمند	۳۳	۷,۶۷	۴	۴۰,۳۳	۱۵
بادغیس	۳۰	۴۶,۶۷	۳,۳۳	۱۶,۶۷	۳,۳۳
بغلان	۱۰	۱۱,۶۷	۱۱,۶۷	۶۰	۶,۶۷
بامیان	۷۹,۲	۴,۶۴	۹,۵۶	۴	۲,۶
دایکندی	۷۱,۳۳	۱۰	۶,۶۷	۸	٪۴
فراه	۲۰	۲۶,۶۷	۱۶,۶۷	۲۰	۱۶,۶۷
غور	۵۲	۱۳,۳۳	۲۲,۳۳	۴,۶۷	۷,۶۷
جوزجان	۲۶,۶۷	۲۰	۱۰	۲۶,۶۷	۱۶,۶۶
کاپیسا	۲۶,۶۴	۴۳,۳۳	۳,۳	۶,۵۲	۲۰,۲
خوست	۱۶,۶۷	۱۶,۶۷	۱۳,۳۳	۳۳,۳۳	۲۰
کنډز	۵۰	۱۴	۱۶,۶۷	۱۲,۶۶	۶,۶۷
کنر	۳۳,۳۳	۵۰,۶۷	۳,۳۳	۶	۶,۶۷
لغمان	۵۶,۶۷	۱۳,۳۳	۱۰	۳,۳۳	۱۶,۶۷
لوګر	۲۱,۳	۳۴	۳۳,۲	۸	۳,۵
وردک	۲۰	۳۶,۶۷	۶,۶۷	۲۶,۶۷	۱۰
نیمروز	۳۴	۴۸,۶۷	۱۰	۳,۳۳	۴
نورستان	۴۰	۳۳,۳۳	۶,۶۷	۳,۳۳	۱۶,۶۷
پکتیا	۲۳,۳۳	۴۶,۶۷	۳,۳۳	۶,۶۷	۲۰
پکتیکا	۳۷,۶۷	۱۴	۱۰,۳۳	۳۰	۸

۱۲	۱۱,۳۳	۶,۶۷	۱۰	۶۰	پنجشیر
۴,۳۳	۱۶,۶۷	۱۰	۳۳,۳۳	۵۵,۶۷	پروان
۸	۱۰	۱,۳۳	۲۰,۶۷	۶۰	سمنگان
۳,۳۳	۵,۳۴	۸	۵۳,۳۳	۳۰	سرپل
۹,۶۷	۲۶,۶۷	۱۰	۳۵	۱۸,۶۶	تخار
۱۳,۳۳	۲۶,۶۷	۲۶,۶۷	۱۳,۳۳	۲۰	ارزگان
۱۶,۶۶	۴۳,۶۷	۱۳	۱۶,۶۷	۱۰	زابل

با آن که بیشتر پاسخ‌دهندگان با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متفاوت، نظم سیاسی پس از بن را به امارت طالبان ترجیح داده‌اند، اما شمار زیادی از آن‌ها به قابلیت‌ها و توانایی‌های حکومت در تأمین امنیت و اجرای عدالت شک دارند و از آن ناراضی‌اند. اما به‌رغم نارضایتی گسترده از ناتوانی حکومت در تأمین امنیت، شمار قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان در مورد شیوه عرضه خدمات اولیه از سوی حکومت به نحوی ابراز رضایت کرده‌اند.

۵۴ درصد پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی گفته‌اند که حکومت در تأمین امنیت ناتوان است؛ ۳۸ درصد دیگر به نحوی از خدمات امنیتی حکومت ابراز رضایت کرده‌اند. صرف ۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از حکومت بابت تأمین امنیت رضایت کامل دارند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰: میزان رضایت از تأمین امنیت توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱

درصدی	
۶,۳۳	رضایت کامل
۳۷,۹۳	رضایت نسبی
۲۳,۸۷	نارضایتی نسبی
۳۰,۳۳	نارضایتی کامل
۱,۵۳	نظر مشخص نداده‌اند

نارضایتی از ناتوانی حکومت در تأمین امنیت بر اساس این نظرسنجی بسیار گسترده است. این امر بازتاب واقعیت‌های عینی است. حکومت در مهار شورش‌گری، حمله‌های تروریستی، ختم جنگ و مبارزه با جرایم جنایی دستاورد قابل توجهی ندارد.<sup>۴۶</sup> نارضایتی از ناتوانی در تأمین امنیت بازتاب رنجی

46. SIGAR, Quarterly Report (30 October 2019); Tanzeem, "Taliban Attacks."

است که شهروندان افغانستان از ناامنی تجربه می کنند.

اما برخلاف نارضایتی از ناتوانی حکومت در تأمین امنیت، بیشتر شرکت کنندگان از خدمات رسانی حکومت در عرصه های دیگر ابراز رضایت نسبی کرده اند. ۵۶ درصد پاسخ دهندگان گفته اند که از خدمات رسانی حکومت در عرصه های غیر از امنیت، تا حدودی رضایت دارند. ۱۳ درصد دیگر گفته اند که از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به استثنای امنیت رضایت کامل دارند. رضایت نسبی از حکومت در عرضه خدمات اساسی هم مایه شگفتی است. این مورد را با توضیح خصوصیات جمعیت شناختی پاسخ دهندگان بیشتر توضیح می دهیم (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱

درصدی	
۱۳,۴۷	رضایت کامل
۵۶,۲	رضایت نسبی
۱۴,۲۷	نارضایتی نسبی
۱۳,۰۷	نارضایتی کامل
۲,۹۳	نظر مشخص نداده اند

مردان و جوانان بیشتر از بزرگسالان و زنان، از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت رضایت دارند (شکل های ۳۷ و ۳۸). همچنین پاسخ های شرکت کنندگان با در نظر داشت گرایش سیاسی، هویت قومی، میزان تحصیلات، محل زندگی و متغیرهای دیگر در مورد عرضه خدمات اساسی توسط حکومت، متفاوت است. پاسخ دهندگان پشتون و شرکت کنندگان متعلق به اقوام کوچک و از نظر سیاسی بی اهمیت، بیشتر از دیگر اقوام از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت ابراز رضایت کرده اند. ۸۰ درصد پاسخ دهندگان متعلق به اقوام کوچک، ۷۲ درصد پاسخ دهندگان پشتون، ۶۹ درصد پاسخ دهندگان هزاره، ۶۶ درصد پاسخ دهندگان تاجیک، ۶۶ درصد پاسخ دهندگان اوزبیک و ۵۰ درصد پاسخ دهندگان چندفرهنگی/ دارای هویت قومی ترکیبی، از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به نحوی ابراز رضایت کرده اند (شکل ۳۹). ۷۰ درصد تحصیل کردگان و ۶۱,۵ درصد بی سوادان هم از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان ابراز رضایت کرده اند. این نشان می دهد که میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی از سوی حکومت به شهروندان با درجه تحصیل پاسخ دهندگان نسبت مستقیم دارد. با افزایش میزان تحصیلات میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی هم بیشتر می شود. اما بیشتر آن هایی

که تحصیلات مدرسه‌ای دارند از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان ابراز نارضایتی کرده‌اند. رضایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان در میان آن‌هایی که تحصیلات مدرسه‌ای دارند، بسیار کم است. ۷۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت ابراز نارضایتی کرده‌اند. ۲۴ درصد آن‌ها گفته‌اند که از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان رضایت دارند (شکل ۴۰).

۷۰ درصد کارمندان دستگاه دولت و بخش خصوصی، کارگران و کسبه‌کاران گفته‌اند که از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان رضایت دارند. میزان رضایت دانشجویان و شاگردان مکتب از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان ۶۸ درصد است. از نظر گرایش سیاسی هم پاسخ‌ها متفاوت است (شکل ۴۱). ۶۰ تا ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را طرفدار حکومت، ناسیونالیست و ناسیونالیست قومی خوانده‌اند، به صورت نسبی از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان ابراز رضایت کرده‌اند. ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان با گرایش چپ، ۶۱ درصد پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان و ۴۱٫۵ درصد آن‌هایی که خودشان را مجاهد خوانده‌اند، از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به صورت نسبی ابراز نارضایتی کرده‌اند. ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان دارای گرایش چپ و ۳۹ درصد پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت به شهروندان به صورت کامل ابراز نارضایتی کرده‌اند و گفته‌اند که از این بابت هیچ رضایت ندارند (شکل ۴۲).

از نظر ولایت، پکتیکا بیشتر میزان رضایت از حکومت از بابت عرضه خدمات اساسی را دارد. ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت پکتیکا گفته‌اند از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت رضایت دارند. ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت‌های نیمروز، نورستان، لوگر، زابل، بامیان و دایکندی گفته‌اند که از عرضه خدمات توسط حکومت راضی‌اند. به استثنای بغلان و غور، بالای ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان هر ولایت گفته‌اند از خدمات‌رسانی حکومت راضی هستند (شکل‌های ۴۳ و ۴۴).

این نظرسنجی میان میزان رضایت از حکومت در عرضه خدمات اساسی با حمایت پاسخ‌دهندگان از نظم سیاسی پس از بُن، ربط منطقی‌ای نیافت. به‌رغم این که ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت زابل با نظم سیاسی پس از بُن افغانستان مخالفت کرده‌اند، اما ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان همین ولایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت راضی‌اند. به همین دلیل است که میزان رضایت مردم از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت، باید با عوامل دیگری توضیح داده شود.

در این تحقیق نظام سیاسی مطلوب پاسخ‌دهندگان را با دیدگاه آن‌ها در مورد نظام سیاسی مدنظر



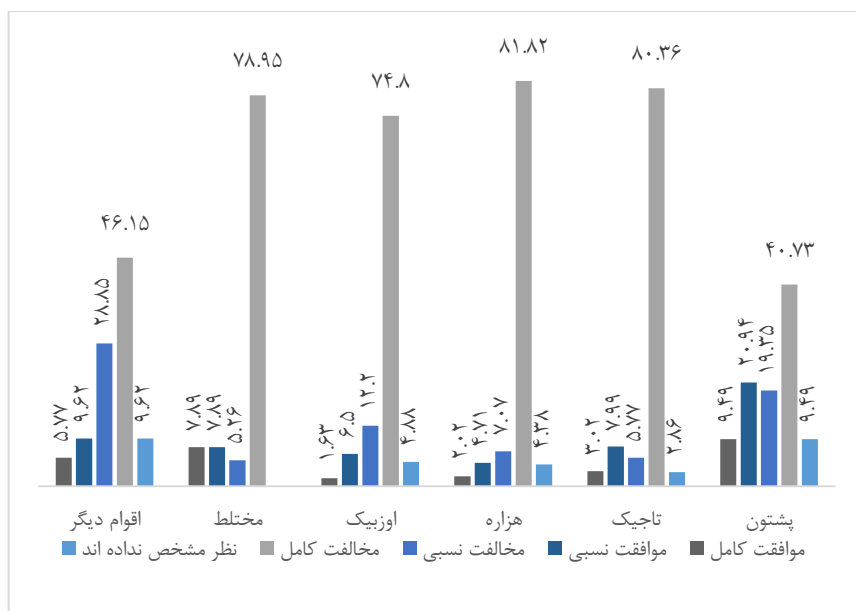
گروه طالبان مقایسه کرده‌ایم. در مورد نظام مطلوب، دیدگاه‌های مردم متفاوت است، اما ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که با نظام مدنظر طالبان برای افغانستان مخالف‌اند.<sup>۴۷</sup> صرف ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که امارت اسلامی طالبان برای آن‌ها نظام مطلوب است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی برای افغانستان

درصدی	
۵,۲	موافقت کامل
۱۰,۰۷	موافقت نسبی
۱۵,۲	مخالفت نسبی
۶۱,۸۷	مخالفت کامل
۷,۶۷	پاسخ نداده‌اند

زنان بیشتر از مردان با حکومت سبک طالبانی برای افغانستان مخالف‌اند. ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان زن و ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان مرد گفته‌اند که حکومت طالبانی را برای افغانستان نمی‌خواهند (شکل ۴۵). ۸۲ درصد پاسخ‌دهندگان هزاره، ۸۰ درصد شرکت‌کنندگان تاجیک، ۷۹ درصد پاسخ‌دهندگان دارای هویت قومی چندلایه/ چندفرهنگی و ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان اوزبیک با حکومت طالبانی برای افغانستان مخالفت‌شان را ابراز کرده‌اند. اما ۴۱ درصد پاسخ‌دهندگان پشتون و ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان متعلق به اقوام کوچک و از نظر سیاسی کم‌اهمیت گفته‌اند که یک حکومت طالبانی برای افغانستان نمی‌خواهند. ۸ درصد پاسخ‌دهندگان هزاره و ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان اوزبیک گفته‌اند که با حکومت به سبک طالبان برای افغانستان موافق‌اند. این آمار نشان می‌دهد که حکومت طالبانی برای افغانستان در میان اقوام هزاره و اوزبیک کمترین طرف‌دار را دارد. ولی ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان پشتون، ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان تاجیک، ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای هویت قومی چندلایه/ چندفرهنگی و ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان متعلق به اقوام کوچک، به نحوی با یک حکومت به سبک طالبان برای افغانستان ابراز موافقت کرده‌اند (شکل ۱۳).

شکل ۱۳: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی برای افغانستان با تفکیک قومیت



یافته‌های این نظرسنجی در مورد میزان حمایت مردم از نظام سیاسی پس از بن در مقایسه با امارت طالبانی و دیدگاه‌های پاسخ‌دهندگان در مورد نظام طالبانی نشان می‌دهد که نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱، دارای حمایت مردمی گسترده در تمام گوشه و کنار افغانستان است. به‌رغم نارضایتی گسترده مردم از ناکارآمدی حکومت و ناتوانی آن در تأمین امنیت، اکثریت شرکت‌کنندگان این نظرسنجی از تداوم نظم سیاسی موجود در افغانستان پسانمازعه حمایت کرده‌اند. یافته‌های این نظرسنجی هم‌چنین نشان می‌دهد که امارت اسلامی طالبان و حکومت سبک طالبانی، حمایت مردمی گسترده در افغانستان ندارد. بر مبنای یافته‌های این نظرسنجی، میزان حمایت از نظم سیاسی موجود در افغانستان بین ۷۰ تا ۹۰ درصد و میزان حمایت از طالبان و حکومت سبک طالبانی در بالاترین حد آن، بیشتر از ۱۵ تا ۳۰ درصد نیست. در همین نظرسنجی دریافتیم که شرکت‌شورشیان در انتخابات الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ برای مردم است. علاوه بر آن، مردم خواستار تداوم نظم سیاسی پس از آن هستند که اساس آن بر انتخابات و مشارکت سیاسی استوار باشد. در ادامه، دیدگاه‌های مردم را در مورد مکانیسم انتخاب حکومت‌کنندگان و میزان باز و بسته بودن نظام سیاسی می‌آوریم.

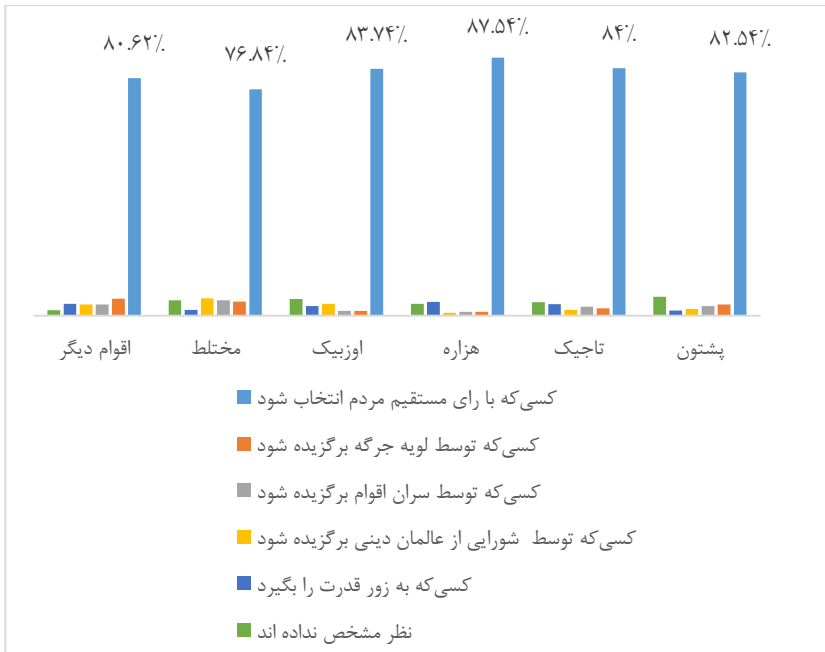
## دیدگاه‌های مردم در مورد روش انتخاب حکومت‌کنندگان

تشخیص گروه‌هایی که حاکمان سیاسی به آن تعلق دارند و چگونگی شکل‌گیری مکانیسم‌گزینش آن‌ها، اساس و مشخصات یک نظام سیاسی را تعیین می‌کند. از طریق درک دیدگاه‌های مردم در مورد توانایی‌های حاکمان به‌خصوص رییس دولت و شیوه‌های گزینش آن‌ها، درمی‌یابیم که میزان حمایت یا مخالفت عمومی با نوع خاصی از نظام سیاسی در یک جامعه چقدر است. در این تحقیق از مردم پرسیده شده است که کدام شیوه برای گزینش حاکمان سیاسی را می‌پسندند؟ آیا حکومت‌کنندگان باید از طریق انتخابات و رأی عمومی برگزیده شوند یا توسط روش‌های تجویز شده در فرهنگ سنتی، خوانش سنتی از دین، عرف قومی یا قاعده زور؟ در تاریخ افغانستان مواردی بوده است که وقتی موضوع جانشینی یک پادشاه اختلافی شده است، جرگه‌های محلی و بزرگ برای تعیین پادشاه و رییس دولت تشکیل شده است. همچنان همایش‌ها در مواردی تصمیم گرفته‌اند که حاکم کشور باشد. مثلاً در سال ۱۹۹۴ همایشی از عالمان دینی ملامحمد عمر را به عنوان امیرالمؤمنین و رییس دولت افغانستان برگزید. استفاده زور نیز قاعده رایج کسب قدرت در کشور بوده و در افغانستان مدرن از طریق کودتاهای نظامی و شورش‌ها تبارز یافته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت قاطع شرکت‌کنندگان برگزاری انتخابات سراسری را برای گزینش حاکمان کشور ترجیح می‌دهند و از آن حمایت می‌کنند.<sup>۴۸</sup> ۸۴ درصد شرکت‌کنندگان گفته‌اند که رییس‌جمهور باید با رأی مستقیم مردم در یک انتخابات سراسری انتخاب شود. ۲،۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که رییس‌جمهور باید از طریق لویه جرگه برگزیده شود. ۲،۶ درصد گفته‌اند که رییس‌جمهور را باید سران اقوام در یک جرگه انتخاب کنند. ۲،۶ درصد دیگر هم گفته‌اند که عالمان دینی باید رییس‌جمهور را انتخاب کنند. این آمار نشان می‌دهد که اکثریت قاطع مردم خواستار انتخاب رییس‌جمهور در یک انتخابات سیاسی هستند. به‌رغم تاریخ سیاسی خون‌بار افغانستان که در آن افراد و گروه‌ها از طریق کودتا، کشتار و شورش‌های مسلحانه قدرت را به دست می‌گرفتند، هنوز ۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند رییس‌جمهور یا رییس دولت باید به زور قدرت را کسب کند. با وجود این، یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که قاعده زور و روش‌های سنتی برای کسب قدرت، دیگر در میان مردم افغانستان طرف‌دار ندارد (جدول ۱۳).

درصدی	
۸۳,۸۷	کسی که با رأی مستقیم مردم انتخاب شود
۲,۸	کسی که از طرف لویه‌جرگه انتخاب شود
۲,۶	کسی که از طرف بزرگان قومی انتخاب شود
۲,۶	کسی که از طرف شورایی از عالمان دینی انتخاب شود
۵,۱۳	کسی که به زور قدرت را بگیرد
۳	پاسخ نداده‌اند

۸۶ درصد مردان و ۸۲ درصد زنان گفته‌اند که رییس‌جمهور باید در یک انتخابات عمومی با رأی مستقیم مردم انتخاب شود (شکل ۲۶). میزان حمایت از برگزاری انتخابات عمومی در میان تمام هویت‌های قومی یک‌سان است. ۸۷ درصد هزاره‌ها، ۸۴ درصد اوزبیک‌ها و تاجیک‌ها و ۸۲ درصد پاسخ‌دهندگان پشتون گفته‌اند که رییس‌جمهور باید با رأی مستقیم مردم در یک انتخابات سراسری، سری و رقابتی برگزیده شود. در تمام گروه‌های قومی میزان حمایت از انتخاب رییس دولت توسط بزرگان قومی، شورای عالمان دینی، لویه‌جرگه و تسخیر قدرت با استفاده از زور، از ۶ درصد تجاوز نمی‌کند (شکل ۱۴).

شکل ۱۴: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک قومیت



همان طوری که انتظار می‌رفت، بین درجه تحصیل پاسخ‌دهندگان و حمایت آن‌ها از انتخاب رییس‌جمهور با رأی مستقیم شهروندان در یک انتخابات سراسری تناسب مستقیم وجود دارد. با افزایش درجه تحصیل، میزان حمایت از انتخاب رییس‌جمهور توسط انتخابات عمومی نیز افزایش می‌یابد. ۸۶ درصد پاسخ‌دهندگانی که گفته‌اند رییس‌جمهور باید در یک انتخابات عمومی با رأی مستقیم مردم برگزیده شود، تحصیلات دانشگاهی دارند و ۷۶ درصد تحصیلات ابتدایی. حتی میزان حمایت از انتخاب رییس‌جمهور در یک انتخابات عمومی در میان پاسخ‌دهندگانی که تحصیلات مدرسه‌ای دارند نیز قابل توجه است. ۶۶ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای گفته‌اند که از انتخاب رییس‌جمهور در یک انتخابات عمومی با رأی مستقیم مردم حمایت می‌کنند. صرف ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای گفتند که رییس‌جمهور باید توسط یک مجموعه از عالمان دینی تعیین شود (شکل ۴۹). میزان کم حمایت از انتخاب رییس‌جمهور توسط عالمان دینی در میان پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای نشان‌دهنده آن است که برگزاری انتخابات عمومی به عنوان مکانیسم انتقال قدرت در دو دهه اخیر در جامعه افغانستان جا باز کرده و بر شیوه‌های سنتی

در افکار عامه چیره شده است.

بیشتر از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان هر گرایش سیاسی به استثنای طرفداران طالبان، از برگزاری انتخابات عمومی برای انتخاب رییس‌جمهور حمایت کرده‌اند. ۸۸ درصد حامیان دولت، ۸۶ درصد ناسیونالیست‌ها، ۸۵ درصد آن‌هایی که گرایش سیاسی خود را ننوشته‌اند، و ۸۲ درصد پاسخ ناسیونالیست‌های قومی گفته‌اند که رییس‌جمهور باید در یک انتخابات سراسری و با رأی مستقیم مردم انتخاب شود. ۷۱ درصد پاسخ‌دهندگانی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند، با ۷۰ درصد بی‌طرف‌ها و ۶۵ درصد چپی‌ها گفته‌اند که برگزاری انتخابات عمومی برای گزینش رییس‌جمهور را بر دیگر شیوه‌های انتخاب زعیم ترجیح می‌دهند. صرف ۱۱ درصد از پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان گفته‌اند که رییس‌جمهور باید در یک انتخابات عمومی برگزیده شود. ۳۸ درصد از پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان گفته‌اند که شورایی از عالمان دینی باید رییس‌جمهور را تعیین کند. ۲۲ درصد آن‌ها گفته‌اند که بزرگان قومی باید رییس‌جمهور را انتخاب کنند. ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان چپ و ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگانی که خودشان را مجاهد می‌خوانند نیز گفته‌اند که رییس‌جمهور باید توسط بزرگان اقوام انتخاب شود. ۱۰ دیگر از پاسخ‌دهندگان با گرایش چپی گفته‌اند که دوست دارند رییس‌جمهور در یک لویه‌جرگه انتخاب شود (جدول ۱۴).

نظر مشخص نداده	بی‌طرف	قوم‌گرا	ملی‌گرا	چپی	طرف‌دار طالب	مجاهد	طرف‌دار حکومت	
۸۵,۷۱	۷۱,۷۹	۸۲,۷۹	۸۶,۴۱	۶۵	۱۱,۱۱	۷۰,۸۳	۸۷,۷۷	کسی که با رأی مستقیم مردم انتخاب شود
۰	۲,۵۶	۲,۷۹	۱,۹۴	۱۰,۶	۵,۵۶	۴,۱۷	۲,۷۹	کسی که توسط لویه‌جرگه برگزیده شود
۰	۵,۱۳	۱,۸	۴,۸۵	۱۲	۲۲,۲۱	۱۱,۱۱	۱,۷	کسی که توسط سران اقوام برگزیده شود
۱۴,۲۹	۲,۵۶	۲,۳	۵,۸۳	۵,۳۵	۳۸,۸۹	۴,۱۷	۱,۵۵	کسی که توسط شورایی از عالمان دینی برگزیده شود
۰	۱۰,۲۶	۳,۷۷	۰,۹۷	۵	۵,۵۶	۶,۹۴	۱,۷	کسی که به زور قدرت را بگیرد
۰	۷,۷	۶,۵۶	۰	۱,۶	۱۶,۶۷	۲,۷۸	۴,۴۹	نظر مشخص نداده‌اند

میزان حمایت از انتخابات عمومی برای گزینش رییس‌جمهور در تمام ولایات بالا است. اکثریت پاسخ‌دهندگان ۲۵ ولایت گفته‌اند که رییس‌جمهور باید در یک انتخابات عمومی و با رأی مستقیم مردم انتخاب شود. در دیگر ولایات هم به استثنای کتر میزان حمایت از انتخابات عمومی برای گزینش رییس‌جمهور بالای ۵۰ درصد است. بالای ۹۰ درصد پاسخ‌دهندگان کابل، هرات، بلخ، بامیان دایکندی، غور، فراه و بادغیس گفته‌اند که برای گزینش رییس‌جمهور باید انتخابات عمومی برگزار شود. میزان حمایت از یک رییس‌جمهور منتخب در ولایات کاپیسا، پکتیا، پکتیکا، ارزگان و زابل بین ۵۵ تا ۶۵ درصد است. ولی در کتر ۳۰ درصد پاسخ‌دهندگان از برگزاری انتخابات عمومی برای گزینش رییس‌جمهور حمایت کرده‌اند و ۱۰ درصد دیگر گفته‌اند که لویه‌جرگه باید رییس‌جمهور را برگزیند. ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت کتر گفته‌اند که در مورد مکانیسم انتخاب رییس‌جمهور نظری ندارند.

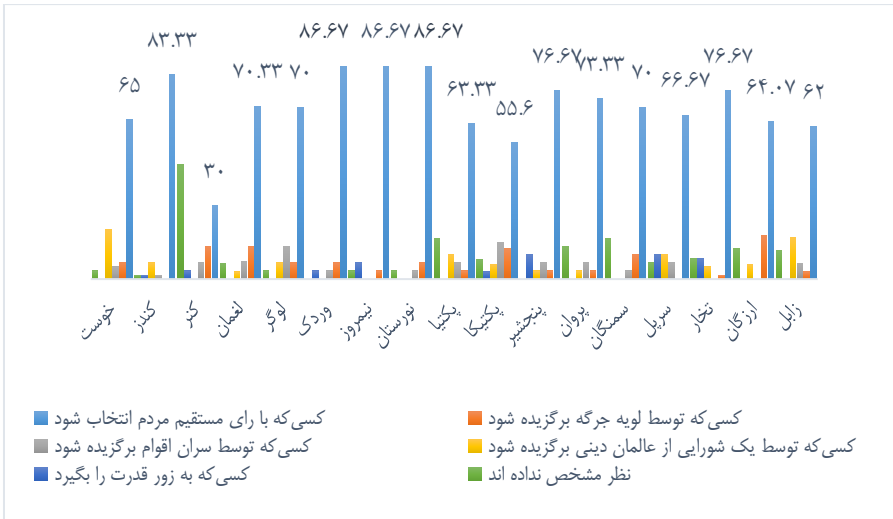
بین ۱۰ تا ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایات پکتیکا، لغمان، کاپیسا، ارزگان و سمنگان نیز از برگزاری لویه‌جرگه برای انتخاب رییس‌جمهور حمایت کرده‌اند. ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان سرپل، زابل، خوست، پکتیکا و کندهار گفته‌اند که عالمان دینی باید رییس‌جمهور را تعیین کنند. ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان لوگر و پکتیا هم از گزینش رییس‌جمهور توسط بزرگان قومی حمایت کرده‌اند (شکل‌های ۱۵ و ۱۶).

شکل ۱۵: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایات





شکل ۱۶: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایات



یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دموکراسی انتخاباتی در افغانستان از حمایت سرتاسری برخوردار است. آمار این نظرسنجی نشان می‌دهد که شیوه‌های سنتی و قدیمی انتخاب زعیم در افغانستان حمایت چندانی ندارد و میزان حمایت از این شیوه‌ها برای انتخاب زعیم در اکثر موارد کمتر از ۱۰ درصد است.

## نظرات مردم در مورد حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی

در کنار انتخابات به عنوان مکانیسم مشروع انتقال قدرت، در یک دموکراسی رشته ای قواعد و قوانینی وجود دارد که قدرت دولت را به سود حقوق شهروندان محدود و آزادی‌های سیاسی و مدنی شهروندان را تضمین می‌کند.<sup>۴۹</sup> نظرات مردم در مورد این رشته حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی در این بخش بررسی شده است. در این زمینه پرسش‌هایی در باره آزادی بیان، آزادی تشکیل اجتماعات، حقوق و آزادی‌های زنان، برابری اجتماعی، حساب‌دهی حکومت و میزان مشروع کنترل دولت از اشتراک‌کننده گان پرسیده شده است.<sup>۵۰</sup> یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت قاطع مردم نظام سیاسی‌ای را که در آن حقوق و آزادی‌های سیاسی و مدنی شهروندان احترام شود، حکومت برای شهروندان حساب‌ده باشد، به کثرت فرهنگی و اجتماعی حرمت گذاشته شود و نمایندگان مردم حاکمیت ملی را تمثیل کنند ترجیح می‌دهند. با وجود این، یافته‌های این تحقیق همزمان نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان با کنترل دولت بر فعالیت‌های روزانه‌شان موافق هستند. موافقت پاسخ‌دهندگان با کنترل دولت بر فعالیت‌های روزانه شهروندان، با نظرات مردم در مورد سایر جنبه‌های نظام سیاسی سازگاری ندارد و به همین دلیل در این جا به بحث بیشتر نیاز است.

حدود ۶۵ درصد از مجموع شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که با کنترل حکومت بر فعالیت‌های روزانه‌شان موافق‌اند و صرف ۳۳ درصد گفته‌اند که با آن مخالف‌اند (جدول ۲۴). موافقت پاسخ‌دهندگان با اصل کنترل دولت بر فعالیت‌های روزانه آن‌ها این انتباه را به وجود می‌آورد که اکثریت آن‌ها خواستار نظام سیاسی استبدادی اند. در نظم سیاسی استبدادی حکومت بر تمام فعالیت‌های روزمره و زندگی عادی شهروندان کنترل و نظارت جدی اعمال می‌کند. اما نظرات مردم در مورد دیگر جنبه‌های نظام سیاسی این انتباه را به چالش می‌کشد. به نظر می‌رسد که کلی‌بودن سؤال و گنگ‌بودن مفهوم «کنترل» سبب شده است که بیشتر پاسخ‌دهندگان معانی گوناگونی از آن تعبیر کنند و بر اساس آن پاسخ دهند. شاید بسیاری‌ها از مفهوم «کنترل» این طور برداشت کرده باشند که منظور از آن قدرت دولت و قابلیت‌های آن در تأمین امنیت و مدیریت امور اجتماعی است. افغانستان در دهه ۹۰ میلادی دچار هرج و مرج شد که در این دوره بسیاری از مناطق آن به قلمرو

---

49. Cheibub et al. Democracy and dictatorship Revisited; Dahl, Polyarchy; Dahl, On Democracy; Geddes, Wright. & Frantz, "Authoritarian Regimes Code Book;" Luhrmann, et al., "Regimes of the World (RoW);" Wahman et al., "Authoritarian Regime Types Revisited."

50. Appendix C.

بدون دولت می‌ماند. مردم افغانستان درد و رنج فراوانی از این ناحیه دیده‌اند. به همین دلیل است که میزان حمایت از یک دولت مقتدر در افغانستان بسیار بالاست. مردم در صحبت با رسانه‌ها هم می‌گویند که آن‌ها آرزو دارند یک دولت مقتدر که توانایی قابل ملاحظه در اعمال نظم و قانون داشته باشد، در کشورشان به وجود بیاید. صحبت‌های مردم با رسانه‌ها و حرف‌های آن‌ها در مورد لزوم وجود یک دولت مقتدر، پشتوانه تجربی برای این تحلیل به دست می‌دهد. پاسخ‌های مردم به سؤالات دیگر این تحقیق هم نشان‌دهنده آن است که مردم از مفهوم «کنترول» اقتدار دولت در تأمین نظم و قانون را برداشت کرده‌اند.

در همین چارچوب، ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که آن‌ها مخالف وجود پولیس مذهبی / شبیه نیروی امر به معروف و نهی از منکر طالبان، در کشورشان هستند. این ۷۲ درصد گفتند که نمی‌خواهند حکومت کنترول مذهبی بر آن‌ها اعمال کند. ۵۷ درصد دیگر هم گفته‌اند که مخالف جدی حضور پولیس مذهبی در فضای عمومی هستند. ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان حمایت کامل خود را از وجود پولیس مذهبی ابراز کردند و ۱۵ درصد دیگر هم به صورت قسمی به آن موافق بودند (جدول ۱۵).

جدول ۱۵: میزان مخالفت و موافقت با وجود پولیس مذهبی / شبیه امر به معروف و نهی از منکر طالبان

درصدی	
۱۰.۱۱	موافقت کامل
۱۵.۶	موافقت نسبی
۱۵.۱	مخالفت نسبی
۵۷.۳۹	مخالفت کامل
۱.۸	پاسخ نداده‌اند

پولیس مذهبی یکی از نهادهای مهم در یک حاکمیت جبار مذهبی است که به وسیله آن زندگی مردم را کنترل می‌کند و با جبر، اراده‌اش را به آن‌ها می‌قبولاند. در تاریخ افغانستان صرف حکومت طالبان پولیس مذهبی رسمی داشت. پولیس مذهبی طالبان در چارچوب وزارت امر به معروف و نهی از منکر این گروه فعالیت داشت و با سخت‌گیری تمام رفتارهای جمعی و اجتماعی را کنترل می‌کرد. بسیاری از پاسخ‌دهندگان این تحقیق، از حاکمیت طالبان و پولیس مذهبی آن‌ها تجربه زیسته دارند. آن‌ها می‌گویند که برخورد پولیس مذهبی طالبان با شهروندان را به یاد دارند. مخالفت قاطع ۷۲ درصد پاسخ‌دهندگان این تحقیق با پولیس مذهبی نشان می‌دهد که بیشتر مردم خواستار نظام سیاسی‌ای هستند که به حقوق و آزادی‌های شهروندان احترام بگذارد.

مردم همچنین خواستار حساب‌دهی حکومت به شهروندان می‌باشند. تقریباً ۹۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که از نظر آن‌ها حکومت باید به صورت مستقیم به شهروندان حساب‌ده باشد. صرف ۱,۶ درصد پاسخ‌دهندگان موافق حساب‌دهی مستقیم حکومت به شهروندان نیستند (جدول ۴۱). حکومت افغانستان در دو دهه گذشته به دلیل فساد گسترده مالی و اداری و خویشاوندسالاری، در حساب‌دهی به شهروندان ناکام مانده است؛ به همین دلیل است که حساب‌دهی مستقیم حکومت به شهروندان به مطالبه بسیار مهم اجتماعی ارتقا کرده است و این امر نشان می‌دهد که حکومت زیر فشار سنگین اجتماعی است تا به این مطالبه پاسخ دهد.

به گزارش سازمان‌های معتبر بین‌المللی که در عرصه شفافیت و حساب‌دهی حکومت‌ها تحقیق می‌کنند و گزارش می‌دهند، افغانستان در جمع حکومت‌های کاملاً ناکام در تأمین شفافیت و حساب‌دهی قرار دارد.<sup>۵۱</sup> طوریکه وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، فساد مالی و سیاسی در افغانستان را یکی از تهدیدهای استراتژیک برای مشروعیت و ثبات حکومت این کشور جنگ‌زده میدانند.<sup>۵۲</sup> هم‌پیمانان بین‌المللی افغانستان هم حکومت این کشور را به دلیل فساد مالی و نبود حساب‌دهی همواره مورد انتقاد جدی قرار داده‌اند. به همین دلیل، حکومت افغانستان هم از سوی مردم و هم جامعه جهانی به دلیل نبود حساب‌دهی و فساد مالی و اداری زیر فشار است.

---

51. See Afghanistan, Freedom in the World (2001-2019); Afghanistan, Freedom in the World 2019; Bak, "Corruption in Afghanistan;" Corruption Perceptions Index 2018; SIGAR, 2019 High Risk List.

52. Ibid.

همچنان، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بیشتر مردم طرف‌دار برابری اجتماعی هستند. بیش از ۸۷ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفتند که آن‌ها باور دارند که تمام شهروندان افغانستان، صرف نظر از جنس، مذهب و هویت قومی، مطابق قانون با هم برابر اند. صرف ۷ درصد شرکت‌کنندگان با این امر مخالفت کرده‌اند. حدود ۵ درصد دیگر گفته‌اند که با برابری شهروندان در برابر قانون به صورت قسمی موافق‌اند (جدول ۱۶).

جدول ۱۶: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی‌اند؟

درصدی	
۷۳,۳۳	موافقت کامل
۱۴,۱۳	موافقت نسبی
۴,۸۷	مخالفت نسبی
۷,۶	مخالفت کامل
۰,۷	نظر مشخص نداده‌اند

رسمیت و حرمت به برابری اجتماعی مطابق قانون در یک دموکراسی انتخاباتی به‌ویژه در افغانستان که شکاف‌های اجتماعی همواره سبب تبعیض سیستماتیک و شورش شده است، بسیار اهمیت دارد. سیاست هویتی/قوم‌گرایی سیاسی می‌تواند سبب تشدید شکاف‌ها و تجرید سیاسی و اقتصادی برخی از گروه‌های اجتماعی گردد که برای افغانستان خطرناک است. زنان و اقلیت‌های مذهبی بیشتر از گروه‌های هویتی دیگر از بحران و تفرقه در افغانستان آسیب دیده‌اند. حمایت بیشتر پاسخ‌دهندگان از برابری اجتماعی نشان‌دهنده آن است که مردم افغانستان با نظام مبتنی بر تبعیض مخالف‌اند. خصوصیات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان هم نشان می‌دهد که تمام اقشار جامعه با تبعیض مخالف است.

درجهٔ تحصیل پاسخ‌دهندگان با دیدگاه آن‌ها در مورد برابری اجتماعی تناسب مستقیم دارد. هر قدر که درجهٔ تحصیل بالا می‌رود، میزان حمایت شرکت‌کننده از این فکر که همهٔ شهروندان صرف‌نظر از جنسیت، مذهب و هویت قومی‌شان در برابر قانون مساوی‌اند و حقوق برابر دارند، بیشتر می‌شود. بیش از ۷۷ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیل‌نکرده و ۹۶ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی گفته‌اند که شهروندان افغانستان صرف‌نظر از تعلقات قومی، مذهبی و جنسیت‌شان حقوق برابر دارند

و آنها از این مورد کاملا حمایت میکنند. حتی شاگردان مدرسه‌های دینی هم از این مفکوره حمایت کرده‌اند. بیش از ۷۳ درصد پاسخ‌دهندگان که دارای تحصیلات مدرسه‌ای هستند، گفته‌اند که شهروندان باید صرف‌نظر از تعلقات قومی، مذهب و جنسیت‌شان حقوق برابر داشته باشند. یافته‌های این تحقیق برخلاف تصور عمومی است که بر مبنای آن شاگردان مدرسه‌های دینی حامی کثرت‌گرایی اجتماعی و فرهنگی شناخته نمی‌شوند (شکل ۱۷).

شکل ۱۷ ک تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی‌اند، با تفکیک تحصیلات



همچنان بیش از ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان تمام گروه‌های قومی گفته‌اند که شهروندان صرف‌نظر از تعلقات جنسی، قومی و مذهبی‌شان در برابر قانون برابرند و حقوق مساوی دارند. ولی گروه‌های قومی کوچک بیشتر از گروه‌های قومی بزرگ از این فکر حمایت کرده‌اند. حمایت گروه‌های قومی کوچک از برابری اجتماعی در افغانستان قابل درک است. گروه‌های کوچک قومی بیشتر از گروه‌های قومی بزرگ از تبعیض رنج برده‌اند. ۸۴ درصد پاسخ‌دهندگان دارای هویت قومی ترکیبی، ۸۳ درصد هزاره‌ها و اوزبیک‌ها، ۸۱ درصد تاجیک‌ها، ۸۱ گروه‌های قومی دیگر و ۷۷ درصد پشتون‌ها گفته‌اند که از برابری حقوقی شهروندان صرف‌نظر از جنسیت، قوم و مذهب‌شان حمایت می‌کنند (شکل ۱۸).

یافته‌های این نظرسنجی با در نظر داشت گرایش سیاسی پاسخ‌دهندگان نیز جالب است. ناسیونالیست‌ها بیشتر از سایر گرایش‌های سیاسی و قوم‌گرایان/اتنوسنتریست‌ها کمتر از دیگر گرایش‌ها حتی کمتر از طرفداران طالبان، از برابری حقوقی شهروندان حمایت کرده‌اند. در کل ۷۹ درصد ناسیونالیست‌ها، ۷۸٫۵ درصد طرفداران دولت، ۷۴ درصد مجاهدین، ۷۰ درصد بی‌طرف‌ها، ۵۷ درصد طرفداران طالبان و ۴۷ درصد آنهاييکه خودشان را قومگرا معرفی کرده‌اند، از برابری حقوقی شهروندان صرف‌نظر از جنسیت، هویت قومی و مذهبی آن‌ها حمایت کردند. ۴۷ درصدی که گرایش سیاسی خود را ننوخته‌اند نیز از این فکر حمایت کردند. ۳۵ درصد طرفداران طالبان و ۳۸ درصد قومگرایان گفتند که آن‌ها به برابری حقوقی شهروندان صرف‌نظر از جنسیت، قوم و مذهب‌شان باور ندارند (شکل ۶۴). دیدگاه قومگرایان درباره برابری اجتماعی شاید از دوگانه جامعه شناختی «ما» و «دیگران» ناشی شود. بر مبنای این فکر، اقوام افغانستان در سپهر سیاست حضور سلسله‌مراتبی دارند. این فکر می‌گوید که قوم «ما» حاکم است و «دیگران» نباید حاکم باشند. دیدگاه طالبان هم ناشی از این فکر است که زنان و نامسلمانان نمی‌توانند با مردان مسلمان و اعضای جامعه مسلمانان حقوق برابر داشته باشند؛ ولی با وجود این فکر، حقوق برابر شهروندان صرف‌نظر از تعلقات قومی، مذهبی و جنسیت‌شان، براساس داده‌های این نظرسنجی، از حمایت گسترده مردمی در افغانستان برخوردار است. حتی اقشار محافظه‌کار جامعه مثل مجاهدین، شهروندان دارای تحصیلات مدرسه‌ای و حتی برخی از طرفداران طالبان که در این نظرسنجی شرکت کردند نیز از برابری حقوقی شهروندان پشتیبانی می‌کنند.

در این تحقیق در کنار آزادی‌های سیاسی و مدنی، از مردم در مورد احزاب سیاسی و سیاست حزبی نیز پرسیده شده است. احزاب سیاسی موتور دموکراسی‌های انتخاباتی و لیبرال است؛ ولی در دو دهه گذشته، احزاب سیاسی نقش مهمی در دموکراسی افغانستان نداشتند.<sup>۵۳</sup> هم در چند انتخابات پارلمانی و هم در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری، سیاست‌مداران اکثرا خودشان را به صورت مستقل نامزد کردند. حتی بسیاری از نامزدها تلاش کردند که تعلق حزبی خود را پنهان نگه دارند. مردم افغانستان به دلیل جنگ‌های دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی که طرف‌های درگیر آن احزاب افراطی چپ و راست بودند، نگاه مثبتی به احزاب سیاسی ندارند؛ به همین دلیل نامزدها میکوشند تعلقات حزبی خویش را زیاد برجسته نسازند. به دلیل اهمیت نقش احزاب سیاسی در دموکراسی‌های انتخاباتی، نظرات مردم درباره احزاب سیاسی در ذیل بررسی شده است.

---

53. See Freedom in the World (2001-2019); Afghanistan, Freedom in the World 2019.

دقیقا ۸۴ درصد شرکت کنندگان این همه پرسی گفته‌اند که ویژگی عمده یک حزب سیاسی تمثیل اراده مردم است. حدود ۴ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که یک حزب سیاسی باید اراده یک قوم را تمثیل کند. بیشتر از ۳ درصد دیگر گفته‌اند که احزاب باید مطابق احکام دینی ایجاد شوند و آرمان‌های دینی را تمثیل کنند. ۱ درصد هم نظر مشخصی در این باره نداشتند (جدول ۱۷).

جدول ۱۷: ویژگی بارز یک حزب سیاسی

درصدی	
۸۴	اراده مردم را تمثیل کند
۳,۸	اراده یک قوم را تمثیل کند
۳,۰۷	اراده رهبران مذهبی را تمثیل کند
۱,۱۳	اراده یک جهت دیگر را تمثیل کند
۷,۹۳	نظر مشخص نداده‌اند

در حال حاضر احزاب سیاسی مشهور افغانستان می‌گویند که از اراده عموم مردم در کنار هویت قومی و مذهبی آن‌ها نمایندگی می‌کنند.

تصور عمومی هم این است که احزاب سیاسی در افغانستان بدون تمثیل هویت قومی و آرمان‌های تباری و مذهبی بقا ندارد. اما یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که مردم به احزابی علاقه دارند که از اراده عموم مردم نمایندگی کند نه از آرمان‌های کوچک قومی و مذهبی. شمار احزاب سیاسی و میزان آزادی آن‌ها یکی از معیارهای باز و بسته بودن یک نظام سیاسی و ملاک پیشرفته بودن یک دموکراسی است. در دموکراسی‌های انتخاباتی و لیبرال تعدد احزاب سیاسی و حضور آزاد آن‌ها در صحنه سیاست یکی از بديهيات است.<sup>۵۴</sup> یافته‌های این تحقیق در مورد نگاه مردم افغانستان به احزاب سیاسی بسیار جالب است.<sup>۵۵</sup> ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که آن‌ها ترجیح می‌دهند که در نظام سیاسی مطلوب‌شان بیش از یک حزب سیاسی فعالیت کند. ۲۵ درصد دیگر گفته‌اند که آن‌ها در نظام سیاسی مطلوب‌شان صرف یک حزب سیاسی می‌خواهند. ۲۵ درصد دیگر با اصل وجود احزاب سیاسی در نظام سیاسی مطلوب‌شان مخالفت کرده‌اند (جدول ۴۶). یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که

54. Luhmann, et al., "Regimes of the World (RoW)."

55. Appendix C.



مردم افغانستان در مورد نقش و شمار احزاب سیاسی در کشورشان دیدگاه‌هایی به شدت پراکنده دارند. گرچه ۳۷ درصد خواستار بیش از یک حزب سیاسی هستند، اما نظرات ۵۰ درصد دیگر قابل تأمل است. دیدگاه آن‌هایی که اصل وجود احزاب سیاسی در نظام سیاسی مطلوب خود را نمی‌پذیرند، معلول تجربه تلخی است که احزاب چپ و راست در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی داشتند. در آن دهه‌ها احزاب سیاسی یکی از طرف‌های درگیر بودند که تجارب تلخ آن دوران مردم را به احزاب سیاسی بی‌باور ساخته است. آن‌هایی که خواستار حضور یک حزب در نظام سیاسی هستند، احتمالاً این نظرشان از تمایل عمومی در افغانستان برای ایجاد یک حکومت نیرومند مایه می‌گیرد و شاید هم خواستار یک اپوزیسیون یک حزبی نیرومندند. با توجه به چندبعدی بودن دیدگاه‌های مردم در باره احزاب سیاسی و سیاست حزبی، این مورد نیازمند پژوهش جداگانه است.

نظرات مردم در مورد آزادی‌های سیاسی و مدنی و بشمول آزادی رسانه‌ها و حقوق و آزادی‌های زنان که در افغانستان پس از ۲۰۰۱ یکی از سوژه‌های جدی بحث سیاسی است نیز بررسی شده است. بیش از ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان این تحقیق گفته‌اند که با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت مخالفانند. در حالیکه حدود ۳۱ درصد دیگر گفته‌اند با اعمال برخی از محدودیت‌ها بر رسانه‌ها موافق‌اند (جدول ۱۸).

جدول ۱۸: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت

درصدی	
۱۴,۱۴	موافقت کامل
۱۶,۵۳	موافقت نسبی
۲۱,۷۳	مخالفت نسبی
۴۵,۷۳	مخالفت کامل
۱,۸۷	نظر مشخص نداده‌اند

۶۰ درصد زنان و ۵۳ درصد مردان پاسخ‌دهنده گفته‌اند با هر نوع اعمال محدودیت بر رسانه‌ها مخالف‌اند. اما در میان آن‌هایی که از اعمال محدودیت بر رسانه‌ها حمایت کرده‌اند، ۴۶ درصد مرد و ۳۸ درصد زنان هستند (شکل ۱۸).

شکل ۱۸: میزان موافقت با مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت



از نظر گرایش‌های سیاسی هم بیشتر آن‌هایی که خودشان را طرفدار حکومت می‌دانند، از آزادی رسانه‌ها حمایت کرده‌اند؛ ولی شمار زیاد آن‌هایی که از اعمال محدودیت بر رسانه‌ها حمایت کرده‌اند، طرفدار طالبان هستند. ۶۰ درصد چپی‌ها، ۶۹ درصد طرفداران حکومت، ۵۷ درصد پاسخ‌دهندگانی که گرایش سیاسی خود را مشخص نساخته‌اند و ۴۸ درصد ناسیونالیست‌های قومی گفته‌اند که با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها مخالف‌اند. ۷۶ درصد طرفداران طالبان، ۵۶ درصد آن‌هایی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند و ۵۰ درصد ناسیونالیست‌ها گفتند که از اعمال محدودیت بر رسانه‌ها حمایت می‌کنند (شکل ۵۹). این یافته‌ها نشان می‌دهد که حامیان آزادی رسانه‌ها بیشتر طرفداران حکومت، چپی‌ها و آن‌هایی‌اند که گرایش سیاسی خود را مشخص نکرده‌اند. طرفداران طالبان و آن‌هایی که خودشان را مجاهدین می‌خوانند، طرفدار اعمال محدودیت بر رسانه‌ها هستند، که شگفت‌آور نیست. قشر محافظه‌کار جامعه همیشه از برنامه‌های رسانه‌ها به‌ویژه برنامه‌های موسیقی و فیلم در تلویزیون‌ها

شاکی است و آن را خلاف شریعت و دین اسلام می‌داند.

هر قدر میزان تحصیلات افزایش می‌یابد، میزان مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها نیز بیشتر می‌شود. ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگانی که گفته‌اند تحصیلات دانشگاهی دارند، با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها مخالفت کرده‌اند. ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان تحصیل‌نکرده هم گفته‌اند که با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها مخالفند. ۵۳ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای گفته‌اند که از اعمال محدودیت بر رسانه‌ها استقبال می‌کنند، در حالی که ۳۸ درصد آن‌ها مخالفت خود را ابراز کرده‌اند (شکل ۶۰).

در این تحقیق نظرات مردم در مورد حقوق و آزادی‌های زنان را نیز جویا شدیم. از شرکت‌کنندگان این نظرسنجی پرسیده شده بود که نظرشان در مورد تحصیل، کار و حضور زنان در رسانه‌ها ابراز کنند. یافته‌های نظرسنجی نشان می‌دهد اکثریت قاطع پاسخ‌دهندگان از حق کار، حق تحصیل و حضور زنان در رسانه‌ها حمایت می‌کنند. ۸۵ درصد کل پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی گفته‌اند که با حق تحصیل زنان موافق‌اند، ولی ۱۴ درصد دیگر گفته‌اند که مخالف تحصیل زنان هستند (جدول ۱۹).

جدول ۱۹: میزان موافقت یا مخالفت با آموزش زنان

درصدی	
۷۰,۳	موافقت کامل
۱۵	موافقت نسبی
۱۲,۶	مخالفت نسبی
۱,۶	مخالفت کامل
۰,۵۰	نظر مشخص نداده‌اند

۸۶ درصد پاسخ‌دهندگان با حضور زنان در فضای عمومی و استخدام آن‌ها در ادارت دولتی موافق‌اند. ۷۶ درصد پاسخ‌دهندگان هم از کار و حضور زنان در رسانه‌ها حمایت کرده‌اند (جدول‌های ۴۸ و ۵۰). یافته‌های این نظرسنجی و آماري که در بالا آمد، نشان می‌دهد که حقوق و آزادی‌های زنان و نقش‌آفرینی آن‌ها در جامعه، از حمایت عمومی و گسترده برخوردار است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که مردم نظام/نظم سیاسی‌ای می‌خواهند که از حقوق و آزادی‌های زنان حمایت کند، به آن احترام بگذارد و زمینه و فضا را برای کار و تحصیل زنان فراهم سازد.

## نظرات مردم در مورد مشروعیت سیاسی

پس از سال ۲۰۰۱، نهادهای دموکراتیک در افغانستان با این فرض ساخته شد که این نهادها اعتماد اجتماعی که عنصر عمده در ایجاد مشروعیت سیاسی است را به دست می‌آورند. ناتوانی این نهادها در ایجاد و تقویت یک دموکراسی انتخاباتی بی‌نقص و تشکیل یک دولت کارا، این فرضیه را به چالش کشید که نهادهای دموکراتیک نتوانستند اعتماد اجتماعی را کسب کنند و در فرایند مشروعیت‌بخشی از کل حکومت مفید واقع شوند. شماری به این باورند که ناکامی حکومت در مهار فساد، ناامنی و مشکلات دیگر، ریشه در بی‌اعتمادی جمعی به نهادهای دموکراتیک و تضاد این نهادها با هنجارهای سنتی‌ای دارد که در گذشته مشروعیت سیاسی می‌آفرید. اما یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که مردم با مشارکت سیاسی و انتخابات به عنوان مکانیسم انتقال قدرت و مشروعیت سیاسی موافق‌اند. این یافته‌ها این دیدگاه را به چالش کشیده است که نهادهای دموکراتیک به دلیل این که با نهادهای سنتی مشروعیت‌بخش در تضادند، سبب ناکامی حکومت شده‌اند.

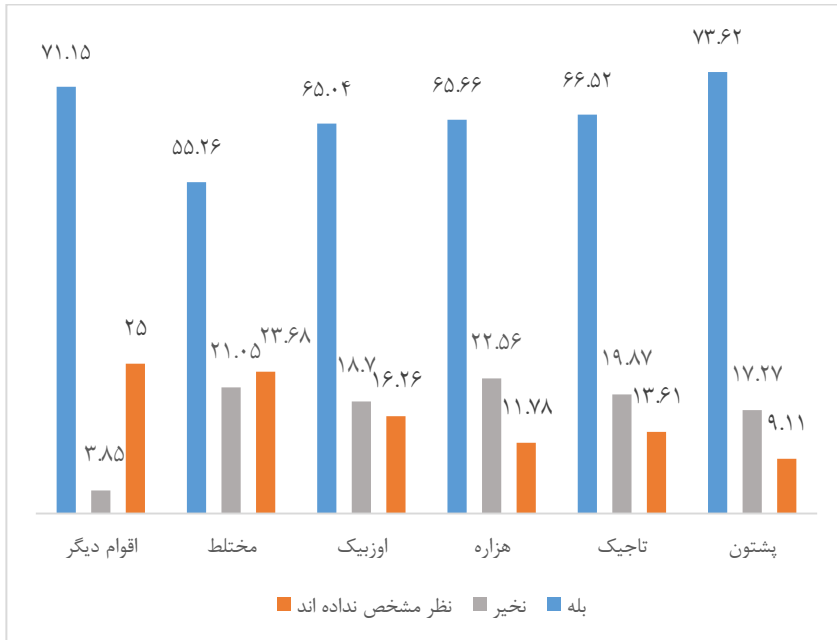
۷۵ درصد شرکت‌کنندگان این نظرسنجی گفته‌اند که انتخابات سراسری و رقابتی می‌تواند حکومت مشروع خلق کند. صرف ۱۹ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که انتخابات نمیتواند حکومت مشروع بوجود آورد، در حالی که ۵ درصد دیگر در این مورد اعلام موضع نکرده‌اند (جدول ۲۰).

جدول ۲۰: آیا انتخابات حکومت مشروع سرکار می‌آورد؟

درصدی	
۷۵,۶	بلی
۱۸,۸۷	نخیر
۵,۵۳	موقف‌شان را اعلام نکردند

مردان بیشتر از زنان به مشروعیت انتخاباتی باور دارند. به احتمال زیاد دلیل آن، دسترسی نداشتن بیشتر زنان به معلومات دقیق در مورد انتخابات، مشروعیت انتخاباتی و مسایلی از این دست است. ۷۳,۳۴ درصد مردان پاسخ‌دهنده و ۶۶,۴۷ درصد زنان شرکت‌کننده گفته‌اند که برگزاری انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد/ به حکومت مشروعیت می‌دهد. ۱۶ درصد پاسخ‌دهندگان زن گفته‌اند که در مورد مشروعیت انتخاباتی و این که انتخابات می‌تواند یک حکومت مشروع پدید آورد، نظری ندارند؛ اما در مقابل ۹ درصد مردان گفته‌اند که در این مورد چیزی نمی‌دانند. این آمار نشان می‌دهد که زنان به اطلاعات کمتری در مورد مشروعیت انتخاباتی و نظایر آن دسترسی دارند (شکل ۵۲).

پاسخ‌دهندگان با هویت‌های قومی گوناگون نیز در مورد مشروعیت انتخاباتی نظر مثبت دارند. برخلاف تصور عمومی که بر مبنای آن انتخابات در مناطق پشتون‌نشین طرف‌دار ندارد، یافته‌های این تحقیق خلاف آن را اثبات کرده است. بر مبنای یافته‌های این تحقیق پشتون‌ها بیشتر از اقوام دیگر بر این عقیده‌اند که انتخابات عمومی می‌تواند به حکومت مشروعیت ببخشد. ۷۴ درصد پشتون‌ها، ۷۱ درصد از پاسخ‌دهندگان مربوط به اقوام کوچک، ۶۶,۵ درصد تاجیک‌ها، ۶۶ درصد هزاره‌ها، ۶۵ درصد اوزبیک‌ها و ۵۵,۵ درصد شهروندان دارای هویت قومی چندلایه گفته‌اند که برگزاری انتخابات عمومی به حکومت مشروعیت می‌دهد. به نظر آن‌ها صرف یک انتخابات عمومی، رقابتی و عادلانه می‌تواند یک حکومت مشروع را روی کار بیاورد. در مقابل ۲۲,۵ درصد هزاره‌ها و ۲۰ درصد شهروندان دارای هویت قومی چندلایه بر این عقیده هستند که انتخابات به حکومت مشروعیت نمی‌دهد و نمیتواند حکومت مشروع خلق کند. پس از هزاره‌ها و شهروندان دارای هویت قومی چندلایه، ۱۷ درصد پاسخ‌دهندگان پشتون و ۴ درصد از شهروندان متعلق به گروه‌های قومی کوچک‌تر گفته‌اند که انتخابات حکومت مشروع سر کار نمی‌آورد (شکل ۱۹).

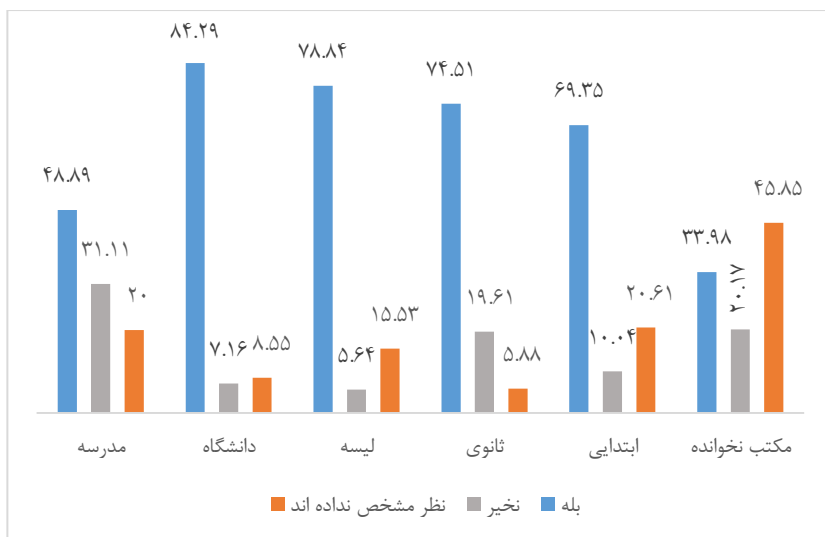


در کل یافته‌های این نظرسنجی نشان می‌دهد که مشروعیت انتخاباتی و برگزاری انتخابات برای روی کار آوردن یک حکومت مشروع از حمایت بسیار گسترده در میان تمام اقوام افغانستان برخوردار است. این امر نشان‌دهنده آن است که برای اکثریت مردم در افغانستان پسمالحه، یک دموکراسی انتخاباتی نظام مطلوب سیاسی است.

همان طوری که انتظار می‌رفت، افزایش تحصیلات با میزان حمایت از انتخابات به عنوان منبع مشروعیت سیاسی، تناسب مستقیم دارد. با افزایش تحصیل میزان حمایت از انتخابات به عنوان منبع مشروعیت سیاسی هم بیشتر می‌شود. ۳۴ درصد تحصیل‌نکرده‌ها گفته‌اند که از انتخابات به عنوان منبع مشروعیت سیاسی حمایت می‌کنند. میزان حمایت از انتخابات به عنوان مکانیسم مشروع‌سازی حکومت در میان پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات دانشگاهی ۸۴ درصد است. ۷۰ تا ۷۹ درصد از کسانی که تحصیلات غیردانشگاهی دارند نیز انتخابات را به منبع مشروعیت‌بخش پذیرفته‌اند. ولی میزان حمایت از انتخابات در میان پاسخ‌دهندگانی که تحصیلات مدرسه‌ای/علوم دینی دارند، بسیار کم بود. صرف ۳۱ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای گفته‌اند که انتخابات حکومت مشروع سر

کار می‌آورد. ۴۹ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای گفته‌اند که انتخابات اشکالی ندارد، ولی مکانیسم بسیار مطلوب برای آن‌ها نیست. ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات مدرسه‌ای در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند (شکل ۲۰).

شکل ۲۰: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک سطح تحصیل

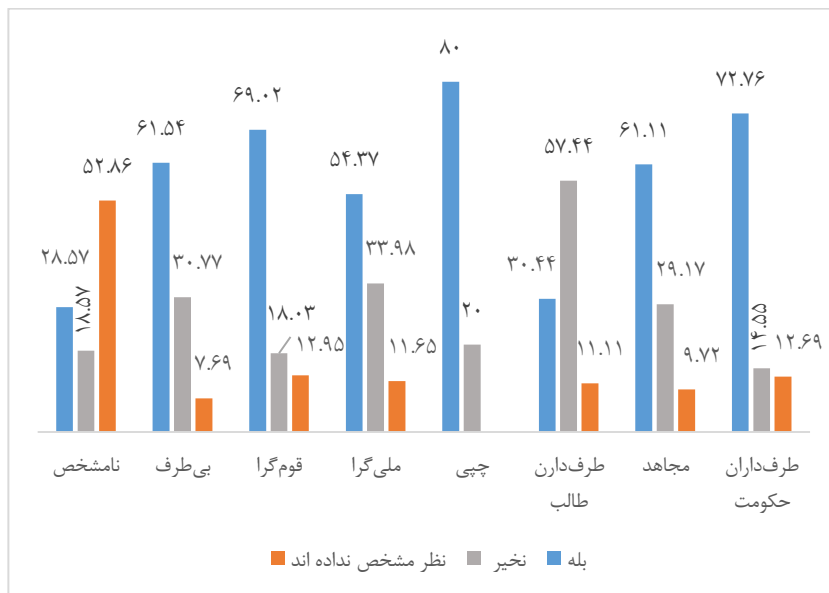


پاسخ‌دهندگان دارای شغل‌های گوناگون هم از مشروعیت انتخاباتی حمایت کرده‌اند. ۷۶ درصد کارمندان دولت و ۷۲٫۵ درصد کسبه‌کاران گفته‌اند که انتخابات حکومت مشروع سر کار می‌آورد. ۵۱ درصد دهقانان و ۶۴ درصد شاگردان/ دانشجویان نیز انتخابات را مکانیسم مطلوب برای روی کار آوردن حکومت مشروع گفته‌اند. میزان حمایت کمتر از انتخابات در میان دهقانان شاید ناشی از آن باشد که این قشر به معلومات دقیق در مورد انتخابات و مشارکت سیاسی دسترسی ندارند. میزان حمایت پایین از انتخابات در میان دانشجویان/ شاگردان هم به احتمال زیاد ناشی از تقلب در چند انتخابات گذشته و زیر سؤال رفتن شفافیت و اعتبار آن است. دانشجویان/ شاگردان به صورت مستقیم در انتخابات افغانستان دخیل‌اند. آن‌ها به عنوان کارمند انتخابات، ناظر بر انتخابات، رأی‌دهنده و عضو کمپین‌های نامزدها شاهد بی‌نظمی‌های انتخاباتی و زیر سؤال رفتن اعتبار آن بوده‌اند. بالای ۶۵ درصد پاسخ‌دهندگانی که مربوط به همهٔ حرفه‌ها و شغل‌ها هستند، از برگزاری انتخابات برای روی کار آوردن

یک حکومت مشروع حمایت کرده‌اند. این آمار نشان‌دهنده حمایت عمومی از مشارکت سیاسی در قالب برگزاری انتخابات عمومی در افغانستان است (شکل ۵۵).

مشروعیت انتخاباتی در میان پاسخ‌دهندگان بیشتر گرایش‌های سیاسی بیشترین طرفدار دارد. پاسخ‌دهندگان دارای گرایش چپ بیشتر از دیگر گرایش‌ها از مشروعیت انتخاباتی حمایت کرده‌اند؛ اما این نوع مشروعیت در میان پاسخ‌دهندگان طرفدار طالبان به میزان بسیار کم حامی دارد. در کل ۸۰ درصد چپی‌ها، ۷۳ درصد طرفداران حکومت، ۶۹ درصد ناسیونالیست‌های قومی، ۶۲ درصد بی‌طرف‌ها، ۶۲ درصد مجاهدین، ۵۴٫۴ درصد ناسیونالیست‌ها و ۳۰ درصد طرفداران طالبان بر این باورند که انتخابات به حکومت مشروعیت می‌بخشد و برگزاری انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد. ۵۷ درصد طرفداران طالبان و ۳۴ درصد ناسیونالیست‌ها گفته‌اند که انتخابات به حکومت مشروعیت نمی‌بخشد و برگزاری انتخابات عمومی مشروعیت‌آور نیست (شکل ۲۱).

شکل ۲۱: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک گرایش سیاسی



میزان حمایت از انتخابات در سطح هر ولایت افغانستان هم بسیار گسترده است. به استثنای دو ولایت، میزان حمایت از انتخابات بین ۵۳ تا ۸۳ درصد است. در گذشته روش تحقیق به گونه‌ای بود که پژوهش‌گران افغانستان را به مناطق جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم می‌کردند و بر



همین مبنا نظرسنجی صورت می‌گرفت. ولی در این نظرسنجی ولایت مینا قرار گرفته است، نه زون‌های جغرافیایی. ما دریافتیم که پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به مشروعیت انتخاباتی در چهار ولایتی که در گذشته زیر عنوان کلی مناطق جنوبی دسته‌بندی می‌شد، بسیار متفاوت است، مثلاً ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان پکتیا گفتند که انتخابات به حکومت مشروعیت می‌بخشد. در پکتیکا ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان بر این عقیده بودند. در خوست، میزان حمایت از انتخابات ۵۰ درصد بود، ولی در لوگر ۴۰ درصد. یافته‌های این تحقیق این تصور عمومی را زیر سؤال می‌برد که مشروعیت سنتی و قبیله‌ای در مناطق جنوبی و شرقی افغانستان بیشتر از انتخابات طرفدار دارد. در گذشته چون مناطق جغرافیایی در تحقیقات مبنا قرار می‌گرفت، به نتایج گمراه‌کننده منجر می‌شد (جدول ۲۱).

جدول ۲۱: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک ولایات

ولایت	بلی	نخیر	نظر مشخص نداده‌اند	ولایت	بلی	نخیر	نظر مشخص نداده‌اند
کابل	۸۰/۶۷	۱۵/۳۳	۴	خوست	۵۰	۳۳/۳۳	۱۶/۶۷
هرات	۹۱/۱۱	۰	۸/۸۹	کندز	۳۸/۳۳	۵۱/۶۷	۱۰
بلخ	۷۸/۳۳	۱۶/۶۷	۵	کنر	۷۳/۳۳	۱۰	۱۶/۶۷
کندهار	۷۰	۲۱/۳۳	۸/۶۷	لغمان	۸۶/۶۷	۰	۱۳/۳۳
ننگرهار	۶۵/۳۳	۲۵	۹/۶۷	لوگر	۴۰	۶۰	۰
بدخشان	۷۷/۶۷	۱۴/۷۳	۷/۶۰	وردک	۵۳/۳۳	۴۰	۶/۶۷
فاریاب	۸۳/۳۳	۰	۱۶/۶۷	نیمروز	۵۰	۴۶/۶۷	۳/۳۳
غزنی	۵۳/۳۳	۳۰	۱۶/۶۷	نورستان	۶۶/۶۷	۳/۳۳	۳۰
هلمند	۶۱/۶۷	۲۱/۶۶	۱۶/۶۷	پکتیا	۸۰	۱۰	۱۰
بادغیس	۷۰	۲۰	۱۰	پکتیکا	۷۰	۵	۲۵
بغلان	۶۱/۶۷	۳/۳۳	۳۵	پنجشیر	۶۳/۳۳	۲۶/۶۷	۱۰
بامیان	۷۰	۱۶/۶۷	۱۳/۳۳	پروان	۴۳/۳۳	۴۰	۱۶/۶۷
دایکندی	۷۳/۳۳	۱۳/۳۳	۱۳/۳۳	سمنگان	۵۳/۳۳	۲۶/۶۷	۲۰
فراه	۷۳/۳۳	۲۰	۶/۶۷	سرپل	۵۳/۳۳	۳۶/۶۷	۱۰
غور	۶۶/۶۷	۱۶/۶۷	۱۶/۶۷	تخار	۶۱/۶۷	۱۶/۶۷	۲۱/۶۷
جوزجان	۶۳/۳۳	۲۶/۶۷	۱۰	ارزگان	۶۰/۶۷	۱۶/۶۶	۲۲/۶۷
کاپیسا	۵۶/۶۷	۲۶/۶۷	۱۶/۶۷	زابل	۵۷/۳۳	۱۳/۳۳	۲۹/۳۴

تنوع دیدگاه شهروندان بر اساس ولایت شاید متاثر از فکتورهای مخصوص هرولایت باشد. تفاوت دیدگاه‌ها بر اساس ولایت، این درک عمومی را که باورهای سیاسی مردم را بر اساس زون‌ها میسنجد زیر سوال میبرد. بطور سنتی باور بر این است که افغانستان به زون‌های شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز، و کابل تقسیم شده که باشندگان هر زون دیدگاه‌های یکسانی در مورد امور مملکت دارند. یافته‌های این پژوهش؛ این فرضیه را تایید نمی‌کند. مثلاً در چهار ولایت لوگر، پکتیا، پکتیکا و خوست، که اصولاً در چارچوب زون جنوب قرار دارند، دیدگاه باشندگان این ولایات درباره‌ی مینا و مکانیسم مشروعیت سیاسی در افغانستان یکسان نیست. میزان حمایت از انتخابات به حیث میکانیسم مروجیت سیاسی در پکتیا ۸۰ درصد، در پکتیکا ۷۰ درصد، در خوست پنجاه درصد و در لوگر ۴۰ درصد است. یافته‌های این پژوهش همچنان این باور را که باشندگان ولایات جنوبی و شرقی افغانستان بیشتر از انتخابات به مکانیسم‌های سنتی مشروعیت سیاسی باورمند اند، به چالش میکشد. مثلاً در پنج ولایت شرقی و جنوبی میزان حمایت از انتخابات به عنوان شیوه مشروعیت بخش سیاسی به زیر شصت درصد میرسد. میزان حمایت از انتخابات در پنج ولایت شمالی نیز به همین میزان است. جالب اینکه، پایینترین میزان حمایت از انتخابات (۳۸ درصد) در یک ولایت شمالی یعنی قندوز ابراز شده است، نه ولایات شرقی یا جنوبی (شکل ۵۷).

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که معیارهای قومی، مذهبی و نهادهایی مثل لویه‌جرگه که منابع سنتی برای مشروع‌سازی حکومت‌ها بودند، دیگر در افغانستان طرفدار زیاد ندارد. صرف ۸ درصد کل شرکت‌کنندگان این تحقیق گفته‌اند که اگر کسی بر مبنای معیارهای قومی، مذهبی و یا از طریق لویه‌جرگه به عنوان رییس دولت برگزیده شود، مشروعیت دارد. ۲،۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که اگر کسی از سوی لویه‌جرگه به عنوان زعیم کشور برگزیده شود، مورد قبول آن‌هاست. ۲،۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که اگر بر مبنای معیارهای قومی و توسط بزرگان قوم، کسی به عنوان رییس دولت برگزیده شود، مشروع است. ۲،۶ درصد دیگر گفتند کسی که بر مبنای معیارهای مذهبی یا توسط عالمان دینی رییس دولت تشخیص داده می‌شود، برای آن‌ها مشروع و قابل پذیرش است (جدول ۳۵). این آمار نشان می‌دهد که مشروعیت سنتی، در افغانستان اقبال عمومی ندارد و مشارکت سیاسی در قالب انتخابات عمومی، مکانیسم مطلوب اکثریت مردم افغانستان است.

در این تحقیق در مورد سابقه سیاستمداران تشکیل‌دهنده حکومت و تأثیر آن روی مشروعیت حکومت نیز از مردم سؤال کردیم. اکثریت بر این باورند کسانی که در گذشته حقوق بشر را به صورت نظام‌مند نقض کرده‌اند یا مرتکب جرایم جنگی شده‌اند، نباید در حکومت حضور داشته باشند و حضور آن‌ها در حکومت، مشروعیت کل حکومت را زیر سؤال می‌برد. بیشتر شرکت‌کنندگان این تحقیق گفته‌اند که حضور کسانی که مرتکب جنایات جنگی شده‌اند در حکومت، برای آن‌ها قابل قبول نیست و این امر مشروعیت حکومت را زیر سؤال می‌برد. ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان گفته‌اند کسانی که مرتکب جنایت جنگی شده‌اند و در حکومت حضور دارند، حضورشان به مشروعیت حکومت صدمه می‌زند. ۹ درصد دیگر گفته‌اند که حضور آن‌ها در حکومت اشکالی ندارد. ۱۲ درصد دیگر گفته‌اند که در این مورد نظری ندارند (جدول ۳۶). این آمار خیلی مهم است. بسیاری از رهبران احزاب سیاسی، برخی از اعضای حکومت قبلی، حکومت برحال، رهبران تنظیم‌های جهادی و رهبران طالبان متهم به ارتکاب جرایم جنگی هستند.

جنایات جنگی پیش از سال ۲۰۰۱ توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مستندسازی شده است، ولی این کمیسیون تا حال آن گزارش را منتشر نکرده است. کشتار غیرنظامیان در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ توسط سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های معتبر جهانی، هر ساله مستندسازی و گزارش می‌شود. در این گزارش‌ها، نیروهای طرفدار دولت، و عناصر ضد دولتی مسئول کشتار غیرنظامیان شناخته شده‌اند. گزارش اخیر سازمان ملل متحد/یوناما نیز نشان می‌دهد که تمام نیروهای فوق‌الذکر در کشتار و آسیب رساندن غیرنظامیان در جنگ و عملیات‌های نظامی دست داشته‌اند.<sup>۵۶</sup> در رابطه با جنایات جنگی و مشروعیت سیاسی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد: «حکومتی که مقام‌های کلیدی آن جنایت‌کاران جنگی باشند، مشروعیت دارد؟» تقریباً ۷۹ درصد پاسخ «نه» دادند، در مقایسه با ۹ درصد که گفتند «بله» (جدول ۲۲).

---

56. UNAMA, "Quarterly Report," October 2019.

جدول ۲۲: آیا حکومتی که مقام‌های کلیدی آن جنایت‌کاران جنگی باشند، مشروعیت دارد؟

درصدی	
۹,۱۳	بلی
۷۸,۷۴	نخیر
۱۲,۱۳	نظر مشخص نداده‌اند

این یافته‌ها بار دیگر موضوع صلح و عدالت را که به معمای پیچیده‌ای، به ویژه پس از آغاز بحث روی عدالت انتقالی در افغانستانِ پس از ۲۰۰۱ مبدل شده است، به میان میکشد. در این مدت، مسئله رسیدگی به جرایم جنگی چهار دهه پسین و تطبیق عدالت انتقالی مکررا از سوی فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی مطرح شده است. اما این تلاشها اکثرا از سوی گروه‌هایی که در منازعات گذشته دست داشته‌اند سبوتاژ شده است. یافته‌های این نظرسنجی نشان میدهد که اکثریت قاطع شرکت‌کنندگان در سراسر افغانستان تاکید دارند که حکومت متشکل از آنانیکه در جرایم جنگی دست داشته‌اند، از دید آنها مشروعیت ندارد.

## نتیجه‌گیری

این پژوهش نظرات مردم در مورد راه حل های سیاسی منازعه و نظم سیاسی پسامنازعه در افغانستان را بازتاب می‌دهد. در پژوهش‌های قبلی روی بازتاب نظرات نخبگان جامعه در مورد حل منازعه و الگوی‌های حکومت‌داری تمرکز شده بود. در آن پژوهش‌ها جای نظرات و برداشت‌های مردم عام خالی بود. پژوهش حاضر به همین مورد پرداخته است. این رساله نشان داده شده است که مردم افغانستان چه راهی را برای حل سیاسی جنگ و چه الگویی را برای نظم سیاسی پسامنازعه ترجیح می‌دهند.

در این پژوهش چهار الگوی حل سیاسی جنگ از منظر مردم بررسی شده است: شرکت شورشیان در انتخابات سرتاسری، تقسیم قدرت سیاسی از طریق مشارکت شورشیان در حکومت مرکزی، تمرکززدایی از قدرت و تشکیل اداره موقت. اکثریت اشتراک‌کنندگان این تحقیق شرکت شورشیان در انتخابات را الگوی مطلوب حل سیاسی جنگ در افغانستان تشخیص دادند. بر اساس های این تحقیق، مردم از طالبان می‌خواهند که شورش‌گری، جنگ و خشونت را کنار بگذارند و در یک انتخابات سراسری، سّری، رقابتی و عادلانه با دیگر نیروهای سیاسی رقابت کنند. این تحقیق هم‌چنین نشان می‌دهد که سناریوهای دیگر مثل تشکیل حکومت موقت، به اشتراک‌گذاری قدرت و دادن خودمختاری به مناطق زیر سلطه طالبان حمایت مردمی ندارد. ترجیح الگوی شرکت شورشیان در انتخابات از سوی مردم به احتمال زیاد ریشه در آشنایی مردم با انتخابات دارد. مردم افغانستان در دو دهه گذشته با شرکت مستقیم در انتخابات و از طریق رسانه‌ها با انتخابات، مکانیزم‌ها و ابعاد آن آشنایی لازم را حاصل کرده‌اند؛ اما با سه الگوی دیگر حل منازعه چندان آشنایی ندارند.

یافته‌های این تحقیق در مورد نظام سیاسی مطلوب افغانستان هم نشان می‌دهد که بیشتر مردم خواستار یک حکومت انتخابی برخاسته از اراده شهروندان هستند که از طریق یک انتخابات شفاف و عادلانه روی کار آید. به بیان دیگر، مردم افغانستان یک دموکراسی انتخاباتی را نظام مطلوب سیاسی می‌دانند که در آن حکومت‌کنندگان در یک انتخابات سراسری، شفاف، عادلانه و رقابتی، به صورت مستقیم از سوی شهروندان برگزیده می‌شوند. حکومت برخاسته از یک انتخابات شفاف، عادلانه و رقابتی، آزادی‌های سیاسی، مدنی و فردی را رعایت می‌کند؛ حقوق و آزادی‌های زنان را به رسمیت می‌شناسد؛ آزادی رسانه‌ها را حرمت می‌گذارد؛ کثرت و برابری اجتماعی را می‌پذیرد و خودش را در قبال حساب‌دهی به شهروندان متعهد می‌داند. ترجیح یک دموکراسی انتخاباتی توسط شرکت‌کنندگان

به معنای آن است که مردم حکومتی را نمی‌خواهند که از جرگه های سنتی، شورای عالمان دینی یا بزرگان قومی مشروعیت بگیرد و روی کار آید. نظر مردم در این مورد به این دلیل مهم است که طالبان تلاش می‌کنند با استفاده از ابزارهای نظامی و سیاسی سلطه خود را گسترش دهند و یک حکومت استبدادی مبتنی بر مشروعیت سنتی را بر مردم تحمیل کنند. هم‌چنین یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مردم غلبه نظامی را عنصر مشروعیت‌بخش برای حکومت نمی‌دانند و نظام سیاسی مطلوب آن‌ها دموکراسی انتخاباتی است نه یک حکومت استبدادی. از این نظرسنجی برمی‌آید که حکومت استبدادی مدنظر طالبان، در تمام ولایات مورد قبول مردم افغانستان نیست.

این تحقیق همچنین واضح ساخت که از نظر مردم انتخابات، مکانیسم مورد قبول برای مشروعیت‌دادن به حکومت است. این تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت مردم افغانستان حکومتی را می‌پذیرند که مشروعیت خود را از رأی مستقیم شهروندان و انتخابات بگیرد. بر اساس این تحقیق از نظر مردم حکومتی مشروع است که از دل یک انتخابات شفاف و عادلانه بیرون شود؛ آزادی‌های فردی، اجتماعی و سیاسی را احترام کند و به شهروندان حساب بدهد. به بیان دیگر، مردم افغانستان مشروعیت عقلانی - قانونی که بر بنیاد مشارکت سیاسی شهروندان شکل می‌گیرد را قبول دارند. این نوع مشارکت در یک حکومت و پارلمان انتخابی تحقق می‌یابد. شیوه‌های سنتی مشروعیت که برگرفته از عرف اجتماعی و مذهب است، مورد قبول بیشتر شرکت‌کنندگان این نظرسنجی نیست. این یافته‌ها به‌ویژه هنگامی اهمیت دارد که بسیاری از مخالفان سیاسی و حامیان بین‌المللی حکومت کنونی افغانستان تصور می‌کنند که در نبود انتخابات، لویه‌جرگه سنتی و اجتماعات مذهبی و شیوه‌های مشارکتی می‌تواند جانشین مشروعیت انتخاباتی شود؛ ولی یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نهادهای سنتی مثل لویه‌جرگه و عرف‌های اجتماعی و مذهبی که در گذشته به حاکمان مشروعیت می‌بخشید، از حمایت کمی در افغانستان برخوردار است.

این تحقیق هم‌چنین این تصور عمومی را به چالش کشید که اهالی جنوب و شرق افغانستان بیش تر به شیوه‌های سنتی حل منازعه، مشروعیت‌بخشی به حکومت و حکومت‌داری علاقه دارند و اهالی شمال، مرکز و غرب به مکانیسم‌های قانونی و دموکراتیک. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که نظرات اکثریت باشندگان جنوب، شرق، غرب، شمال و مناطق مرکزی افغانستان، در مورد حل سیاسی جنگ، مشروعیت حکومت و نظم سیاسی پسامنازعه یکسان است. این طور نیست که مردم جنوب و شرق به مشروعیت سنتی علاقه داشته باشند و در مناطق دیگر، به مشروعیت عقلانی و قانونی.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مشروعیت انتخاباتی در جنوب، شمال، شرق و غرب افغانستان از حمایت مردمی گسترده برخوردار است. مثلاً بیش‌تر از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان ولایت‌های شرقی و جنوبی مثل کندهار، ننگرهار، لغمان و نورستان گفتند که انتخابات سراسری مکانیسم مطلوب حل سیاسی جنگ است. همین شمار شرکت‌کنندگان در سایر زون‌های افغانستان، در ولایاتی مانند کابل، هرات، بدخشان و بامیان نیز عین نظر را دارند. جالب اینکه، در برخی از ولایاتی شمال و غربی چون تخار، سرپل و بلخ و بادغیس کمتر از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان باور دارند که انتخابات بهترین راه حل سیاسی جنگ است.

تنوع و تفاوت دیدگاه‌های مردم بر اساس ولایات شاید از عوامل متعلق به هر ولایت مانند سطح توسعه، شهری‌شدگی، آموزش و مناسبات قدرت در آن ولایت متأثر شده باشد. عواملی دیگری مانند چگونگی رابطه هر ولایت با دولت مرکزی، شدت و ابعاد جنگ در آن ولایت نیز می‌توانند در تفاوت دیدگاه‌های مردم نقش داشته باشند. تفاوت دیدگاه بر اساس ولایات، یافته‌های پژوهشی درباره نظرات مردم مبتنی بر واحدهای کلان‌تر جمعیت شناختی مانند زون‌ها و حتی هویت قومی را به چالش می‌کشد. بنابراین، بدون در نظر گرفتن متغیرهای ولایتی، یافته‌های پژوهش شاید نتوانند بازتاب‌دهنده واقعیت‌های افغانستان باشند. اعتبار پژوهش‌های آینده بستگی به میزان در نظر داشت چنین پیچیدگی‌ها و همپوشانی‌های جمعیت شناختی است.

ناگفته نماند که جامعه آماری و یافته‌های این تحقیق به مراکز ولایات محدود است. نظرات مردم در روستاهای دوردست، مناطق زیر سلطه طالبان و ساحات جنگی، مورد ارزیابی و تحقیق قرار نگرفته است. نیاز است که در روستاهای دوردست، دهکده‌های زیر سلطه طالبان و ساحاتی که جنگ در آن جریان دارد، نظرسنجی جداگانه‌ای انجام شود تا نظرات مردم آن مناطق هم در مورد حل سیاسی جنگ و نظم سیاسی مطلوب به دست آید. این امر به این دلیل ضروری است که جدایی شهر و روستا در افغانستان همواره منبع اصلی بی‌ثباتی و نزاع سیاسی بوده است. درحالی‌که دولت در شهرها حامی داشته است، گروه‌های شورشی به شمول طالبان در روستاها پایگاه‌های حمایتی داشته‌اند. هرچند دینامیسم جدایی شهر و روستا در دهه‌های اخیر به دلیل پیشرفت ارتباطات و ترانسپورت و همچنان مهاجرت‌های داخلی در حال تغییر است. اما مطالعه دیدگاه‌های سیاسی روستاییان افغانستان برای فهمیدن لایه‌های سیاست در دهه‌های آینده کماکان با اهمیت است.

## ضمیمه الف: جداول

جدول ۲۳: میزان معلومات شرکت‌کنندگان از مذاکره امریکا و طالبان

درصدی	
۱۶,۳۳	معلومات زیاد
۴۵,۵۳	معلومات نسبی
۲۱,۷۳	معلومات کم
۱۳,۴۸	هیچ معلومات ندارند.
۲,۹۳	میزان معلومات‌شان را نگفته‌اند.

جدول ۲۴: منابعی که شرکت‌کنندگان از آن در مورد مذاکره امریکا و طالبان معلومات به دست آورده‌اند.

درصدی	
۸۰	رسانه‌ها
۴,۲	مسجد
۴,۱۳	محل کار
۳,۲۷	مکتب
۴,۰۷	بازار
۰,۸۷	منابع دیگر
۳,۶۷	منبع معلومات را نگفته‌اند.



جدول ۲۵: مانع عمده فراراه صلح/ حل سیاسی جنگ از نظر شرکت‌کنندگان

درصدی	
۲۰,۱۳	طالبان
۳۴,۸	پاکستان
۲۴,۶۷	امریکا
۵,۲	محمد اشرف غنی رییس جمهور
۵,۰۷	اپوزیسیون سیاسی
۳,۲۷	طرف‌های دیگر
۶,۸۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۲۶: الگوهای حل سیاسی

درصدی	
۷۱,۵۳	شرکت شورشیان در انتخابات
۷,۷۳	اداره موقت
۹,۱۳	به اشتراک گذاری قدرت (تقسیم وزارت خانه‌ها میان حکومت و طالبان)
۱,۸	تمرکززدایی از قدرت (دادن خودمختاری رسمی به مناطق زیر سلطه طالبان)
۹,۸	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۲۷: اگر حل سیاسی جنگ/ تلاش‌های صلح منجر به برگزاری انتخابات عمومی و شرکت طالبان/ شورشیان در آن شود، به کی رأی می‌دهید؟

درصدی	
۴۲,۳۳	حکومت برحال
۱,۷۳	طالبان
۷,۲	یک حزب دموکراتیک
۴,۷۳	یک تنظیم جهادی
۲۳,۱۳	یک حزب بی‌طرف
۱۱,۴۷	رأی نمی‌دهند.
۱,۳۳	نظر مشخص نداده‌اند.
۸,۰۷	حکومت برحال

جدول ۲۸: اگر حل سیاسی جنگ/ منجر به تشکیل اداره موقت شود، چه کسی باید آن را رهبری کنند؟

درصدی	
۳۷,۶	حکومت برحال
۱,۷۳	طالبان
۵,۸۷	ائتلافی از طالبان و حکومت برحال
۲۸,۸	یک جهت داخلی بی‌طرف
۴,۷۳	یک جهت بین‌المللی
۱۵,۱۳	حکومت موقت را هیچ نمی‌خواهند.
۰,۹۳	حکومت کنونی نباید منحل شود.
۶,۱۳	یک جهت دیگر

جدول ۲۹: اگر تلاش‌های صلح منجر به حکومت اشتراکی با طالبان قدرت شود، چگونه باید قدرت تقسیم شود؟

درصدی	
۸,۶۷	برخی از وزارت‌خانه‌ها به طالبان داده شود.
۲,۸۷	طالبان به عنوان یک نیروی خودمختار در چارچوب دولت پذیرفته شود.
۱۸,۶	تمام طرف‌های مطرح سیاسی سهم متناسب در حکومت و پارلمان داشته باشند.
۵۴,۱۳	حکومت مشارکتی با طالبان را نمی‌خواهند.
۱,۴۷	یک روش دیگر
۱۴,۲۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۰: اگر تلاش‌های صلح منجر به تمرکززدایی از قدرت، چگونه باید آن را عملی کرد؟

درصدی	
۷,۵۳	دولت فدرالی شکل بگیرد، طالبان در چارچوب نظم فدرالی مناطق‌شان را اداره کنند.
۳,۷۳	به طالبان در برخی از ولایات خودمختاری موقتی داده شود تا زمانی که صلح دائمی برقرار می‌شود.
۳,۶	به طالبان در برخی از ولسوالی‌ها خودمختاری موقتی داده شود تا زمانی که صلح دائمی برقرار
۸,۸	به مناطق زیر سلطه طالبانی تا زمانی خودمختاری داده شود که این گروه به شرکت در انتخابات
۵۴,۴	دادن خودمختاری به طالبان / تمرکززدایی از قدرت
۱,۰۷	یک روش دیگر
۲۰,۸۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۱: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسئول کشتار غیرنظامیان است؟

درصدی	
۳۵,۴۷	طالبان
۳,۲	حکومت
۲۲,۵۳	نیروهای خارجی
۱۴,۳۳	گروه‌های تروریستی جهانی
۱۶,۶۷	پاکستان
۶,۴	طرف‌های دیگر
۱,۴	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۲: با آن‌هایی که غیرنظامیان را کشته‌اند، چه شود؟

درصدی	
۵۱,۸۷	در دادگاه‌های افغانستان محاکمه شوند.
۲۷,۷۳	در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند.
۷,۳۳	به صورت علنی از مردم معذرت بخواهند.
۹,۰۷	عفو شوند.
۳,۶۷	به یک شیوه دیگر با آن‌ها برخورد شود.
۰,۳۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۳: در مورد برگشت طالبان به قدرت چه نظر دارید؟

درصدی	
۷	از برگشت طالبان به قدرت رضایت کامل دارند.
۱۰,۵۳	از برگشت طالبان به قدرت رضایت نسبی دارند.
۱۵,۶	از برگشت طالبان به قدرت به صورت نسبی
۵۸,۸	از برگشت طالبان به قدرت هیچ رضایت ندارند.
۹	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۴: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان

درصدی	
۴۰,۳۴	حمایت کامل از نظم سیاسی پس از بن
۲۷,۶	حمایت نسبی از نظم سیاسی پس از بن
۲۰,۵۳	مخالفت نسبی با نظم سیاسی پس از بن
۹	مخالفت کامل با نظم سیاسی پس از بن
۲,۵۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۵: میزان رضایت از عرضه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱

درصدی	
۱۳,۴۷	رضایت کامل
۵۶,۲	رضایت نسبی
۱۴,۲۷	نارضایتی نسبی
۱۳,۰۷	نارضایتی کامل
۲,۹۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۶: میزان رضایت از تأمین امنیت توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱

درصدی	
۶,۳۳	رضایت کامل
۳۷,۹۳	رضایت نسبی
۲۳,۸۷	نارضایتی نسبی
۳۰,۳۳	نارضایتی کامل
۱,۵۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۷: میزان موافقت و مخالفت با نظام سیاسی مدنظر طالبان برای افغانستان

درصدی	
۵,۲	موافقت کامل
۱۰,۰۷	موافقت نسبی
۱۵,۲	مخالفت نسبی
۶۱,۸۷	مخالفت کامل
۷,۶۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۸: چه کسی می‌تواند رئیس‌جمهور افغانستان باشد؟

درصدی	
۸۳,۸۷	کسی که با رأی مستقیم مردم انتخاب شود.
۲,۸	کسی که توسط لویه‌جرگه برگزیده شود.
۲,۶	کسی که توسط سران اقوام برگزیده شود.
۲,۶	کسی که توسط شورایی از عالمان دینی برگزیده شود.
۵,۱۳	کسی به زور قدرت را بگیرد.
۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۳۹: میزان مخالفت یا موافقت با کنترول دولت بر فعالیت‌های روزانه شهروندان

درصدی	
۴۰,۷۳	موافقت کامل
۲۴,۲۷	موافقت نسبی
۹,۷۳	مخالفت نسبی
۲۳,۸	مخالفت کامل
۱,۴۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۰: میزان مخالفت یا موافقت با حضور پلیس مذهبی در فضای عمومی

درصدی	
۱۰,۱۱	موافقت کامل
۱۵,۶	موافقت نسبی
۱۵,۱	مخالفت نسبی
۵۷,۳۹	مخالفت کامل
۱,۸	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۱: میزان حمایت یا مخالفت با حساب‌دهی حکومت به شهروندان

درصدی	
۸۶,۲	حمایت کامل
۸,۸	حمایت نسبی
۰,۶۷	مخالفت نسبی
۱	مخالفت کامل
۳,۳۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۲: آیا انتخابات سراسری حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟

درصدی	
۷۵,۶	بلی
۱۸,۸۷	نخیر
۵,۵۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۳: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که از طریق نمایندگان منتخب خود آن را اعمال می‌کند.

درصدی	
۵۴,۹۳	موافقت کامل
۲۵,۳۳	موافقت نسبی
۶	مخالفت نسبی
۲,۸۷	مخالفت کامل
۱۰,۶۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۴: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی‌اند؟

درصدی	
۷۳,۳۳	موافقت کامل
۱۴,۱۳	موافقت نسبی
۴,۸۷	مخالفت نسبی
۷,۶	مخالفت کامل
۰,۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۵: ویژگی بارز یک حزب سیاسی

درصدی	
۸۴	اراده عمومی / اراده مردم را تمثیل کند.
۳,۸	اراده یک قوم را تمثیل کند.
۳,۰۷	اراده رهبران مذهبی را تمثیل کند.
۱,۱۳	اراده یک جهت دیگر را تمثیل کند.
۷,۹۳	نظر مشخص نداده‌اند.



جدول ۴۶: چند حزب سیاسی در نظام سیاسی مطلوب شما باید وجود داشته باشد؟

درصدی	
۲۵,۱۳	یک حزب سیاسی
۲۳,۳۳	دو حزب سیاسی
۱۳,۴۷	بیشتر از دو حزب سیاسی
۲۵,۲۷	هیچ حزب سیاسی
۱۲,۸	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۷: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت

درصدی	
۱۴,۱۴	موافقت کامل
۱۶,۵۳	موافقت نسبی
۲۱,۷۳	مخالفت نسبی
۴۵,۷۳	مخالفت کامل
۱,۸۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۸: میزان حمایت یا مخالفت با حضور زنان در رسانه‌ها

درصدی	
۵۰,۷۳	حمایت کامل
۲۵,۷۳	حمایت نسبی
۱۰,۷۳	مخالفت نسبی
۱۲	مخالفت کامل
۰,۶۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۴۹: میزان موافقت یا مخالفت با آموزش زنان

درصدی	
۷۰,۳	موافقت کامل
۱۵	موافقت نسبی
۱۲,۶	مخالفت نسبی
۱,۶	مخالفت کامل
۰,۵۰	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۵۰: میزان موافقت یا مخالفت با کار زنان در دستگاه حکومت/ ادارات دولتی

درصدی	
۶۱,۷۳	موافقت کامل
۲۴,۴	موافقت نسبی
۷,۱۳	مخالفت نسبی
۵,۸۷	مخالفت کامل
۰,۸۷	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۵۱: حکومتی که مقام‌های کلیدی آن جنایتکاران جنگی باشند، مشروعیت دارد؟

درصدی	
۹,۱۳	بلی
۷۸,۷۴	نخیر
۱۲,۱۳	نظر مشخص نداده‌اند.

جدول ۵۲: میزان آگاهی از گفتگوهای طالبان و امریکا به تفکیک جنسیت

مرد	زن	
۱۸,۷۷	۱۳,۳۵	معلومات کامل
۴۶,۷۳	۴۴,۰۷	معلومات نسبی
۲۰,۷	۲۳	معلومات کم
۱۰,۹	۱۶,۶۲	هیچ معلومات ندارند.
۲,۹۱	۲,۹۷	نظر مشخص نداده‌اند.

**Pearson chi2(4) = 17.1608 Sig.= 0.002**

جدول ۵۳: میزان آگاهی در مورد گفتگوهای صلح آمریکا با طالبان به تفکیک قومیت

نظر مشخص نداده‌اند.	هیچ معلومات ندارند.	معلومات کم	معلومات نسبی	معلومات زیاد	
۲,۲۸	۹,۶۸	۲۴,۱	۴۲,۶۹	۲۱,۲۵	پشتون
۲,۳۸	۱۷,۰۶	۱۹,۰۱	۴۷,۰۸	۱۴,۴۷	تاجیک
۳,۷	۱۵,۱۵	۲۱,۸۹	۴۶,۴۶	۱۲,۷۹	هزاره
۵,۶۹	۱۷,۰۷	۲۰,۳۳	۴۸,۷۸	۸,۱۳	اوزبیک
۷,۸۹	۷,۸۹	۳۱,۵۸	۳۴,۲۱	۱۸,۴۲	مختلط
۰	۵,۷۷	۱۷,۳۱	۵۵,۷۷	۲۱,۱۵	اقوام دیگر

**Pearson chi2(20) = 50.7925 Sig.= 0.000**

جدول ۴: میزان آگاهی در مورد گفتگوهای صلح آمریکا با طالبان با تفکیک تحصیلات

معلومات زیاد	معلومات نسبی	معلومات کم	هیچ معلومات ندارند.	نظر مشخص نداده‌اند.	
۹,۲۴	۳۳,۷	۲۷,۱۷	۲۸,۲۶	۱,۶۳	بی‌سواد
۱۴,۱۳	۴۳,۴۸	۱۸,۴۸	۲۱,۷۴	۲,۱۷	ابتدایی
۱۶,۶۷	۴۲,۱۶	۲۳,۵۳	۱۴,۷۱	۲,۹۴	ثانوی
۱۴,۵۳	۴۷,۹۷	۲۳,۹۹	۱۰,۴۷	۳,۰۴	لیسه
۱۸,۸۲	۴۸,۲۷	۱۹,۷۲	۹,۹۹	۳,۲	دانشگاه
۱۷,۷۸	۴۲,۲۲	۲۲,۲۲	۱۳,۳۳	۴,۴۴	مدرسه
<b>Pearson chi2(20) = 68.0927 Sig.= 0.000</b>					

جدول ۵: میزان معلومات گفتگوهای طالبان و امریکا با تفکیک شغل

معلومات زیاد	معلومات نسبی	معلومات کم	هیچ معلومات ندارند.	نظر مشخص نداده‌اند.	
۱۰,۹۷	۴۶,۳۹	۲۴,۱۴	۱۳,۱۷	۵,۳۳	شاگردان / دانشجویان
۲۳,۲۸	۴۹,۸۴	۱۷,۰۵	۸,۵۲	۱,۳۱	کارمندان دولت
۲۳,۱۴	۴۵,۴۵	۱۸,۶	۹,۵	۳,۳۱	کارمندان سکتور خصوصی
۹,۰۹	۴۸,۴۸	۳۰,۳	۱۲,۱۲	۰	دهقانان
۱۲	۵۲	۲۲,۶۷	۱۲	۱,۳۳	کارگران
۱۵,۸۷	۴۸,۱۵	۱۸,۵۲	۱۵,۳۴	۲,۱۲	کسبه‌کاران
۱۲,۱۷	۳۷,۶۹	۲۶,۷۱	۲۰,۴۷	۲,۹۷	بی‌کاران
<b>Pearson chi2(24) = 77.2762 Sig.= 0.000</b>					

جدول ۵۶: میزان آگاهی از گفتگوهای طالبان و امریکا با تفکیک گرایش سیاسی

معلومات زیاد	معلومات نسبی	معلومات کم	هیچ معلومات ندارند.	نظر مشخص نداده‌اند.	
۱۹,۸۱	۴۷,۵۲	۲۰,۴۳	۱۰,۸۴	۱,۳۹	طرفدار حکومت
۱۸,۰۶	۴۸,۶۱	۱۶,۶۷	۱۶,۶۷	۰	مجاهد
۳۳,۳۳	۲۷,۷۸	۱۱,۱۱	۲۷,۷۸	۰	طرفدار طالب
۱۵	۱۸	۴۲	۲۵	۰	چپی
۲۱,۳۶	۵۱,۴۶	۱۹,۴۲	۶,۸	۰,۹۷	ملی‌گرا
۱۱,۳۱	۴۳,۴۴	۲۴,۲۶	۱۶,۰۷	۴,۹۲	قوم‌گرا
۱۰,۲۶	۳۰,۷۷	۳۰,۷۷	۱۷,۹۵	۱۰,۲۶	بی‌طرف
۱۴,۲۹	۴۲,۸۶	۰	۴۲,۸۶	۰	گرایش سیاسی نامشخص

Pearson chi2(28) = 79.2908 Sig.= 0.000

جدول ۵۷: مانع عمده صلح با تفکیک جنسیت

مرد	زن	
۱۳,۳۲	۲۸,۴۹	طالبان
۳۸,۳۸	۳۰,۴۲	پاکستان
۲۶,۲۷	۲۲,۷	امریکا
۵,۶۹	۴,۶	محمد اشرف غنی
۶,۵۴	۳,۲۶	اپوزیسیون سیاسی
۴,۱۲	۲,۲۳	طرف‌های دیگر
۵,۶۹	۸,۳۱	پاسخ مشخص نداده‌اند.

Pearson chi2(6) = 67.5664 Sig.= 0.000

جدول ۵۸: مانع عمدی صلح با تفکیک هویت قومی

پشتون	تاجیک	هزاره	اوزبک	مختلط	اقوام دیگر	
۱۵.۵۶	۲۰.۷۳	۲۶.۹۴	۲۳.۵۸	۲۱.۰۵	۱۳.۴۶	طالبان
۳۹.۲۸	۳۱.۷۵	۳۱.۶۵	۳۳.۳۳	۲۸.۹۵	۴۲.۳۱	پاکستان
۲۸.۰۸	۲۴.۸۴	۱۷.۱۷	۲۴.۳۹	۳۶.۸۴	۲۳.۰۸	امریکا
۳.۹۸	۵.۱۸	۸.۴۲	۳.۲۵	۵.۲۶	۳.۸۵	محمد اشرف غنی
۵.۶۹	۵.۱۸	۵.۰۵	۱.۶۳	۰	۹.۶۲	اپوزیسیون سیاسی
۳.۰۴	۳.۰۲	۴.۰۴	۲.۴۴	۵.۲۶	۳.۸۵	جهت‌های دیگر
۴.۳۶	۹.۲۹	۶.۷۳	۱۱.۳۸	۲.۶۳	۳.۸۵	پاسخ مشخص نداده اند
<b>Pearson chi2(30) = 63.7168 Sig. = 0.000</b>						

جدول ۵۹: مانع عمدی صلح با تفکیک تحصیلات

بی‌سواد	ابتدایی	ثانوی	لیسه	دانشگاه	مدرسه	
۱۸.۴۸	۱۸.۴۸	۲۴.۵۱	۱۸.۹۲	۲۱.۲۵	۸.۸۹	طالبان
۳۲.۰۷	۳۴.۷۸	۳۱.۳۷	۳۹.۸۶	۳۴.۰۶	۳۳.۳۳	پاکستان
۲۷.۱۷	۳۰.۴۳	۲۲.۵۵	۲۱.۲۸	۲۳.۸۲	۴۴.۴۴	امریکا
۹.۷۸	۷.۶۱	۱۰.۷۸	۳.۷۲	۳.۹۷	۰	محمد اشرف غنی
۳.۲۶	۱.۰۹	۵.۸۸	۵.۰۷	۵.۸۹	۴.۴۴	اپوزیسیون سیاسی
۲.۱۷	۱.۰۹	۱.۹۶	۴.۰۵	۳.۸۴	۰	جهت‌های دیگر
۷.۰۷	۶.۵۲	۲.۹۴	۷.۰۹	۷.۱۷	۸.۸۹	پاسخ مشخص نداده اند
<b>Pearson chi2(30) = 52.3738 Sig. = 0.007</b>						

پاسخ مشخص ن داده اند	جهت‌های دیگر	اپوزیسیون سیاسی	محمد اشرف غنی	آمریکا	پاکستان	طالبان	
۶.۱۹	۳.۴۱	۴.۹۵	۳.۸۷	۲۳.۶۸	۳۴.۹۸	۲۲.۹۱	طرفدار حکومت
۵.۵۶	۰	۰	۱۶.۶۷	۴۰.۲۸	۲۵	۱۲.۵	مجاهد
۰	۳.۵۶	۱۱.۱۱	۲۹.۷۸	۵۵.۵۶	۰	۰	طرفدار طالب
۰	۰	۰	۴۰	۲۰	۴۰	۰	چپی
۴.۸۵	۵.۸۳	۵.۸۳	۶.۸	۱۹.۴۲	۳۶.۸۹	۲۰.۳۹	ملی‌گرا
۷.۸۷	۲.۶۲	۵.۵۷	۴.۱	۲۳.۴۴	۳۶.۵۶	۱۹.۸۴	قوم‌گرا
۱۲.۸۲	۱۰.۲۶	۵.۱۳	۵.۱۳	۳۳.۳۳	۳۰.۷۷	۲.۵۶	بی‌طرف
۱۴.۲۹	۱۴.۲۹	۰	۰	۱۴.۲۹	۴۲.۸۶	۱۴.۲۹	بدون‌گرایش مشخص سیاسی

---

**Pearson chi2 (42) =118. 9193 Sig.=0.000**

---

ولایت	طالبان	پاکستان	آمریکا	محمد اشرف غنی	اپوزیسیون سیاسی	جهت‌های دیگر	پاسخ مشخص نداده اند
کابل	۳۳.۳۳	۲۶	۲۰.۶۷	۴.۶۷	۴.۶۶	۲.۶۷	۸
هرات	۴۳.۵۶	۳۷.۷۸	۱۳.۳۳	۲.۱۱	۳.۲۲	۰.۰۰	۰
بلخ	۴۰	۱۰	۱۱.۳۳	۶.۶۷	۸.۶۷	۱۸.۳۳	۵
کندهار	۶.۶۷	۵۵	۲۸.۳۳	۵	۳.۳۳	۱.۶۷	۰
ننگرهار	۴۳.۳۳	۴۶.۶۷	۳.۳۳	۱.۶۷	۵	۳۳.۳	۰
بدخشان	۲۵	۳۵	۲۱.۶۷	۱.۶۷	۱.۶۷	۳.۳۳	۱۱.۶۷
فاریاب	۲۰	۴۶.۳۳	۱۵.۶۷	۴	۷	۵	۲
غزنی	۱۵	۳۰	۳۸.۳۳	۱۰	۰	۰	۶.۶۷
هلمند	۱۵	۲۶.۶۷	۳۸.۳۳	۵	۵	۳.۳۳	۶.۶۷
بادغیس	۱۳.۳۳	۳۶.۶۷	۱۶.۶۷	۳.۳۳	۰	۳.۳۳	۲۶.۶۷
بغلان	۲۵	۲۶.۶۷	۴۳.۳۳	۳.۳۳	۱.۶۷	۰	۰
بامیان	۴۳.۳۳	۲۶.۶۷	۳.۳۳	۶.۶۷	۶.۶۷	۰	۱۳.۳۳
دایکندی	۵۱.۳۳	۱۱.۳۳	۸.۶۷	۱۰	۵	۷	۶.۶۷
فراه	۶.۶۷	۶۰	۶.۶۷	۳.۳۳	۱۳.۳	۰	۱۰
غور	۱۳.۳۳	۳۰	۲۰	۳۰	۰	۰	۶.۶۷
جوزجان	۱۳.۳۳	۳۳.۳۳	۲۳.۳۳	۱۰	۱۶.۶	۰	۳.۳۳
کاپیسا	۶.۶۷	۲۰	۳۶.۶۷	۲۰	۰	۰	۱۶.۶۷
خوست	۱۳.۳۳	۳۰	۳۰	۰	۱۳.۳	۳.۳۳	۱۰
کندهار	۲۶.۶۷	۳۵	۲۳.۳۳	۱.۶۷	۳.۳۳	۰	۱۰



۶.۶۷	.	۶.۶۷	۱۳.۳	۳۳.۳۳	۲۶.۶۷	۱۳.۳۳	کنر
.	۳.۳۳	۳.۳۳	۳.۳۳	۵۳.۳۳	۳۳.۳۳	۳.۳۳	لغمان
۳.۳۳	.	۱۶.۶	.	۱۳.۳۳	۵۶.۶۷	۱۰	لوگر
۳.۳۳	.	۱۰	.	۱۶.۶۷	۴۰	۳۰	میدان وردک
۷.۲	۳.۲۵	۶.۶۷	۳.۳۳	۲۰	۴۶.۲۲	۱۳.۳۳	نیمروز
۶.۶۷	.	۳.۳۳	.	۳۰	۴۶.۶۷	۱۳.۳۳	نورستان
.	.	۲۰	۲۶.۶	۳۳.۳۳	۱۶.۶۷	۳.۳۳	پکتیا
.	.	.	.	۲۰	۷۰	۱۰	پکتیکا
۱۶.۶۷	.	.	.	۱۳.۳۳	۳۳.۳۳	۳۶.۶۷	پنجشیر
۱۳.۳۳	۳۳.۳۳	۶.۶۷	۱۰	۲۳.۳۳	۶.۶۷	۶.۶۷	پروان
.	.	۲۰	.	۱۶.۶۷	۲۳.۳۳	۴۰	سمنگان
.	.	.	۳.۳۳	۱۶.۶۷	۵۶.۶۷	۲۳.۳۳	سرپل
۱۶.۶۷	.	۱.۶۷	۵	۳۱.۶۷	۲۸.۳۳	۱۶.۶۷	تخار
۳.۳۳	.	۳.۳۳	۶.۶۷	۱۳.۳۳	۴۶.۶۷	۲۶.۶۷	ارزگان
.	۱۰	.	۳.۳۳	۴۰	۴۰	۶.۶۷	زابل

---

جدول ۲۲: میزان حمایت و مخالفت از نظم سیاسی پس از سال ۲۰۰۱ در مقایسه با حکومت طالبان با تفکیک ولایات

ولایت	حمایت کامل	حمایت نسبی	مخالفت نسبی	مخالفت کامل	نظر مشخص نداده اند
کابل	۶۸.۶۷	۱۶	۸	۵	۲.۳۳
هرات	۶۷.۷۸	۱۸.۸۹	۱۰.۲۲	۲	۱.۱۱
بلخ	۶۰	۱۳.۳۳	۶.۶۷	۱۵	۵
کندهار	۴۰	۱۱.۶	۱۰	۳۶.۷	۱.۷
ننګرهار	۵۶.۳۳	۲۱.۶	۱.۶۷	۵.۶۶	۱۴.۶۷
بدخشان	۵۲.۳۳	۲۳.۳۳	۸.۶۷	۸	۷.۶۷
فاریاب	۷۵	۱۰	۷	۳.۵	۴.۵
غزنی	۵۷.۶۷	۱۵	۶.۹۸	۱۶.۶۵	۳.۷
هلمند	۳۳	۷.۶۷	۴	۴۰.۳۳	۱۵
بادغیس	۳۰	۴۶.۶۷	۳.۳۳	۱۶.۶۷	۳.۳۳
بغلان	۱۰	۱۱.۶۷	۱۱.۶۷	۶۰	۶.۶۷
بامیان	۷۹.۲	۴.۶۴	۹.۵۶	۴	۲.۶
دایکندی	۷۱.۳۳	۱۰	۶.۶۷	۸	۴
فراه	۲۰	۲۶.۶۷	۱۶.۶۷	۲۰	۱۶.۶۷
غور	۵۲	۱۳.۳۳	۲۲.۳۳	۴.۶۷	۷.۶۷
جوزجان	۲۶.۶۷	۲۰	۱۰	۲۶.۶۷	۱۶.۶۶
کاپیسا	۲۶.۶۴	۴۳.۳۳	۳.۳	۶.۵۳	۲۰.۲
خوست	۱۶.۶۷	۱۶.۶۷	۱۳.۳۳	۳۳.۳۳	۲۰
کنڈز	۵۰	۱۴	۱۶.۶۷	۱۲.۶۶	۶.۶۷

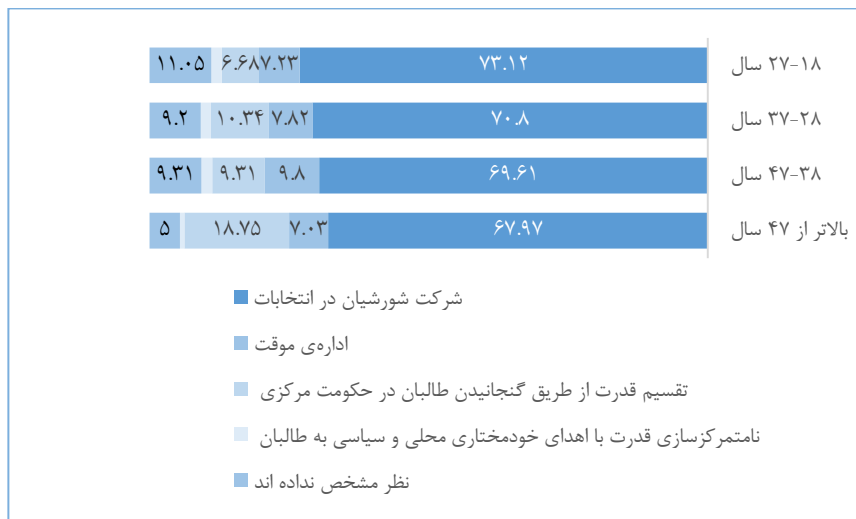
۶.۶۷	۶	۳.۳۳	۵۰.۶۷	۳۳.۳۳	کنر
۱۶.۶۷	۳.۳۳	۱۰	۱۳.۳۳	۵۶.۶۷	لغمان
۳.۵	۸	۳۳.۲	۳۴	۲۱.۳	لوگر
۱۰	۲۶.۶۷	۶.۶۷	۳۶.۶۷	۲۰	میدان وردک
۴	۳.۳۳	۱۰	۴۸.۶۷	۳۴	نیمروز
۱۶.۶۷	۳.۳۳	۶.۶۷	۳۳.۳۳	۴۰	نورستان
۲۰	۶.۶۷	۳.۳۳	۴۶.۶۷	۲۳.۳۳	پکتیا
۸	۳۰	۱۰.۳۳	۱۴	۳۷.۶۷	پکتیکا
۱۲	۱۱.۳۳	۶.۶۷	۱۰	۶۰	پنجشیر
۴.۳۳	۱۶.۶۷	۱۰	۳۳.۳۳	۵۵.۶۷	پروان
۸	۱۰	۱.۳۳	۲۰.۶۷	۶۰	سمنگان
۳.۳۳	۵.۳۴	۸	۵۳.۳۳	۳۰	سرپل
۹.۶۷	۲۶.۶۷	۱۰	۳۵	۱۸.۶۶	تخار
۱۳.۳۳	۲۶.۶۷	۲۶.۶۷	۱۳.۳۳	۲۰	ارزگان
۱۶.۶۶	۴۳.۶۷	۱۳	۱۶.۶۷	۱۰	زابل

جدول ۶۳: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک گرایش سیاسی

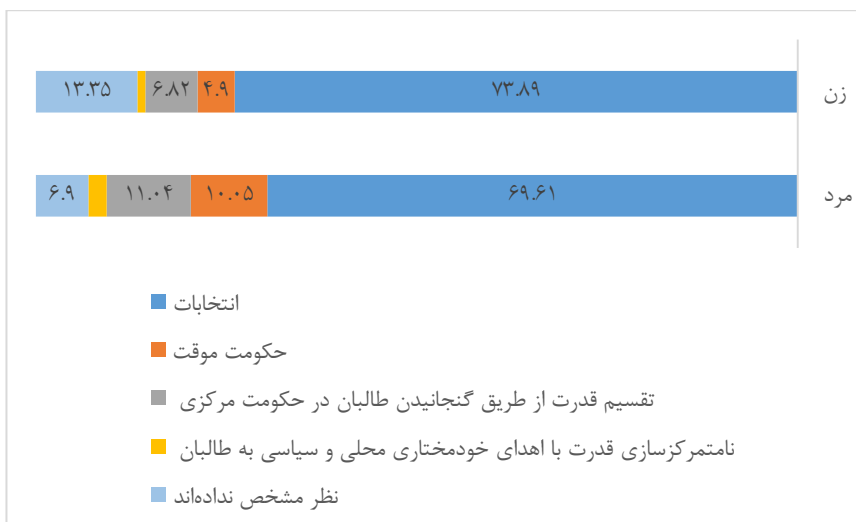
گرایش سیاسی نامشخص	بی طرف	قوم‌گرا	ملی‌گرا	چپ	طرف‌دار طالب	مجاهدین	طرف‌دار حکومت	
								کسی که با رأی مستقیم مردم انتخاب شود.
۸۵.۷۱	۷۱.۷۹	۸۲.۷۹	۸۶.۴۱	۶۵	۱۱.۱۱	۷۰.۸۳	۸۷.۷۷	
								کسی که توسط لویه‌جرگه برگزیده شود.
۰	۲.۵۶	۲.۷۹	۱.۹۴	۱۰.۶	۵.۵۶	۴.۱۷	۲.۷۹	
								کسی که توسط سران اقوام برگزیده شود.
۰	۵.۱۳	۱.۸	۴.۸۵	۱۲	۲۲.۲۱	۱۱.۱۱	۱.۷	
								کسی که توسط شورایی از عالمان دینی برگزیده شود.
۱۴.۲۹	۲.۵۶	۲.۳	۵.۸۳	۵.۳۵	۳۸.۸۹	۴.۱۷	۱.۵۵	
								کسی که به زور قدرت را بگیرد.
۰	۱۰.۲۶	۳.۷۷	۰.۹۷	۵	۵.۵۶	۶.۹۴	۱.۷	
								نظر مشخص نداده‌اند.
۰	۷.۷	۶.۵۶	۰	۱.۶	۱۶.۶۷	۲.۷۸	۴.۴۹	

## ضمیمه ب: شکل‌ها

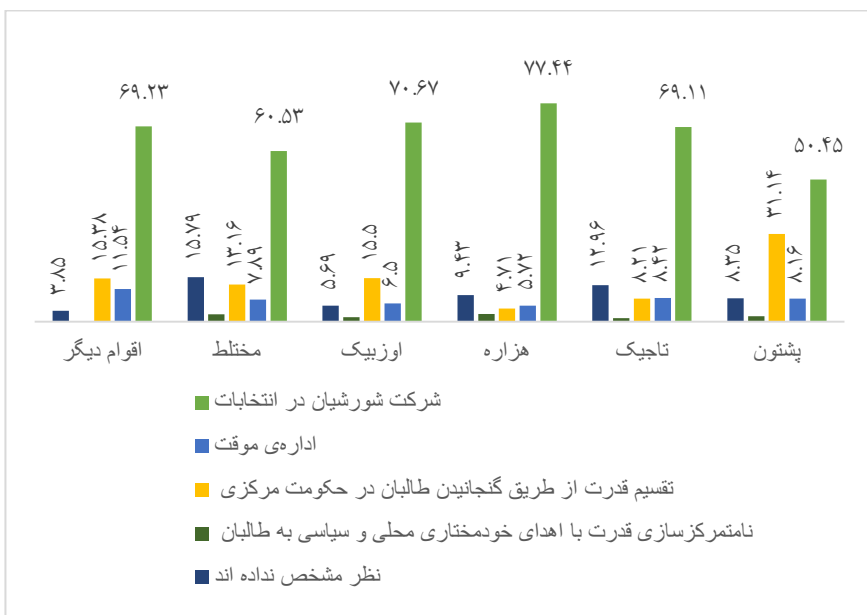
شکل ۲۲: میکانیزم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک سن



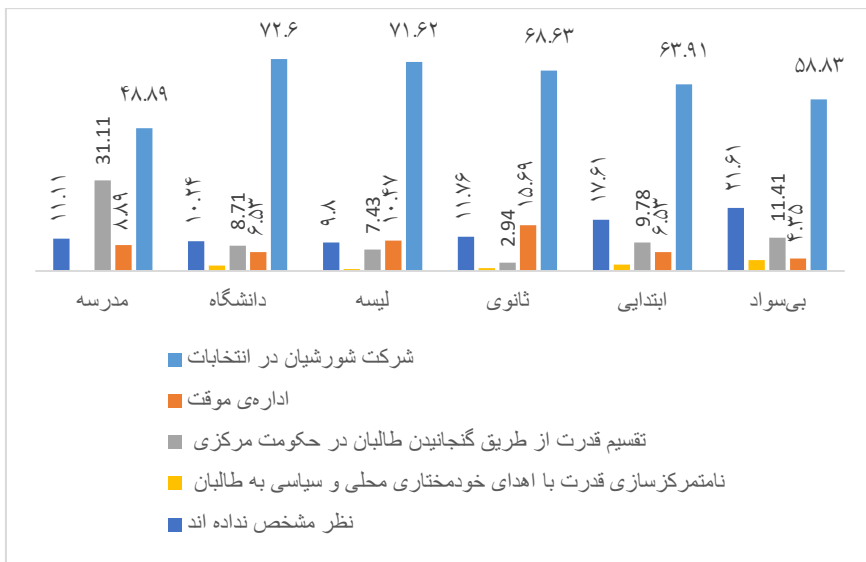
شکل ۲۳: میکانیزم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک جنسیت



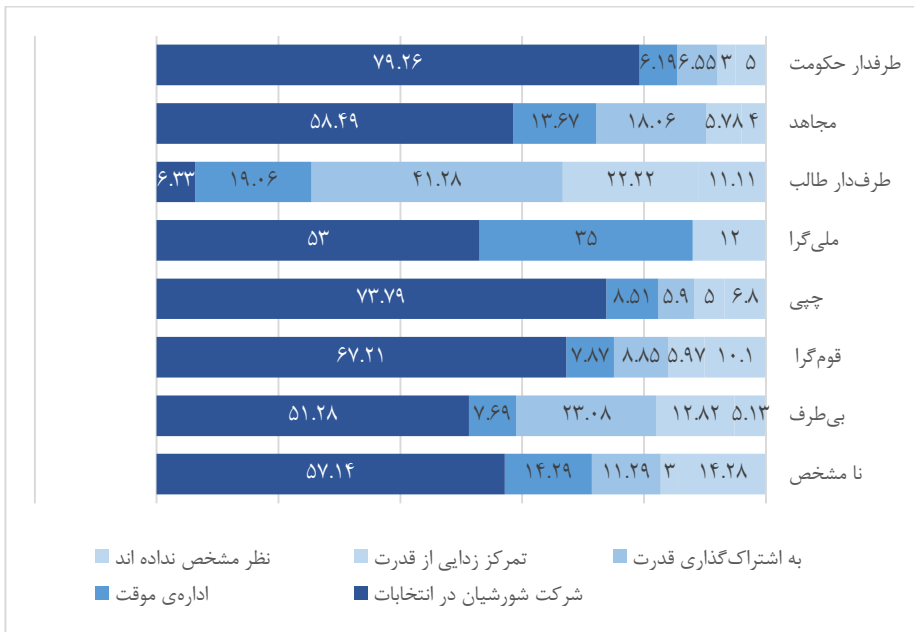
شکل ۲۴: میکانیزم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک قومیت



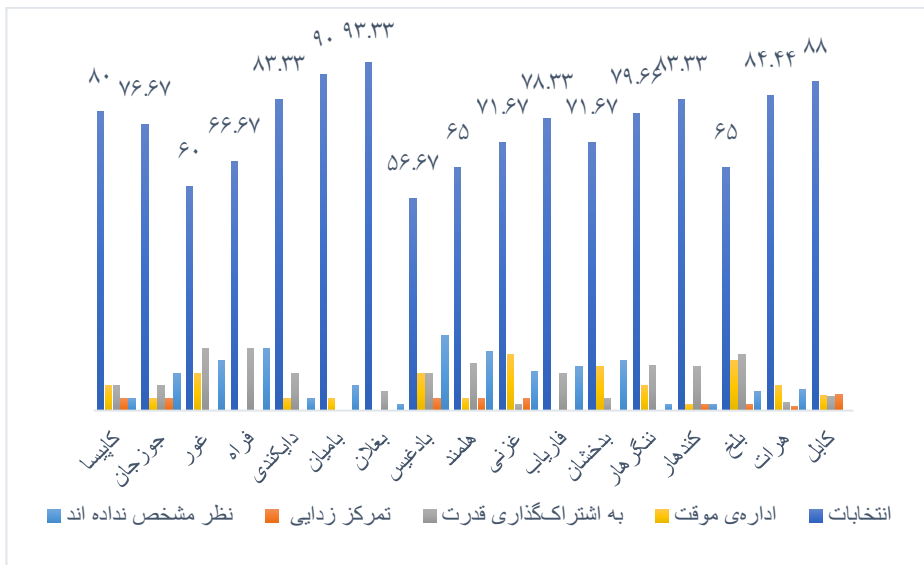
شکل ۲۵: میکانیزم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک تحصیلات



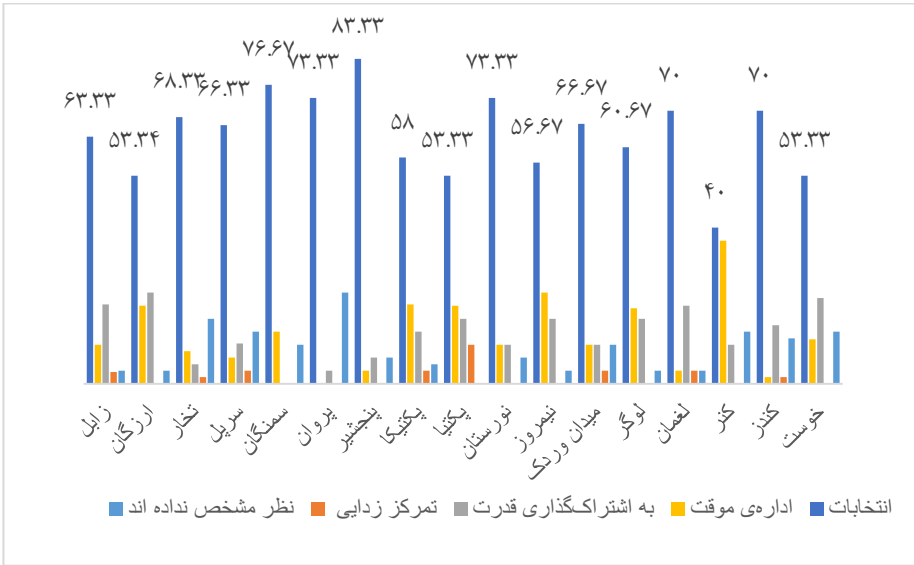
شکل ۲۶: مکانیسم حل و فصل سیاسی با تفکیک گرایش سیاسی



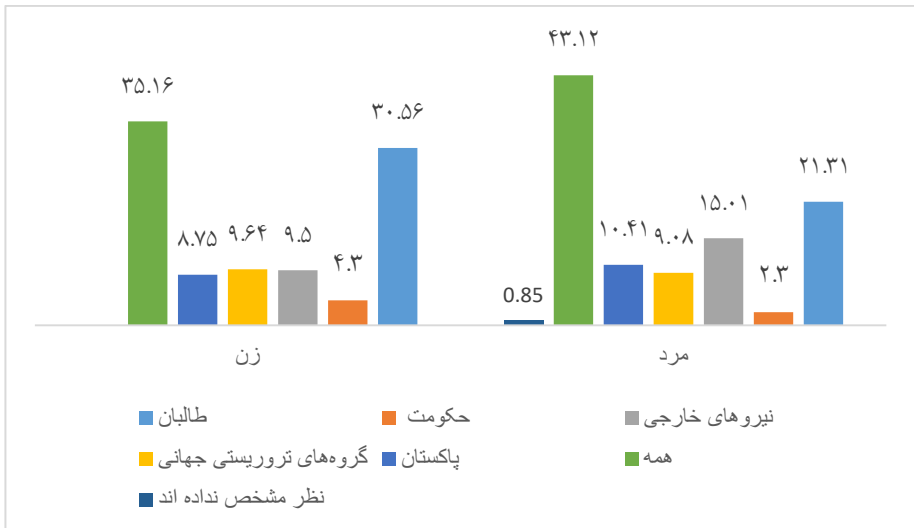
شکل ۲۷: مکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک ولایات



شکل ۲۸: میکانیسم مطلوب برای حل و فصل سیاسی مطلوب با تفکیک ولایات

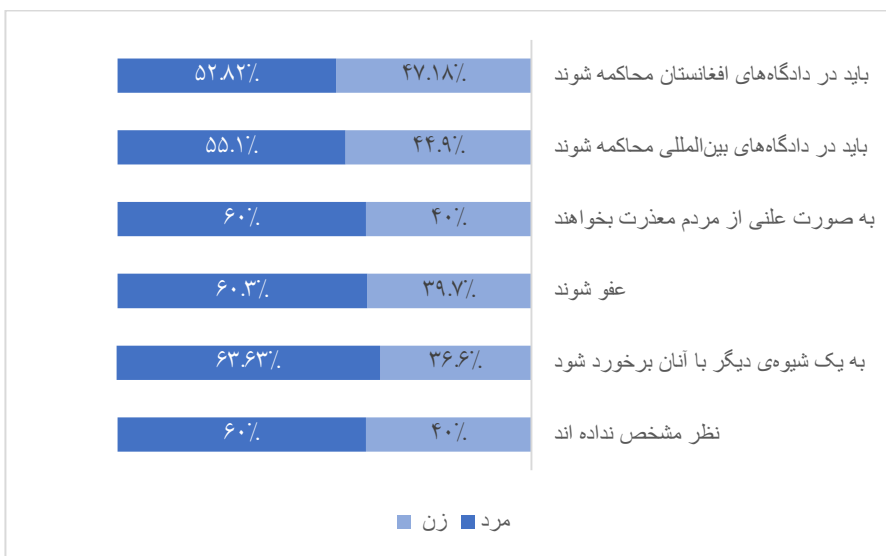


شکل ۲۹: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت

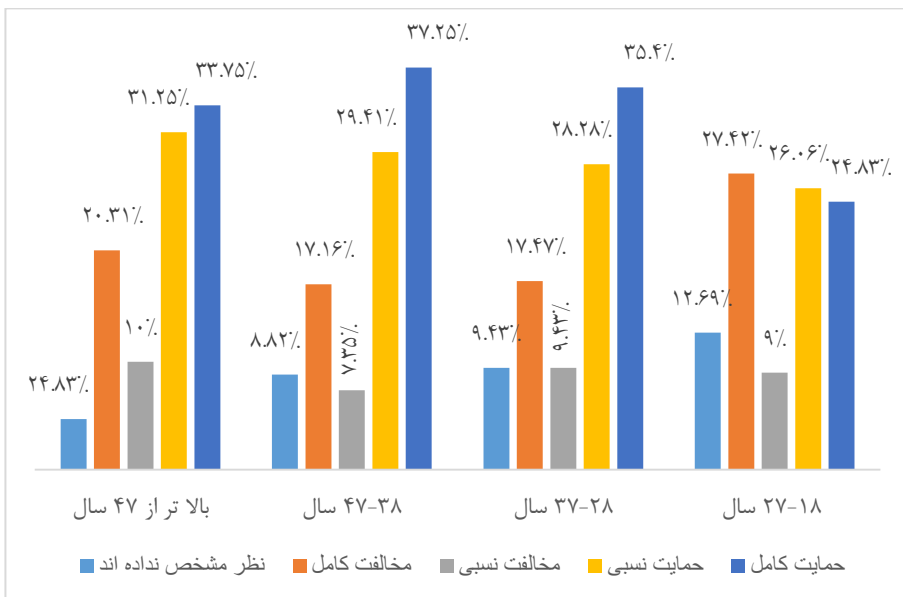




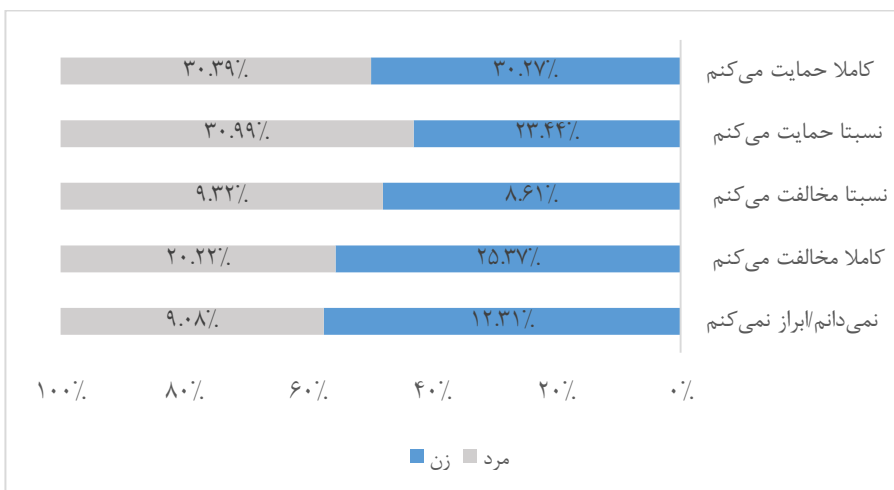
شکل ۳۰: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت



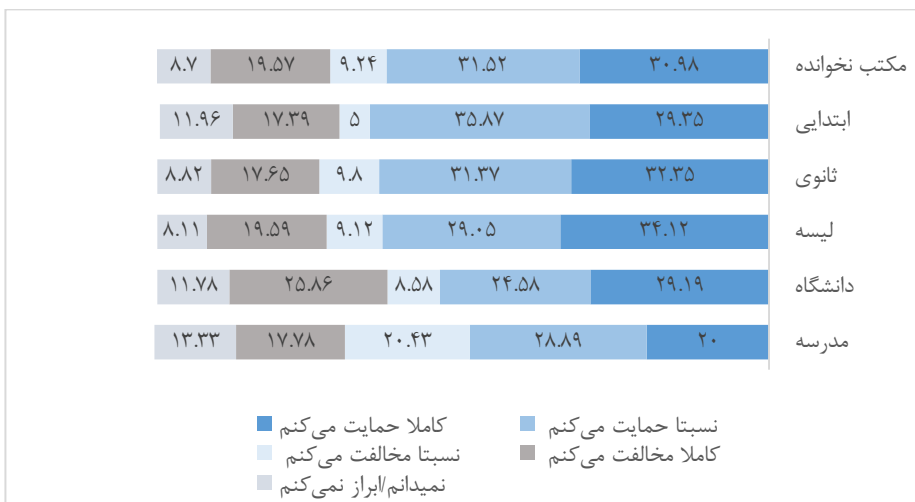
شکل ۳۱: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک سن



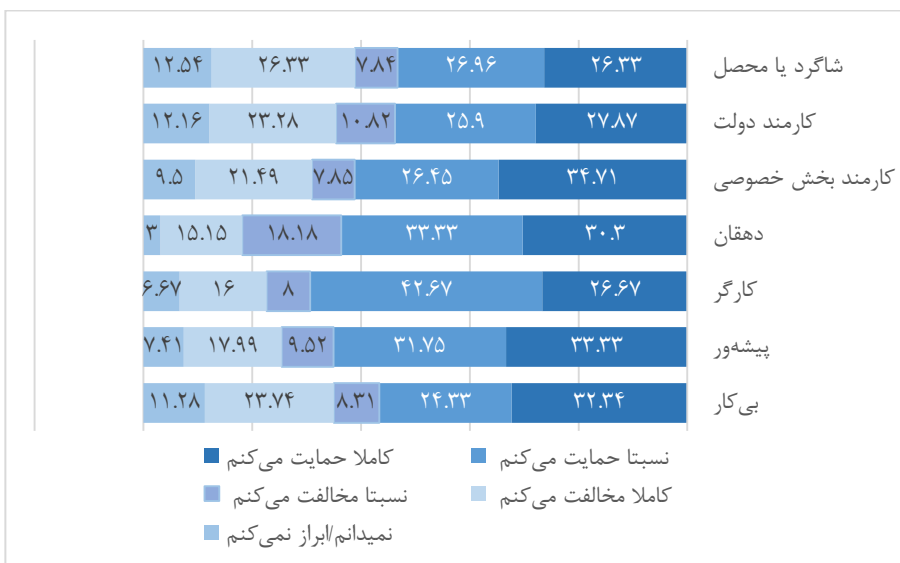
شکل ۳۲: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک جنسیت



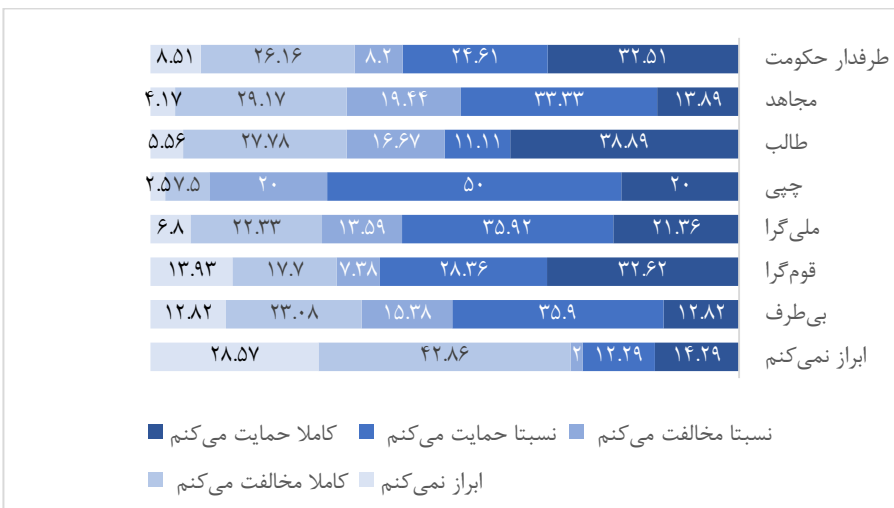
شکل ۳۳: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک سطح تحصیل



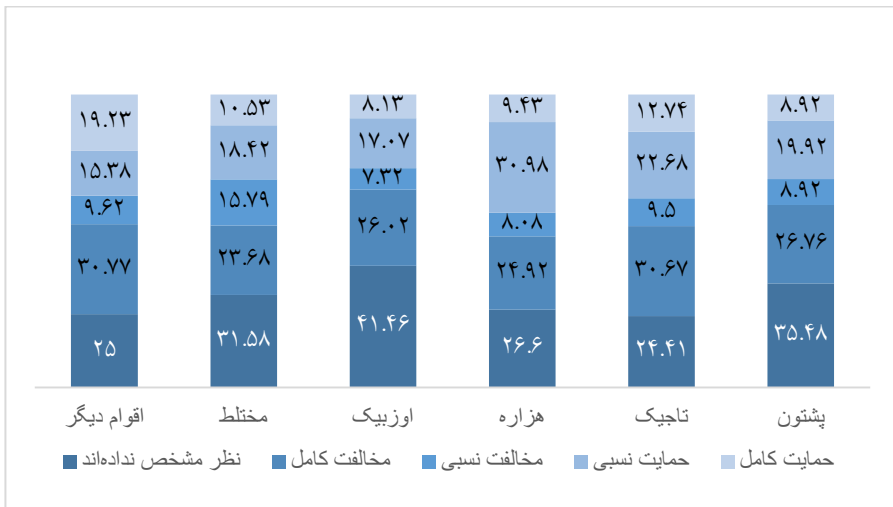
شکل ۳۴: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک شغل



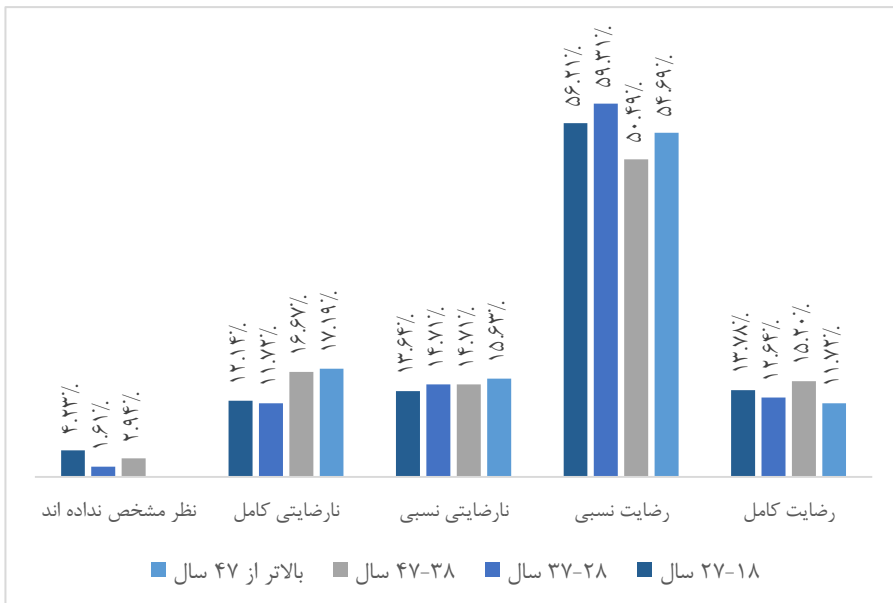
شکل ۳۵: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ به تفکیک گرایش سیاسی



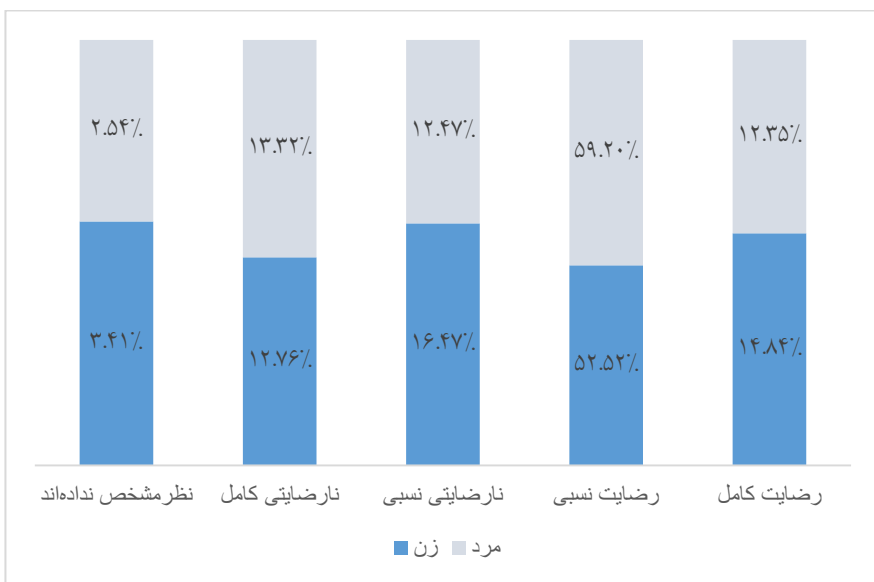
شکل ۳۶: کدام جهت در جنگ‌های پس از سال ۲۰۰۱ مسوول کشتار غیر نظامیان است؟ با تفکیک قومیت



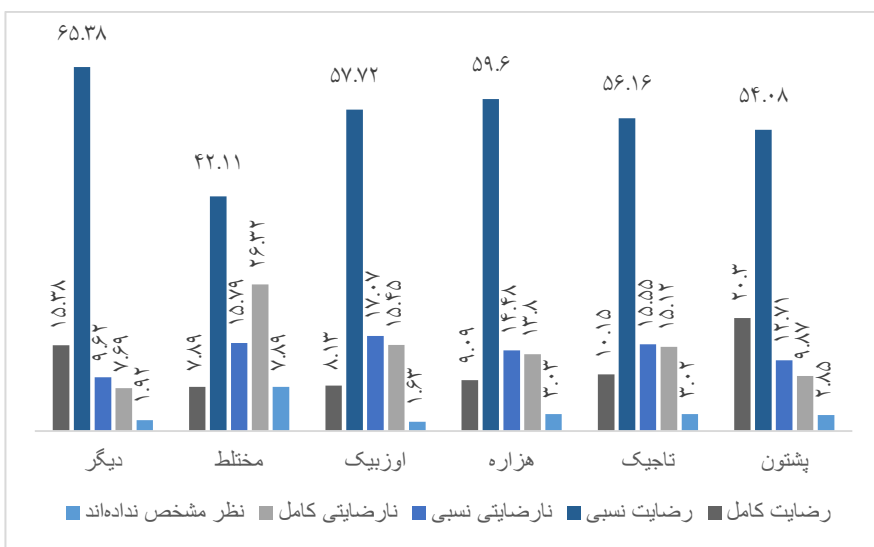
شکل ۳۷: میزان رضایت از عرضیه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ به تفکیک سن



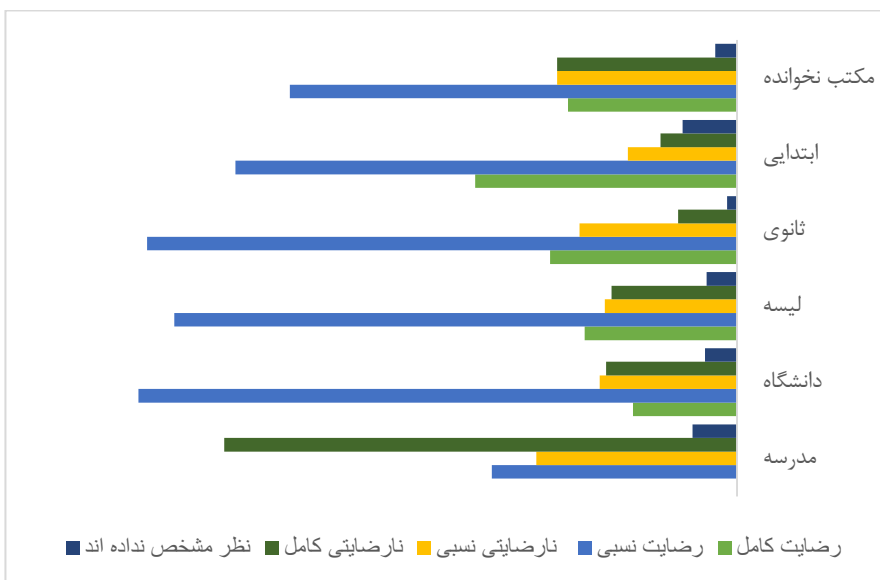
شکل ۳۸: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک جنسیت



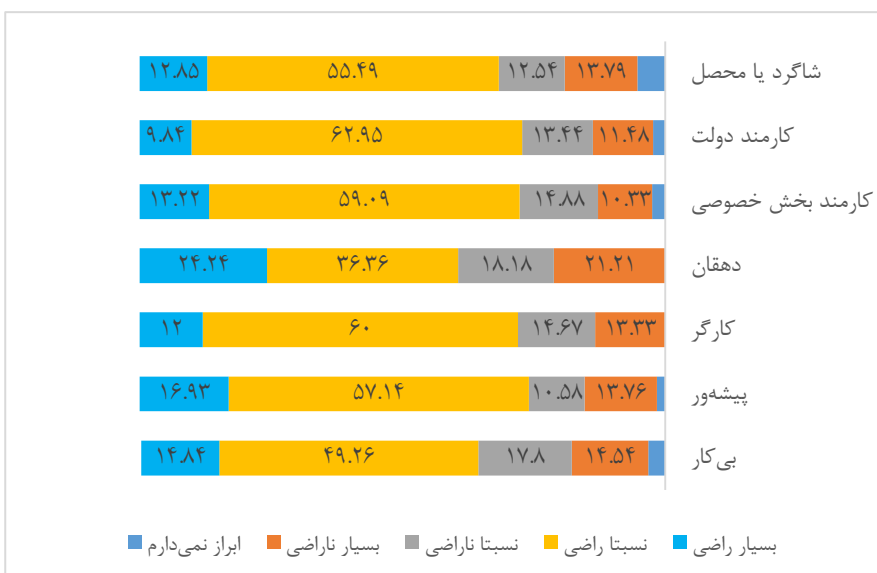
شکل ۳۹: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک قومیت



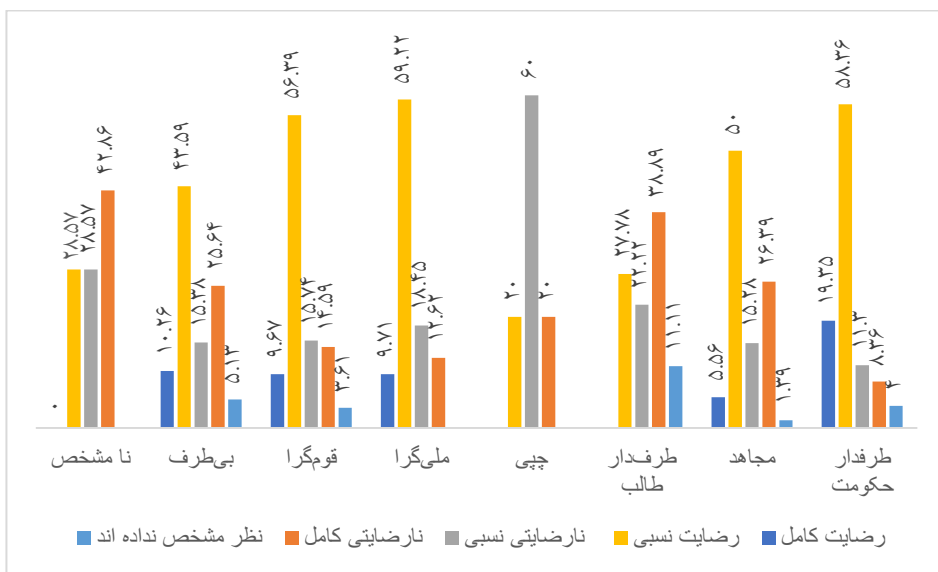
شکل ۴۰: میزان رضایت از عرضیه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک سطح تحصیل



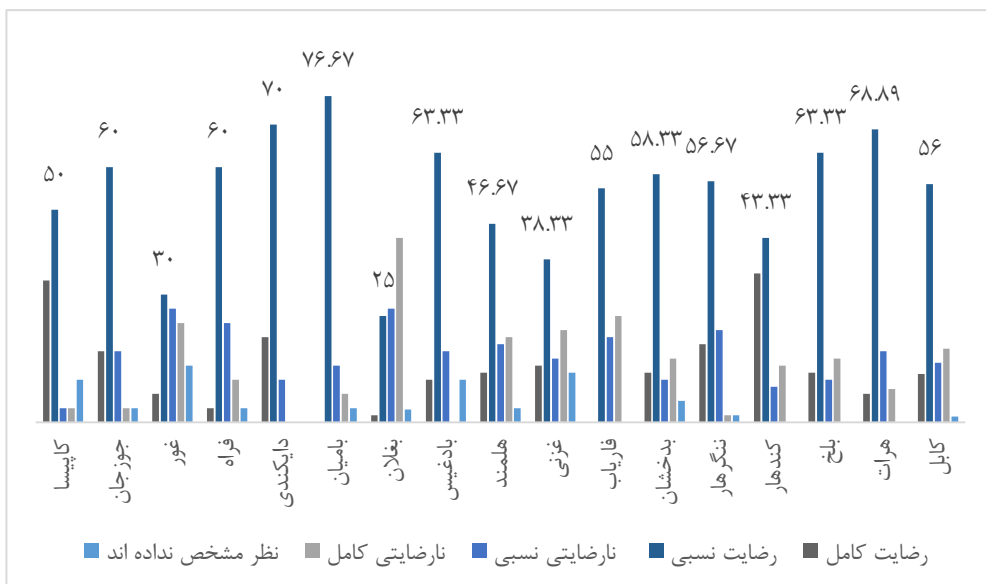
شکل ۴۱: میزان رضایت از عرضیه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک شغل



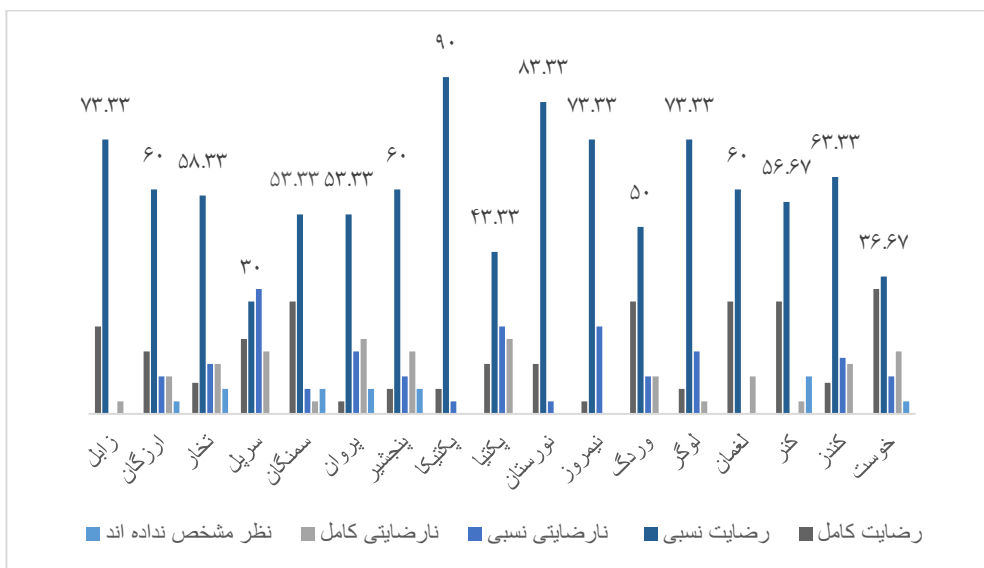
شکل ۴۲: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک گرایش سیاسی



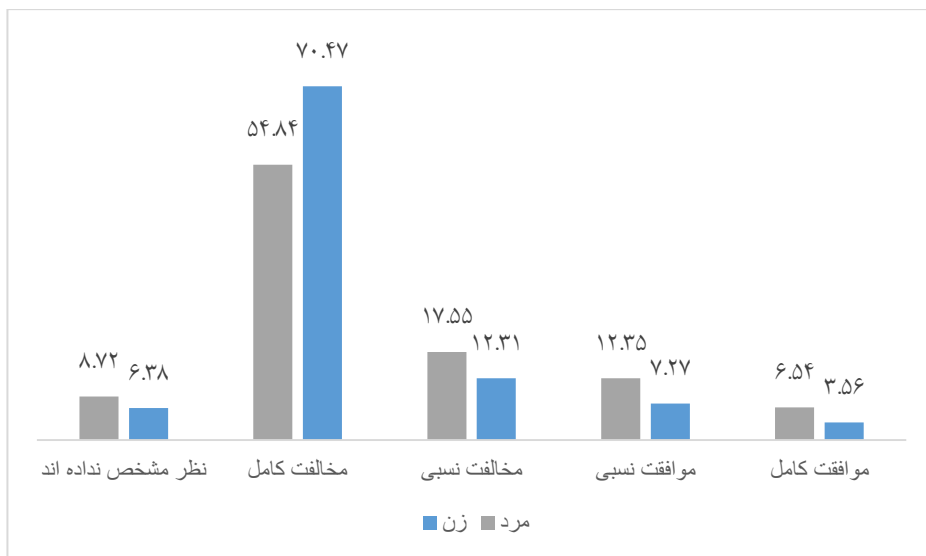
شکل ۴۳: میزان رضایت از عرضه‌ی خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک ولایت



شکل ۴۴: میزان رضایت از عرضیه خدمات اساسی توسط حکومت پس از سال ۲۰۰۱ با تفکیک ولایت

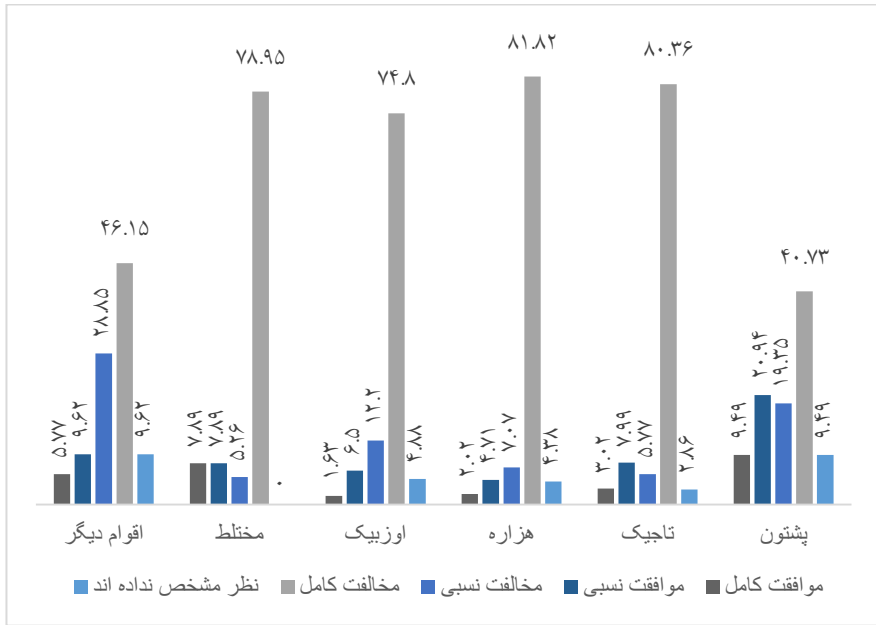


شکل ۴۵: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی با تفکیک جنسیت

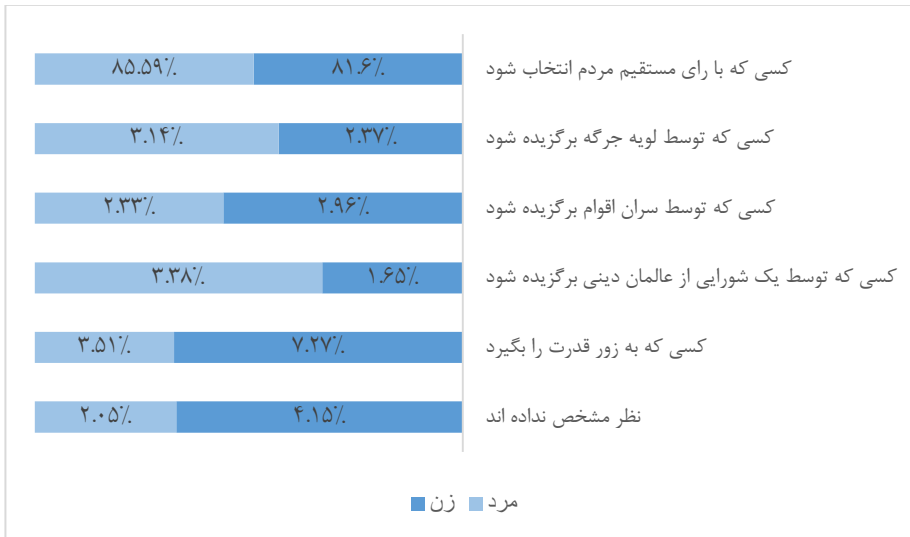




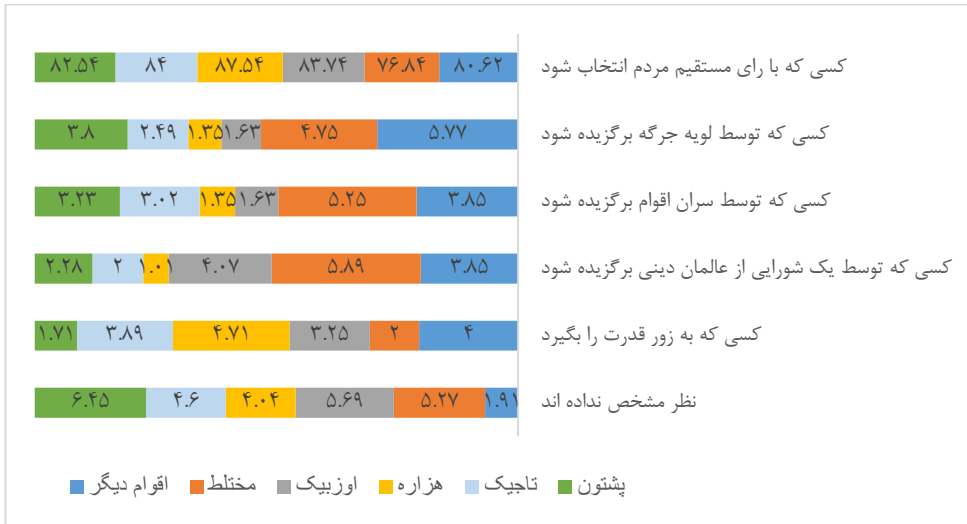
شکل ۴۶: میزان موافقت و مخالفت با نظام طالبانی با تفکیک قومیت



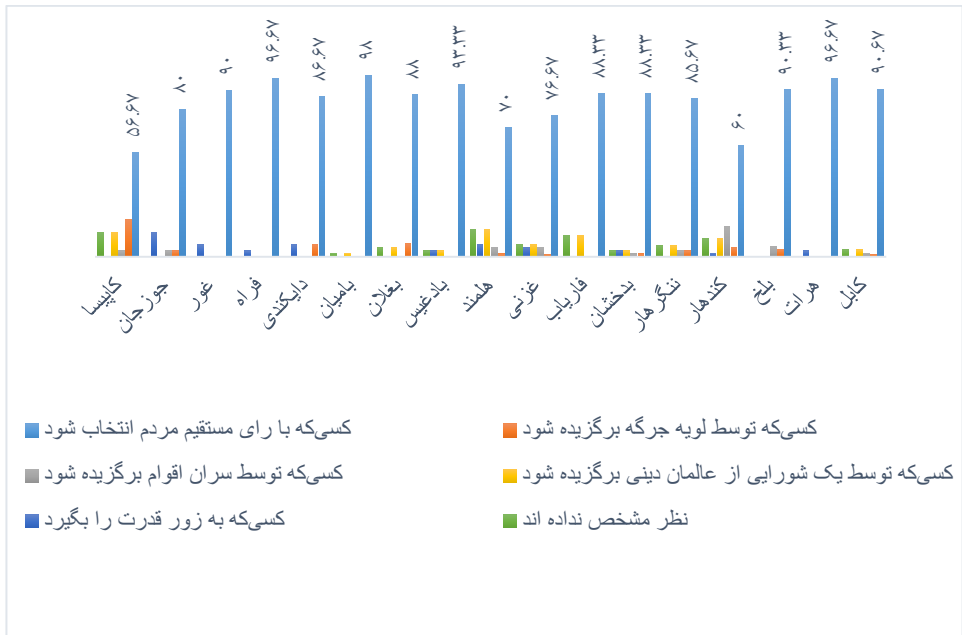
شکل ۴۷: چه کسی می‌تواند رییس جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک جنسیت



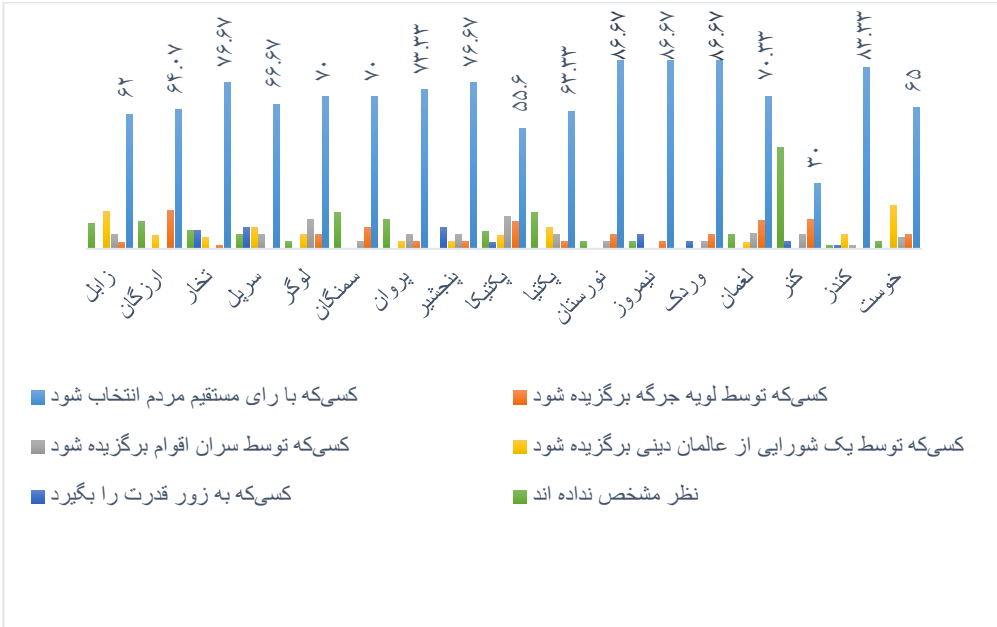
شکل 48: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک قومیت



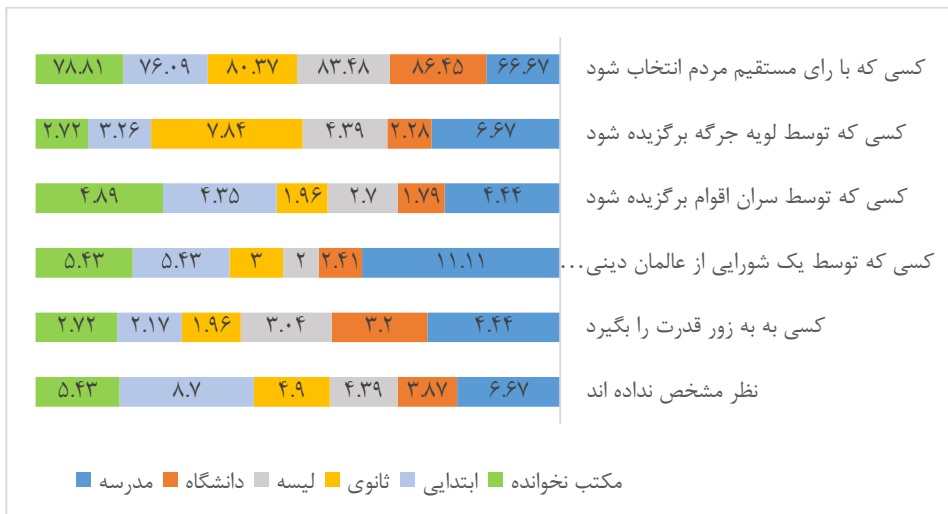
شکل ۴۹: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایت



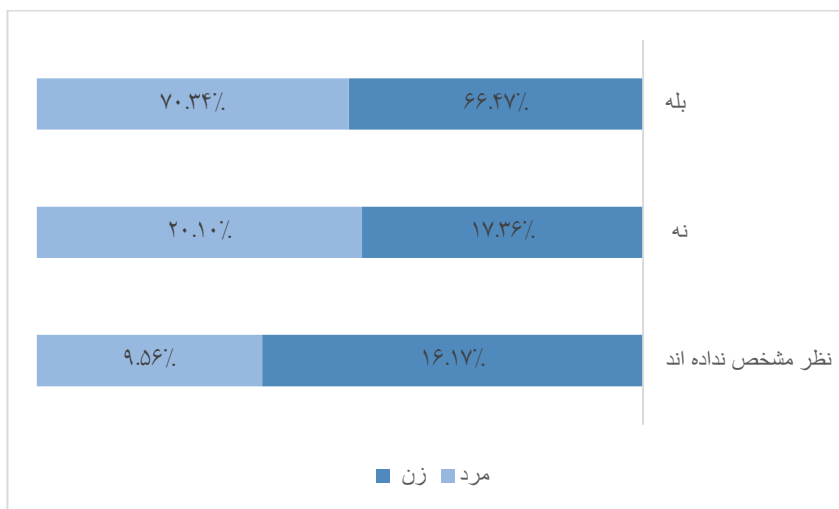
شکل ۵۰: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک ولایت



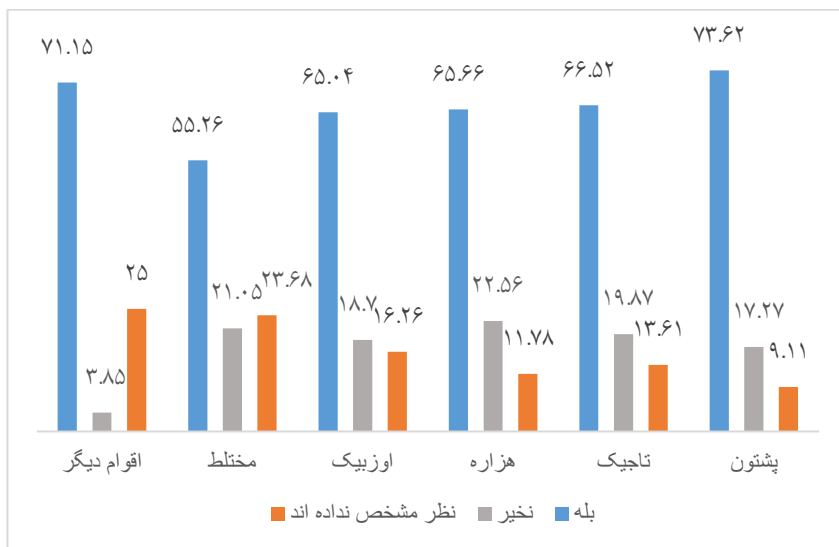
شکل ۵۱: چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان باشد؟ با تفکیک سطح تحصیل



شکل ۵۲: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک جنسیت



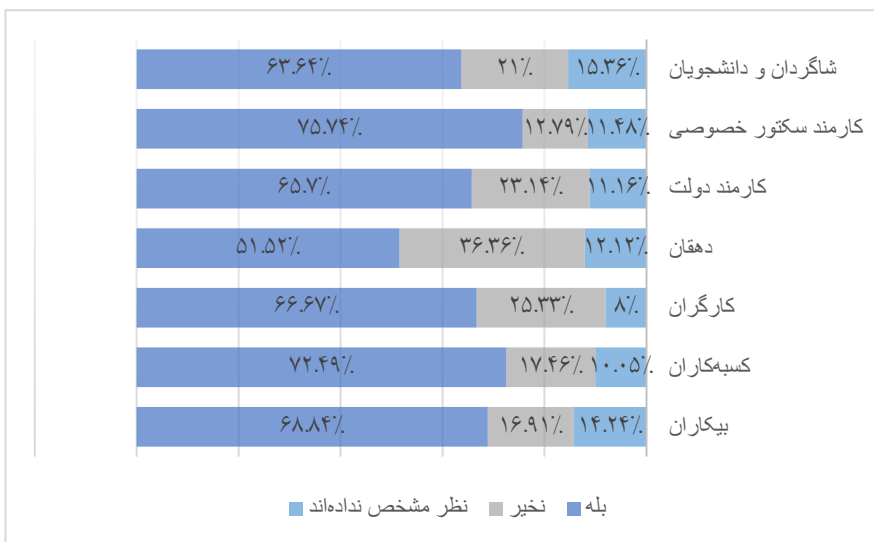
شکل ۵۳: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک قومیت



شکل ۵۴: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک سطح تحصیل



شکل ۵۵: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک شغل



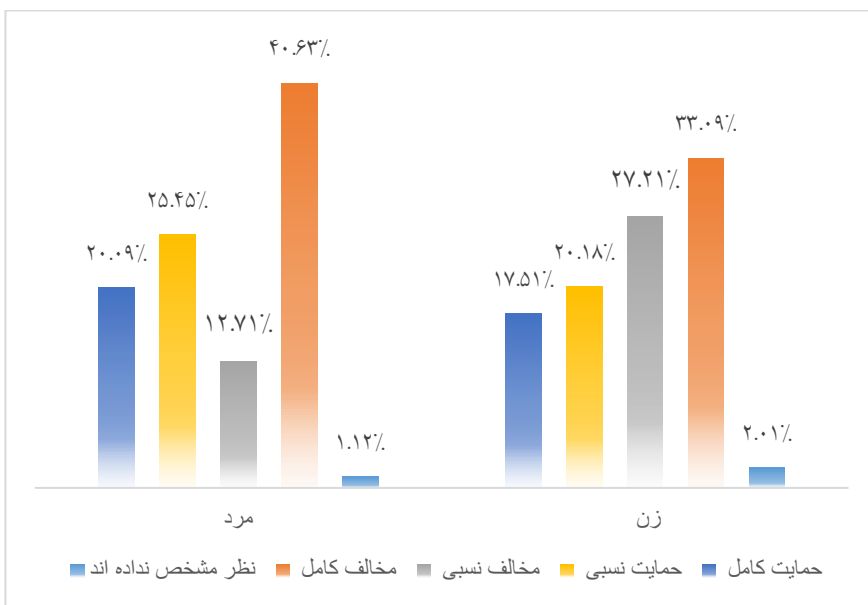
شکل ۵۶: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک گرایش سیاسی



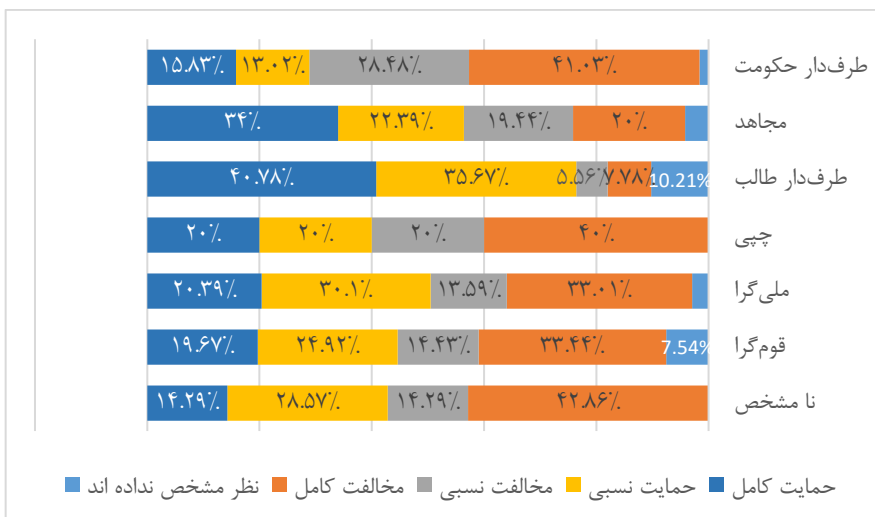
شکل ۵۷: آیا انتخابات عمومی حکومت مشروع روی کار می‌آورد؟ با تفکیک ولایات

ولایت	بله	نخیر	نامشخص	ولایت	بله	نخیر	نامشخص
کابل	۸۰.۶۷	۱۵.۳۳	۴	خوست	۵۰	۳۳.۳۳	۱۶.۶۷
هرات	۹۱.۱۱	۰	۸.۸۹	کندهار	۷۰	۲۱.۳۳	۸.۶۷
بلخ	۷۸.۳۳	۱۶.۶۷	۵	ننگرهار	۶۵.۳۳	۲۵	۹.۶۷
کندهار	۷۰	۲۱.۳۳	۸.۶۷	بدخشان	۷۷.۶۷	۱۴.۷۳	۷.۶۰
ننگرهار	۶۵.۳۳	۲۵	۹.۶۷	فاریاب	۸۳.۳۳	۰	۱۶.۶۷
بدخشان	۷۷.۶۷	۱۴.۷۳	۷.۶۰	غزنی	۵۳.۳۳	۳۰	۱۶.۶۷
فاریاب	۸۳.۳۳	۰	۱۶.۶۷	هلمند	۶۱.۶۷	۲۱.۶۷	۱۶.۶۷
غزنی	۵۳.۳۳	۳۰	۱۶.۶۷	بادغیس	۷۰	۲۰	۱۰
هلمند	۶۱.۶۷	۲۱.۶۷	۱۶.۶۷	بغلان	۶۱.۶۷	۳.۳۳	۳۵
بادغیس	۷۰	۲۰	۱۰	بامیان	۷۰	۱۶.۶۷	۱۳.۳۳
بغلان	۶۱.۶۷	۳.۳۳	۳۵	دایکندی	۷۳.۳۳	۱۳.۳۳	۱۳.۳۳
بامیان	۷۰	۱۶.۶۷	۱۳.۳۳	فراه	۷۳.۳۳	۲۰	۶.۶۷
دایکندی	۷۳.۳۳	۱۳.۳۳	۱۳.۳۳	غور	۶۶.۶۷	۱۶.۶۷	۱۶.۶۷
فراه	۷۳.۳۳	۲۰	۶.۶۷	جوزجان	۶۳.۳۳	۲۶.۶۷	۱۰
غور	۶۶.۶۷	۱۶.۶۷	۱۶.۶۷	کاپیسا	۵۶.۶۷	۲۶.۶۷	۱۶.۶۷
جوزجان	۶۳.۳۳	۲۶.۶۷	۱۰				
کاپیسا	۵۶.۶۷	۲۶.۶۷	۱۶.۶۷				

شکل ۵۸: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک جنسیت

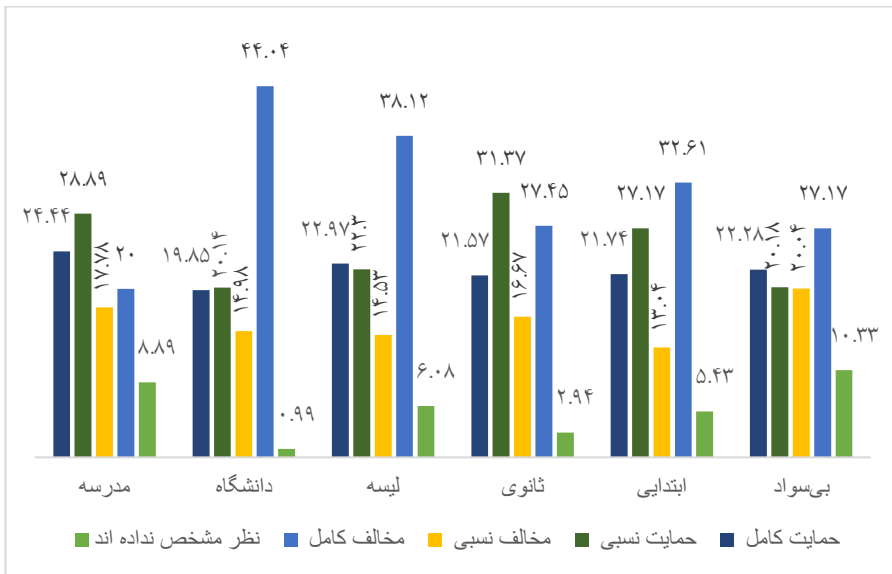


شکل ۵۹: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک گرایش سیاسی

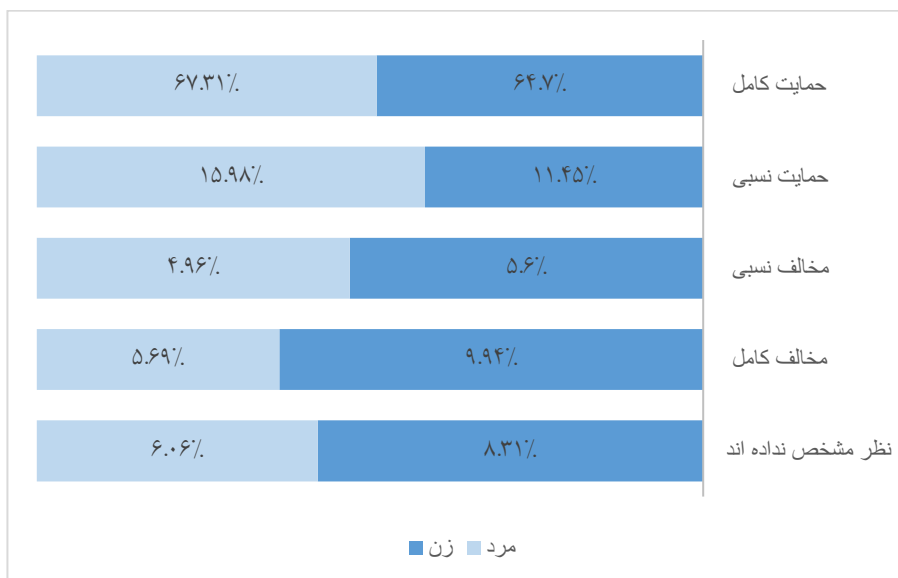




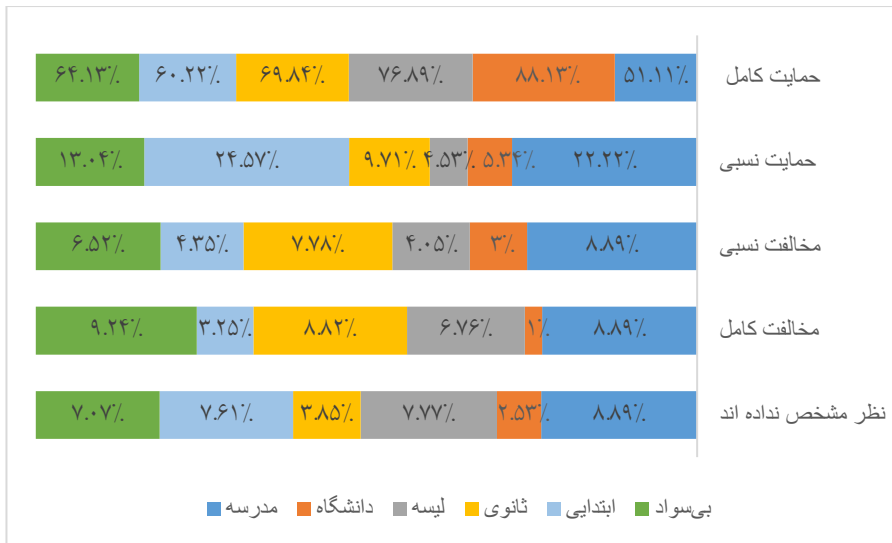
شکل ۶۰: میزان موافقت یا مخالفت با اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از سوی حکومت با تفکیک سطح تحصیل



شکل ۶۱: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک جنسیت



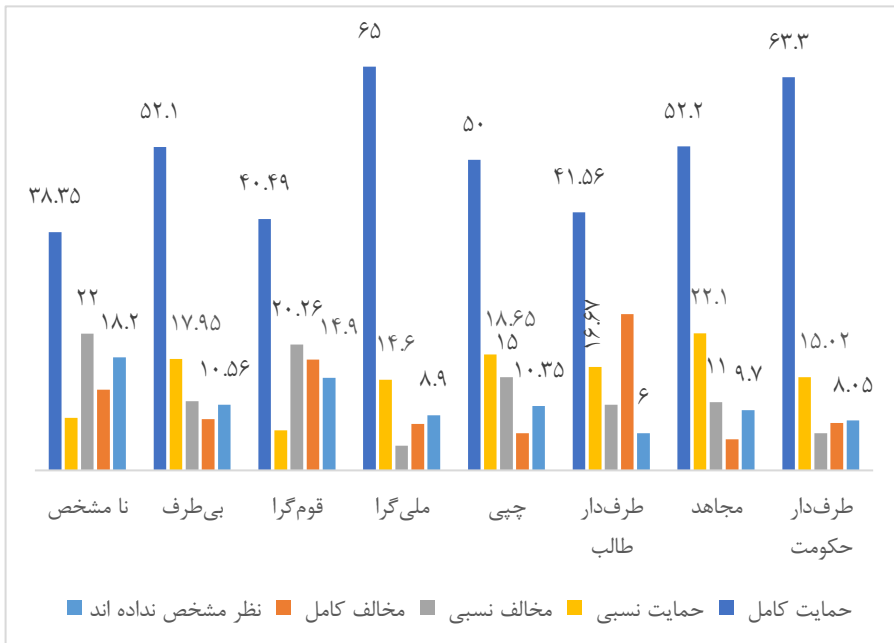
شکل ۶۲: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک سطح تحصیل



شکل ۶۳: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک قومیت



شکل ۶۴: تمام شهروندان بدون در نظر داشت جنسیت، تعلق قومی و باور دینی، حقوق برابر دارند و در برابر قانون مساوی اند با تفکیک گرایش سیاسی



## ضمیمه ج: پرسش نامه

### پرسش های شخصی

نام :

ولایت:

شهر:

ناحیه:

آدرس دقیق مصاحبه شونده نوشته شود:

### سن

(۱) ۲۷-۱۸

(۲) ۳۷-۲۸

(۳) ۴۷-۳۸

(۴) ۴۸ یا بالاتر از آن

### جنس

(۱) زن

(۲) مرد

### قوم

(۱) پشتون

(۲) تاجیک

(۳) هزاره

(۴) اوزبیک

(۵) مختلط

(۶) دیگر (وضاحت بدهید):

## سطح آموزش

- ۱) مکتب نخوانده
- ۲) ابتداییه (صنف اول تا ششم)
- ۳) متوسطه (صنف هفتم تا نهم)
- ۴) لیسه (صنف دهم تا دوازدهم)
- ۵) دانشگاه
- ۶) مدرسه
- ۷) دیگر (وضاحت بدهید)

## شغل

- ۱) شاگرد یا محصل
- ۲) کارمند دولت
- ۳) کارمند سکتور خصوصی یا انجو
- ۴) دهقان
- ۵) کارگر
- ۶) پیشه‌ور
- ۷) بی‌کار
- ۸) دیگر (وضاحت دهید):

## تعلق سیاسی

- ۱) طرف‌دار حکومت
- ۲) مجاهد
- ۳) طالب
- ۴) چپی
- ۵) ملی‌گرا
- ۶) قوم‌گرا
- ۷) بی‌طرف
- ۸) دیگر (وضاحت دهید):
- ۹) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

□ برای پاسخ به این پرسش‌نامه رضایت دارم.

## پرسش‌های مقدماتی

❖ دربارهٔ روند مذاکرات میان طالبان و امریکاییان چقدر می‌دانید؟

- (۱) بسیار
- (۲) کم و بیش
- (۳) زیاد نه
- (۴) هیچ چیزی نمی‌دانم.
- (۸) ابراز نمی‌کنم.

❖ دربارهٔ روند صلح از چه طریقی کسب معلومات می‌کنید؟

- (۱) رسانه‌ها
- (۲) مسجد
- (۳) محل کار
- (۴) مکتب/ دانشگاه
- (۵) کوچه و بازار
- (۶) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم/ ابراز نمی‌کنم.

❖ چه نیرویی را مانع اصلی در برابر حل سیاسی منازعه می‌دانید؟

- (۱) طالبان
- (۲) پاکستان
- (۳) امریکاییان
- (۴) رییس‌جمهور اشرف‌غنی
- (۵) سیاسیون اپوزیسیون
- (۶) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم/ ابراز نمی‌کنم.

## پرسش‌هایی دربارهٔ حل سیاسی منازعه

❖ بهترین شیوهٔ حل سیاسی منازعه در افغانستان کدام است؟

- (۱) انتخابات
- (۲) حکومت موقت
- (۳) تقسیم قدرت از طریق گنجاندن طالبان در حکومت مرکزی
- (۴) نامتمرکزسازی قدرت با اهدای خودمختاری محلی و سیاسی به طالبان
- (۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ اگر روند صلح به انتخابات سراسری بیانجامد، به کی رأی می‌دهید؟

- (۱) حکومت فعلی
- (۲) طالبان
- (۳) یک حزب دموکراتیک
- (۴) یک تنظیم مجاهدین
- (۵) یک حزب بی‌طرف
- (۶) در انتخابات رأی نمی‌دهم.
- (۷) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ اگر روند صلح به حکومت موقت بیانجامد، کی باید آن را رهبری کند؟

- (۱) حکومت فعلی
- (۲) طالبان
- (۳) ائتلاف حکومت و طالبان
- (۴) یک گروه داخلی بی‌طرف
- (۵) یک گروه بین‌المللی
- (۶) من به هیچ وجه از حکومت موقت حمایت نمی‌کنم و حکومت فعلی نباید منحل شود.
- (۷) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

- ❖ اگر روند صلح به تقسیم قدرت بیانجامد، قدرت چگونه باید تقسیم شود؟
- (۱) شماری از وزارتخانه‌ها به طالبان داده شود.
- (۲) طالبان در داخل ساختار رسمی دولت به نیروی خودمختار مبدل شوند.
- (۳) تمام گروه‌های عمده به تناسب نفوذشان، در حکومت و پارلمان سهم بگیرند.
- (۴) از تقسیم قدرت به هیچ وجه حمایت نمی‌کنم.
- (۵) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم/ ابراز نمی‌کنم.

- ❖ اگر روند صلح به نامتمرکزسازی قدرت بیانجامد، توزیع قدرت چگونه صورت گیرد؟
- (۱) دولت به ایالات فدرالی تقسیم شود و طالبان اداره شماری از آنها را به دست گیرند.
- (۲) تا رسیدن به صلح پایدار، به طالبان در شماری از ولایات خودمختاری موقتی داده شود.
- (۳) تا رسیدن به صلح پایدار، به طالبان در شماری از ولسوالی‌ها خودمختاری موقتی داده شود.
- (۴) به طالبان، تا پیوستن‌شان به انتخابات، خودمختاری سیاسی داده شود.
- (۵) از نامتمرکزسازی قدرت به هیچ وجه حمایت نمی‌کنم.
- (۶) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم/ ابراز نمی‌کنم.

- ❖ از سال ۲۰۰۱ به این سو هزاران شهروند ملکی در جنگ کشته شده‌اند. شما کی را مسئول این کشتار می‌دانید؟
- (۱) طالبان
- (۲) حکومت
- (۳) نیروهای خارجی
- (۴) سازمان‌های تروریستی خارجی
- (۵) پاکستان
- (۶) همه
- (۷) دیگر (وضاحت بدهید):
- (۸) نمی‌دانم/ ابراز نمی‌کنم.



❖ چه گزینه‌ای را برای برخورد با مسئولان کشتار شهروندان ملکی پیشنهاد می‌کنید؟

- ۱) باید در دادگاه‌های افغانستان محاکمه شوند.
- ۲) باید در دادگاه‌های بین‌المللی محاکمه شوند.
- ۳) باید از مردم معذرت بخواهند.
- ۴) باید مورد عفو عمومی قرار گیرند.
- ۵) دیگر (وضاحت دهید):
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ درباره‌ی به قدرت رسیدن طالبان چه احساسی دارید؟

- ۱) کاملاً راحتم
- ۲) نسبتاً راحتم
- ۳) نسبتاً ناراحتم
- ۴) کاملاً ناراحتم
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

### پرسش‌هایی درباره‌ی نظام سیاسی

❖ در مقایسه با امارت طالبان، از نظام سیاسی پس از ۲۰۰۱ چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از آرایه‌ی خدمات توسط نظام حکومتی پس از سال ۲۰۰۱ چقدر راضی هستید؟

- ۱) بسیار راضی
- ۲) نسبتاً راضی
- ۳) نسبتاً ناراضی
- ۴) بسیار ناراضی
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از تأمین امنیت توسط نظام حکومتی پس از ۲۰۰۱ چقدر راضی هستید؟

- ۱) بسیار راضی
- ۲) نسبتاً راضی
- ۳) نسبتاً ناراضی
- ۴) بسیار ناراضی
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ چقدر از نظام طالبانی در افغانستان حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ به نظر تان چه کسی می‌تواند رییس‌جمهور افغانستان شود؟

- ۱) شخصی که مستقیماً توسط مردم انتخاب شود.
- ۲) شخصی که لویه‌جرگه مقرر کند.
- ۳) شخصی که توسط رهبران قومی مقرر گردد.
- ۴) شخصی که توسط روحانیون مقرر گردد.
- ۵) شخصی که با زور به قدرت برسد.
- ۶) دیگر (وضاحت بدهید):
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از حکومتی که فعالیت‌های روزانه‌تان را کنترل کند، چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.

۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ با کنترل رفتار روزانه مردان و زنان در کوچه و بازار توسط پولیس مذهبی چقدر موافق یا مخالف هستید؟

۱) کاملاً موافقم

۲) نسبتاً موافقم

۳) نسبتاً مخالفم

۴) کاملاً مخالفم

۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از این بیان چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید: دولت باید به مردم حسابده باشد؟

۱) کاملاً حمایت می‌کنم.

۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.

۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.

۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.

۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

پرسش‌هایی دربارهٔ مشروعیت سیاسی

❖ فکر می‌کنید انتخابات سراسری دولت مشروع به وجود می‌آورد؟

۱) بلی

۲) نخیر

۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از این بیان چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید: «حاکمیت ملی در افغانستان به ملت

تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند.»

۱) کاملاً حمایت می‌کنم.

۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.

۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.

۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.

۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از این بیان چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید: «تمام شهروندان افغانستان صرف‌نظر از تفاوت‌های جنسی، تباری و مذهبی با هم برابرند.»

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ مهم‌ترین خصوصیت یک حزب سیاسی خوب به نظر شما چی باید باشد؟

- ۱) نمایندگی از ارادهٔ مردم
- ۲) نمایندگی از ارادهٔ قوم
- ۳) نمایندگی از ارادهٔ روحانیون
- ۴) دیگر (وضاحت بدهید):
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ در نظام سیاسی مورد علاقهٔ شما، چند حزب سیاسی باید اجازهٔ فعالیت داشته باشند؟

- ۱) چندین حزب
- ۲) دو حزب
- ۳) یک حزب
- ۴) هیچ حزب
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از اعمال محدودیت بر رسانه‌ها از جانب حکومت چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از ظاهر شدن زنان در رسانه‌ها چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از آموزش زنان در مکاتب و دانشگاه‌ها چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ از کار کردن زنان در دولت چقدر حمایت یا با آن مخالفت می‌کنید؟

- ۱) کاملاً حمایت می‌کنم.
- ۲) نسبتاً حمایت می‌کنم.
- ۳) نسبتاً مخالفت می‌کنم.
- ۴) کاملاً مخالفت می‌کنم.
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

❖ آیا حکومتی متشکل از افراد دخیل در جرایم جنگی به نظر شما مشروعیت دارد؟

- ۱) بلی
- ۲) نخیر
- ۸) نمی‌دانم / ابراز نمی‌کنم.

- Afghanistan Population Estimates for the Year 2019-2020. The National Statistics and Information Authority. 2019. <https://www.nsia.gov.af:8080/wp->
- Afghanistan, Freedom in the World. 2001-2019. Freedom House, <https://freedomhouse.org/search/search-page/0/0/Afghanistan%20>
- Afghanistan, Freedom in the World 2019. Freedom House. <https://freedomhouse.org/report/freedom-world/2019/afghanistan>
- Akhundzada, H. 2019. Message of Felicitation of the Esteemed Amir ul-Mumineen Sheikh ul-Hadith Mawlawi Haibatullah Akhundzada On the Occasion of Eid ul-Fitr. Voice of Jihad, June 1. <https://alemarahenglish.com/?p=46515>
- Bak, M. 2019. Corruption in Afghanistan and the Role of Development Assistance. Transparency International, April 29
- Boyd, P. 2006. "By the Numbers: A Sample Size Table." Quirk's Media. <https://www.quirks.com/articles/by-the-numbers-a-sample-size-table>
- Brownlee, J. 2009. Portents of Pluralism: How Hybrid Regimes Affect Democratic Transitions." American Journal of Political Science, Vol. 53, No. 3, pp. 515-532.
- Carcano, A. 2006. "End of the Occupation in 2004? The Status of the Multinational Force in Iraq After the Transfer of Sovereignty to the Interim Iraqi Government." Journal of Conflict & Security Law, Vol. 11, No. 1, pp. 41-66.
- Carment, D., Prest, S., & Samy, Y. 2010. Security, Development, and the Fragile State: Bridging the Gap between Theory and Policy. London: Routledge.
- Chiovenda, M.K. 2014. The Illumination of Marginality: How Ethnic Hazaras in Bamyān, Afghanistan, Perceive the Lack of Electricity as Discrimination. Central Asian Survey, Vol. 33, Issue. 4, pp. 449-462.

- Colier, D., & Adcock, R. 1999. Democracy and Dichotomies: A Pragmatic Approach to Choices About Concepts. *Annual Review of Political Science*, Vol. 2, No. 1, pp. 537-565.
- Corruption Perceptions Index 2018, Transparency International <https://www.transparency.org/cpi2018>
- Dahl, R.A. 1971. *Polyarchy: Participation and Opposition*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Dahl, R.A. 1998. *On Democracy*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Diamond, L. 2000. "Thinking About Hybrid Regimes." *Journal of Democracy*, Vol. 13, No. 2, pp. 21-35.
- Di John, J. and Putzel, J. 2009. *Political Settlements: issues paper*. University of Birmingham: Governance and Social Development Resource Centre.
- Cheibub, J.A. Gandhi, J., Vreeland J.R. 2010. "Democracy and Dictatorship Revisited." *Public Choice*, Vol. 143, No. 1, pp. 67-101.
- Elkins, Z. 2000. Gradations of Democracy? Empirical Tests of Alternative Conceptualization. *American Journal of Political Science*, Vol. 44, No. 2, pp. 287-294.
- Ghani's 7-Point 'Peace Plan.' Tolo News, October 27, 2019 <https://tolonews.com/afghanistan/ghani-proposes-7-point-%E2%80%98peace-plan%E2%80%99>
- Gardam, J., & Jarvis, M. 2000. Women and Armed Conflict: The International Response to the Beijing Platform for Action. *Columbia Human Rights Law Review*, Vol. 32, No. 1, pp. 1-65.
- Geddes B, Wright J., & Frantz, E. 2014. "Autocratic Breakdown and Regime Transition: A New Data Set." *Perspectives on Politics*, 12(2), pp313-331.
- Geddes B, Wright J., & Frantz, E. 2014. "Authoritarian Regimes Code Book: Version 1.2"
- Perspectives on Politics <https://static.cambridge.org/content/id/urn:cambridge.org:id:article:S1537592714000851/resource/name/S1537592714000851sup003.pdf>

- Glinski, S. 2019. Risking Life and Limb to Vote in Afghanistan. Foreign Policy, Sept. 27 <https://foreignpolicy.com/2019/09/27/risking-life-and-limb-to-vote-in-afghanistan/>
- Ibrahimi, Y. 2017. “The Taliban’s Islamic Emirate of Afghanistan (1996-2001): ‘War-Making’ and ‘State-Making’ as an Insurgency Strategy.” *Small Wars and Insurgencies*, Vol. 28, No. 6, pp. 947-972.
- Ibrahimi, Y. 2018. Modalities of Conflict Resolution in Afghanistan: A Negotiated Settlement Scenario.” Afghan Institute for Strategic Studies.
- Kelsall, T. 2018. Thinking about Working with Political Settlements: The Case of Tanzania. ODI, Working Paper 541.
- Khalilzad, Z. 1991. “Prospects for the Afghan Interim Government.” Rand Corporation <https://www.rand.org/pubs/reports/R3949.html>
- Laws, E. (2012) Political settlements, elite pacts, and governments of national unity. Background Paper 10. Birmingham: Developmental Leadership Program
- Lottholz, P., & Lemay-Herbert, N. 2016. Re-Reading Weber, Re-conceptualizing State-Building: From Neo-Weberian to Post-Weberian Approaches to State, Legitimacy, and State-Building. *Cambridge Review of International Affairs*, Vol. 20, No. 4, pp. 1467-1485.
- Luhmann, A., M. Tannenbergh, & S.I. Lindberg. 2018. “Regimes of the World (RoW): Opening New Avenues for the Comparative Study of Political Regimes.” *Politics and Governance*, Vol. 6, No. 1, pp. 60-77.
- Munk, G., & Verkuilen, J. 2002. Conceptualizing and Measuring Democracy – Evaluating Alternative Indices. *Comparative Political Studies*, Vol. 35, No. 1, pp. 5-34.
- Mashal, M. 2019. What do the Taliban Want in Afghanistan? A Lost Constitution Offers Clue. *The New York Times*, June 28 <https://www.nytimes.com/2019/06/28/world/asia/taliban-peace-talks-constitution.html>



- Osman, B., & Gopal, A. 2016. *Taliban View of a Future State*. New York University: Center on International Cooperation.
- Record – High Number of Civilian Casualties in Afghanistan: UN Report. UNAMA News, October 17, 2019 <https://news.un.org/en/story/2019/10/1049491>
- Rocha Menocal, A. 2015. *Inclusive Political Settlements: Evidence, Gaps, and Challenges of Institutional Transformation*. University of Birmingham: Developmental Leadership Program.
- Rothstein, B. 2009. *Creating Political Legitimacy: Electoral Democracy Versus Quality of Government*. *American Behavioral Scientist*, Vol. 53, No. 3, pp. 311-330.
- Rothchild, D. 2009. “Ethnicity, Negotiation, and Conflict Management.” In Jacob Bercovitch, Victor Kremenyuk, & I. William Zartman, Eds. *The Sage Handbook of Conflict Resolution* (pp. 246-263). London: Sage.
- Saeedi, S.Z. 2019. Ghani’s Missed Opportunity: The Hazara Enlightenment Movement. *The Diplomat*, July 26 <https://thediplomat.com/2019/07/ghanis-missed-opportunity-the-hazara-enlightenment-movement/>
- Sadr, Omar. 2018. “Political Settlement of the Afghanistan Conflict: Divergent Models.” *Afghan Institute for Strategic Studies*.
- Safi, O. 2019. *Afghanistan Election: Turnout May Have Been As Low As 20% Amid Taliban Threat*. *The Guardian*, Sept. 29 <https://www.theguardian.com/world/2019/sep/29/afghanistan-election-turnout-as-low-as-20-per-cent-taliban-threats>
- Sediqi, A.Q. 2019. *The Taliban Cut Off His Fingers for Voting, He Defied Them Again*. *Reuters*, Sept. 28 <https://www.reuters.com/article/us-afghanistan-election-voter/the-taliban-cut-off-his-finger-for-voting-he-defied-them-again-idUSKBN1WD09I>
- Shain, Y., & J.J. Linz. 1992. “The Role of Interim Governments.” *Journal of Democracy*, Vol. 3, No. 1, pp. 73-70.
- SIGAR. 2019. *Quarterly Report to the United States Congress*. October 30 <https://www.sigar.mil/pdf/quarterlyreports/2019-10-30qr.pdf>

- SIGAR. 2019. 2019 High Risk List  
[https://www.sigar.mil/pdf/spotlight/2019\\_High-Risk\\_List.pdf](https://www.sigar.mil/pdf/spotlight/2019_High-Risk_List.pdf)
- Tanzeem, A. 2019. Taliban Attacks Getting More Effective, SIGAR Says. VoA, October 31 <https://www.voanews.com/south-central-asia/taliban-attacks-getting-more-effective-sigar-says>
- The Afghan Government’s Peace Offer During the Second Kabul Process. BBC Persian. February 28, 2018  
<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-43223626>
- The Roadmap for Achieving Peace: The Next Chapter in the Afghan-led Peace Process by HE President Mohammad Ashraf Ghani. The Government of Afghanistan. November 28, 2018  
[https://ocs.gov.af/uploads/documents\\_en/25.pdf](https://ocs.gov.af/uploads/documents_en/25.pdf)
- The Peace Jirga Declaration. May 2019,  
<https://www.bbc.com/persian/afghanistan-48144620>
- The World Bank. 2018. Literacy Rate, Adult Total – Afghanistan  
<https://data.worldbank.org/indicator/SE.ADT.LITR.ZS?end=2018&locations=AF&start=1979>
- Thornhill, C. 2011. Political Legitimacy: A Theoretical Approach Between Facts and Norms. *Constellations*, Vol. 18, No. 2, pp. 135-169.
- Tikuisis, P., & Carment, D. 2017. Categorization of States beyond Strong and Weak. *Stability: International Journal of Security and Development*, Vol. 6, No. 1: 12, pp. 1-23.
- UNAMA. 2019. Quarterly Report on the Protection of Civilians In Armed Conflict: 1 January to 30 September 2019. October 17  
[https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama\\_protection\\_of\\_civilians\\_in\\_armed\\_conflict\\_-\\_3rd\\_quarter\\_update\\_2019.pdf](https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_protection_of_civilians_in_armed_conflict_-_3rd_quarter_update_2019.pdf)
- Wahman, M., J. Teorell, & A Hadenius. 2013. “Authoritarian Regime Types Revisited: Updated Data in Comparative Perspective.” *Contemporary Politics*, Vol. 19, No. 1, pp. 19-34.
- Weber, M. 2004[1919]. *The Vocation Lectures*, Rodney Livingstone trans., and David Owen and Tracy Strong eds. Indianapolis, Cambridge: Hackett Publishing Company.

- Weber, M. 1958. The Three Types of Legitimate Rule. Translated by H Gerth, Berkeley Publications in Society and Institutions, Vol. 4, No. 1, pp. 1-11.
- Weatherford, S. 1992. Measuring Political Legitimacy. American Political Science Review, Vol. 86, No. 1, pp. 149-166.
- World Population Prospects. 2017. The 2017 Revision, Volume I: Comprehensive Tables. New York: United Nations.  
[https://population.un.org/wpp/Publications/Files/WPP2017\\_Volume-I\\_Comprehensive-Tables.pdf](https://population.un.org/wpp/Publications/Files/WPP2017_Volume-I_Comprehensive-Tables.pdf)

## معرفی نویسنده

دکتر یعقوب ابراهیمی، پژوهش‌گر همکار انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و استاد علوم سیاسی در دانشگاه کارلتون در اتاوا است. تئوری روابط بین‌الملل، امنیت جهانی، دولت‌های شکننده و تحلیل منازعه با تمرکز ویژه بر خاورمیانه و افغانستان از جمله علایق پژوهشی آقای ابراهیمی اند. مقالات علمی دکتر ابراهیمی در ژورنال‌هایی چون سروی آسیای میانه، تروریسم و خشونت سیاسی، جنگ‌های کوچک و شورشگری و جاهای دیگر نشر شده‌اند.




انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان  
Afghan Institute for Strategic Studies

مطالعات صلح - ۶


ISBN 978-9936-655-00-3





9 789936 655003

 @AISS\_Afg

 www.facebook.com/AISSAfghanistan

 https://t.me/AISS\_Afg

 www.aiss.af

 contact@aiss.af

 +۹۳ ۷۹۹۸۴۰۱۶۱